

۸

۷

واریق

مجله ماهانه فرهنگی فارسی و ترکی
آبلیق تورکجه و فارسجا فرهنگی نشریه

بنشینجی ایل صایی ۸۹۷ (آردیجیل صایی ۵۳ و ۵۴)
سال پنجم شماره ۸۹۷ (شماره مسلسل ۵۳ و ۵۴)

مهر و آبان ۱۳۶۲

(شماره امتیاز ۷۵۳۸)

این مجله بهیچ حزب و گروهی بستگی ندارد

VARLIQ

Monthly
PERSIAN AND TURKISH JOURNAL
5t Year No. 7,8 (Serial No. 53,54
OCT, NOV 1983

Address: Veli-ASR Ave. Bidi Str. No. 17
Tehran, Iran

قیمت ۱۵۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

ایچینده کیلر

(فهرست)

- ۳- ۱- یادداشت‌هایی دربارهٔ نحو ترکی: دکتر حمید نطقی.
- ۱۴- ۲- آذربایجان ادبیات تاریخچه بیر باخیش (۳۳): دوکتور جواد هیئت.
- ۲۸- ۳- تصوف و ادبیات (۱۵): پرفسور غلامحسین بیگدلی.
- ۳۶- ۴- حضرت محمد (ص) ین اوگودلری: ج. هیئت.
- ۳۷- ۵- آنا دیلیمیز و ملی وارلیغیمیزا و غروندا خاطره‌لر (۴). م. ع. فرزانه.
- ۴۹- ۶- اسکلی تورک شعرینده وزن، شکل و قافییه: دوکتور جواد هیئت.
- ۵۷- ۷- آذربایجان شعر و ادبیات‌یله تانیس اولاق (۳): ت. پیرهاشمی.
- ۶۲- ۸- کهله‌یه سلام: پرفسور غ. بیگدلی.
- ۶۷- ۹- دنیانی نثیلیریم: حامد.
- ۶۸- ۱۰- اوغول دئمه‌لی: سونمز.
- ۶۹- ۱۱- باهار بایرامی منظومه‌سیندن بیر پارچا: ح. م. ساوالان
- ۷۱- ۱۲- اورمی‌لی شاعریمیز (آدسیز) دان
- ۷۲- ۱۳- حصیر شاپقالی قیز: اولکر.
- ۷۳- ۱۴- بیرینجی درس: منظوری خامنه‌ای.
- ۷۷- ۱۵- محله‌میزه گلن مکتوبلار:
- ۷۹- ۱۶- ترکمن شعر و آتالار سوزلریندن نمونه‌لر: غفاربردی
- ۸۰- ۱۷- مداح: علی کمالی.
- ۹۲- ۱۸- مشهدی محمدصادق‌خان چرندابی: صمد سرداری‌نیا.



وارلیق

آیلوق نوز کجه و فارسجا فرهنگی نشره
مجله ماهانه فرهنگی فارسی و ترکی

بئشینجی ایل - مهر و آبان ۱۳۶۲

دوکتور حمید نطقی

یادداشت‌هایی

در باره " نحو ترکی "

آنهایی که قلم بدست گرفته‌اند و می‌خواهند مقاله‌ای، داستانی، حتی نامه‌ای به ترکی بنویسند معنی عمیق و نهفته در سخن " فارسی شکر است ترکی هنر است " را بخوبی در می‌یابند. بقول خواجه حافظ بحث درباره " قند پارسی " را برای بعد می‌گذاریم، و نقدا در پاسخ پرسشهای پیا-پی، که درباره " هنر ترکی نوشتن می‌شود گفتارهای پیشین را دنبال می‌کنیم. در مورد املا و قواعد آن سابق براین آنچه کافی بنظر می‌رسید گفته شد. لکن از سئوالاتی که مطرح است پیداست که درباره " نحو " ترکی نیاز به توضیح و تکرار مجدد رفع نگردیده است. بنا براین با تقدیم یادداشت‌های کوتاهی در این باب امیدواریم که بخشی از پرسش‌ها را پاسخ گفته باشیم. اینک چند نکته‌ای از " نحو " ترکی

در زبان ترکی معمولا مبتدا در ابتدای جمله و خبر در انتهای آن قرار دارد. مثلا: محمد هر ایل کلاسینی گئچیر. اوچ یولداش دونیسا سیاحتینه چیخدیلار. داداشیم درسه دوام ائلییر (درس را ادامه می‌دهد). بیز دونن گزمه‌گه گئتدیک. در این جملات " گئچیر"، " چیخدیلار"، " دوام ائلییر"، " گئتدیک" هر کدام خبر جمله ذی ربط است. " محمد"، " اوچ یولداش"، " داداشیم" مبتداست.

قبل از ذکر نکات دیگر ناگزیریم که به عنوان توضیح درباره حالات اسم اندکی به حاشیه برویم. بطوریکه می‌دانید در ترکی اسم بر حسب

حالتی که دارد پسوند خاصی را می پذیرد، در این زبان هر اسمی را ما جز در حال ساده و بی پیرایه در یکی از حالات زیر می بینیم:

۱- حالت " - ای " با پسوند " ای " و اشکال متنوع آن یعنی (ای ، او ، او) که معنی مفعول صریح را می دهد. اشکال مختلف این پسوند بر طبق قانون هماهنگی مصوتات در ترکی به صورت ساده کلمات (اسمها) افزوده می شود: " داغ " (کوه)، " قوش " (مرغ)، " اوزوم " (انگور)، " ایپ " (طناب) . این پسوندها اسم را به فعل ربط می دهد و آنرا مشخص می سازد: " داغی آشماق " ، " قوشو توتماق " ، " اوزومو یئمک " ، " ایپی دوگونله مک " یعنی از کوه معلومی بالا رفتن ، مرغ مشخص را گرفتن ، انگور مورد بحثی را خوردن ، طناب معینی را گره زدن .

اگر می گفتند " داغ آشماق " یعنی از کوه بالا رفتن و کوه نوردی (به صورت نکره و نامشخص) .

این پسوند در مورد نام اوقات نیز آورده می شود: " ساعت اوچو اون دقیقه گنجیر " - یعنی ده دقیقه بعد از سه است .

۲- حالت " - ه - " با پسوند (اه) که فتحه تلفظ می شود و با شکل دیگر آن (آ) معنی به ، بسوی و امثال آنرا می دهد:

داغا (به طرف کوه) ، قوشا (به طرف مرغ) ، اوزومه (به انگور) ایپه (به طناب) . در اسامی اوقات هم بکار می رود: ساعت دو ققوزا اون دقیقه قالاندا (ده دقیقه به ساعت نه مانده) .

بعد از این پسوند می توان اادات نیز آورد: قوش داغا ساری اوچدو . (مرغ به سوی کوه پرید) ، سحره قدهر اوتوردو (تا صبح نشست) .

۳- حالت " - ده " با پسوند (ده) و شکل دیگر آن (دا) ، به معنی در ، اندر ، بر .

داغا (در کوه) ، قوشدا (در مرغ) ، اوزومده (در انگور) ، ایپده (در طناب) . پسوندهای: " دیر " ، " ایمیش " ، " - آیدی " ، " ایکن " و غیره (مشتق از مصدری قدیمی و فرموش شده: ایمک به معنی (استن / بودن) که بیان کننده وضع و بودن است به " ده " و یا " دا " افزوده می شود و صرف می شود: بو کچه ائوده ییم (امشب در خانه هستم) ، احمد مکتبده - دیر (احمد در مدرسه است) ، این پسوند برای بیان کسرها هم بکار می رود: یوزده بخش (پنج درصد) ، مین ده بیر احتمال (احتمال یک در هزار) .

۴ - حالت " - دن " با پسوند (دن) و شکل دیگر آن (دان) ، به معنی :
از . مثال داغدان (ازکوه) ، قوشدان (از مرغ) ، اوژومدن (از انگور)
ایپدن (از طناب) . در مورد لزوم پسوندهای مصدر فراموش شده " ایمنک
براین پسوند افزوده می شود :

" کور اوغلو داستانی خلقین چوخ سئودیکی داستانلاردان دیر " (کور اوغلو
از حماسه های است که مردم بسیار دوستش دارند) . این حالت را با حالت
" - ه " دریک جمله می توان دید : تبریزدن تهرانا (از تبریز به تهران)
در برخی کتابهای دستور درکنار این حالات از دو حالت اضافه (با
پسوند " - این ") و حالت برابری (با پسوند " - ه ") نیز بحث می شود .
که در این حاشیه مجال بحث آنها نیست .

در هر صورت بعد از این توضیحات باید بگوئیم که در ترکی مبسدا را
در هیچکدام از حالات فوق الذکر نمی آورند . لکن طبیعی است که مبتدا
پسوندهای جمع و ملکیت را می پذیرد : شوفور اوتوموبیلینی سورور (را -
ننده ماشینش را می راند) ، شوفوروموز اوتوموبیلی تعمیره آپاردی
(راننده ما ماشین را برای تعمیر برد) .

برای اینکه مبتدا را بشناسیم ، باید ببینیم که جواب سئوالات " کیم؟
و " که؟ " و " نه؟ " (چه؟) را در کجای جمله می توان یافت . " معلم درس
و ثریر " (معلم درس می دهد) . می پرسیم " کیم درس و ثریر " . (که درس
می دهد) . " ترهن بیردهن حرکت ائتدی " می پرسیم " نه بیردن حرکت
ائتدی؟ " (قطار ناگهان حرکت کرد؟) . " بیزیم ائوین قاباغیندا بیر
آغاج وار " (جلوی خانه ما درختی هست) می پرسیم : " نه وار؟ " (چه هست؟)
ضمائر ، صفات فعلی و ترکیبات اسامی و صفات می تواند مبتدا شود . من
شوخلوغو سئومه رم (من شوخی را دوست ندارم) ، اونلار داغین ذروه سینه
چیمیشلار (آنها به قلعه کوه رفته اند) ، بعضی سی یوخودا دانیشار (بعضی
از آنها در خواب حرف می زند) ، هانسی سی چوخ چالیشیر؟ (کدام یکی زیاد
کار می کند) ، چوبانین قویونلاری ایتدی (گوسفندان چوبان گم شد) ، اوتو -
موبیلین پلاکی دوشوب (پلاک ماشین افتاده است) ، مناره نی چالان قویوسو -
نی د ، فامالی دیر (هرکه مناره را بدزد چاهش را هم باید بکشد) .

در هر جمله مبتدا و فعل از نظر مفرد و جمع بودن با هم مطابقت دارند

من جواب و ثره جه کیم (من جواب خواهم داد)

سن جواب و ثره جکسن (تو جواب خواهی داد) .

او جواب وثره جک (او جواب خواهد داد)
 بیز جواب وثره جه گیک (ما جواب خواهیم داد) .
 سیز جواب وثره جکسیز (سینیز) (شما جواب خواهید داد) .
 اولار (اولار) جواب وثره جکلر (آنها ، ایشان جواب خواهند داد) .
 در مقام احترام و محبت بجای شخص دوم مفرد ، شخص دوم جمع بکار می
 برند . " سن هارالی سان ؟ " (تو کجائی هستی ؟) تبدیل می شود به
 " سیز هارالی سیز " (هارالی سینیز) - شما کجائی هستید ؟ - برای
 همین مقصد به افعال شخص سوم نیز " - لر " افزوده می شود :
 " رئیس ساعت ۱۴ ده سیزینله گوروشه جکلر " ..
 در برخی از جملات برعکس امثال فوق مبتدا جمع و فعل خبر مفرد است
 (در موردی که مبتدا جسم بی جان ، اعضا ، حیوانات و نباتات است) .
 گوزلری آغریر . دیرناقلارینیز چوخ اوزانمیش . بارماقلاریم اینجیدی .
 اوزاقدان سسلر گلدی . سؤگود بوداقلاری بیثره قدر اگیلیب .
 در مواردی که فعل خبر مجهول باشد مبتدا موجود نیست :
 باغین اورتاسینا بؤیوک بیر قویو قازیلدی . آخورداکی آتلار دون
 گچه قاجیردیلیب . یشمکلر حاضرلنمیش .
 در برخی موارد مبتدا حذف می شود و به قرینه معلوم می گردد :
 " ایندی مکتبلرده درس وثریرلر " .
 در یک جمله بدیهی است که در کنار عناصر اصلی ، یعنی مبتدا و خبر
 عناصر غیر اساسی از قبیل مفعول و متمم نیز می تواند باشد :
 " حسین قاپی نی آچدی " . " آتام قابلاری گتیردی " .
 در این مثالها " مفعول " در کنار عناصر اصلی جای گرفته است چنان-
 که اشاره شد مفعول اگر مشخص و معین باشد ، پسوند حالت " - ای " را می
 گیرد ، در مثالهای فوق در " قاپی نی " و " قابلاری " جیس شده است .
 اگر مفعول معین نباشد پسوند نمی گیرد :
 " بقالدان دوگو آلدیم " از بغال برنج خریدم . لکن بقالدان دوگونو
 آلدیم " یعنی برنج معلوم و مورد نظرا از بقال خریدم .
 فعل اگر متعدی باشد حتما دارای مفعول است :
 " پیشیک سود ایچیر " ، " قارداشیم مسئله حل ائلییر " ، " اعلان کتاب
 اوخور " .
 در بعضی اوقات مفعول افعال متعدی مشتق از خود آن افعال است :

اوو اوولادی ، یئمک یئدی ، یازی یازدی ، تیکیش تیکدی ، هئورگو
هئوردی ، دوگمه دوگمه له دی ، جیزیق جیزدی ، ایچگی ایچدی ، چالستی
چالدی ، اوت اوتلادی

متممها نیز معنی خبررا بنحوی از انحاء کامل می کنند :
"اونو ائوینده گئوردوم" ، "بو آلمالاری سیزین اوچون آلدیم"
"سیز فقیرلره یاردیم ائدیرسیز می ؟" ، "سن یابام ایله گل"
پسوندهای حالات "آ - ده - دان - این" موجب به وجود آمدن دسته‌ای
دیگر از متممها می شوند :

"پولومو بانکا قویورام" ، "سویوق هاوا طبقه سی مشرقدن کلیسر" ،
"هر انگ سوموگونده اون آلتی دیش وار" ، "محسن پولو چوخ اهمیت وئریر"
در برخی از دستورها کلماتی را که در یک جمله یا ادات مانند "ایله"
"اوچون" و "کیمی" بصورت عبارتی در می آید و معنی جمله را کامل
می کند "متمم ادات" نام داده اند :

"چؤره گی بیچاق ایله کسه ریک" ، "قارداشیم آری کیمی چالیشیر"
"الینده کی عسا ایله ووردو" ، "سیزی گئورمک اوچون بورالارا گلدیم"
جمله ساده گویای اندیشه و یا حکم واحد است .

"سیزی قوناق چا غیریرلار" ، "بوگون هاوا بیردن دگیشدی"
جملات بردوگونه است : اول جملاتی که فعل آنها با پیوستن پسوندهای
بازمانده از مصدر قدیمی و فراموش شده "ایمک" تشکیل شده و یا جملاتی
که جز آن اسم است ، این دسته را جملات اسمی می نامند ، دیگر جملات را
فعلی می نامند .

"حسن یا تاغیندا خسته یاتیر" (جمله فعلی) . "اوزومه باخدی" (جمله
فعلی) . "جیمده آنجاق بیردستمال وار" (جمله اسمی) . "بو ائو کیچیک
دیر" . (جمله اسمی) . "بیر نچه ایل قاباق بو داغلار جنگلدی" (اسمی)
منفی جملات اسمی با کمک لغات "دگیل" و "یوخ" ساخته می شود .

"بو داغلاردا اعلان یوخدور" . "دونن هاوا یاخشی دگیلدی" .

جمله مرکب برخلاف جمله بسیط محتوی بیش از یک اندیشه است :

درجملات مرکب ، درکنار جمله اصلی یک یا چند جمله فرعی قرار می

گیرد . معمولاً جمله اصلی در آخر جمله مرکب است :

"سیزین ایله تانیشدیغیما ممنون اولدوم" . "محمد درس اوخودوغواوچون
بیزیمده گلمه دی" .

جملات فرعی بر حسب "خبر"ی که دارند به انواع مختلف تقسیم می شود .
جملهٔ فرعی شرطی با پسوند (- سه) ، (- سا) و ساخته می شود . این
پسوندها اسم یا فعل افزوده می شود :

"یورغونساز - یورغونسانیز - بیر آز اوتورون" .

"پولونوز - پولوز - وارسا مسافرت اقلهیه بیلرسیز" .

"کتابلاریز بیرتیقسا یا پیشدیرین" .

با این پسوند خوف و رجا نیز بیان می شود :

"بوگون بیریاخی قاریاغسا کوچهلر تمیزلهنیر" .

"گئچ قالسام اثویم بیخیلار" .

پسوند شرط با افعال مرکب نیز بکار می رود . جملات شرطی فرعی در

این موارد نیز می توان ساخت :

"بیر مکتوب آلیرسالام ، چوخ سئوینهرم" . "یولداسیز دونن یسول

چیخمش سا بوگون یوردا اولار" .

اگرچه معنی شرط از پسوند " - سه " مفهوم می گردد لکن با ایسن

جملات ، در زیر تاثیر زبان فارسی ، کلمات "شاید" و "اگر" نیز بکار برده می

شود : " آتانیز شاید تله قرافی آلیب سا زمانیندا بورایا یئتیشر" .

" اگر بگنمزسه نیز قایتارین" .

اگر فعل جملهٔ فرعی مضارع (گئنیش زمان) باشد فعل جملهٔ اصلی

اکثرا صورت رجا ، امر ، لزوم و یا مستقبل را دارد .

از انواع جملات مرکب ذکر برخی معید بنظر می رسد :

۱- جملهٔ پیوسته : به این مثال دقت بفرمائید :

"سویوق و رطوبتلی بیر پاییز آخسامی او مجهول شهره گئدن ترهنه ،

۲ - مینمک او جون ، ۳ - استاسیونا گیردیم .

همانطور که اشاره رفت فکر اساسی و جملهٔ اصلی در ردیف آخر (سوم)

قرار گرفته است . فکر اصلی "استاسیونا گیردیم" است . از خصوصیات

این جمله یکی صرف شدن فعل آن است . فعل در جملات دیگر صرف نشده در اولی

بصورت "گئدن" و در دومی بصورت "مینمک" آمده . ثانیاً جملهٔ اصلی

(سوم) مستقلاً مفید معنی است ، ثالثاً مفاهیم مندرج در جملات اول و دوم

را به نتیجه می رساند . چنانکه اگر حکم نهائی که در این جمله مندرج است

در نظر گرفته نشود ، معنی دو جملهٔ اول ناتمام و جملات مزبور پادرسوا

می ماند . جملات فرعی گاهی نقش مبتدا و گاهی مفعول گاهی متمم را بازی

می کنند: " تازه دن یار اتماق ترجمه ده موفقیتین اساسیدیر ". "سنا -
وتین الینی هئج کس کسمز ". " همیشه یئکه ایشلر گورمه گی دوشونوردو "
"گون گیره ن ائوه حکیم گیرمز"، " آغیر- آغیر یوکسه لن بیر سو کیمی
تورخو قلبینی بؤرودو".

۲- جملهء مرکب زنجیری :

به این مثال ها دقت کنید :

"اونون آدینی ایلك دفعه اوردا ائشیتدیم و عکسینی ده اوردا ،

گوردوم "

" من گئت- گئده غصه له نیر، هئج حواب وئر میر و قاباغیمما
باخیردیم "

"بو مجادله حریت مجادله سی دیر، گئچمیشدن گلیر، گله جه گه اوزانیر،
بیریانی ایله تاریخدیر، بیریانی ایله گله جه گین شرطیرینی حاضراییر"
این نوع جمله یا درحقیقت جملات مرکب منظومهء جملات مستقلى است
که در کنار هم قرار می گیرد. بجای نقطه، آنچه که آنها را از هم جدا می کند
ویرگول، نقطه و ویرگول ویا دو نقطه و بعضا نیز ادات عطف است. این
منظومهء جملهء مرکب را جمله های زنجیری می نامیم. در میان اجزای این
این منظومه هم جملات بسیط وهم جملات مرکب می توان یافت. ساروج ویا
اساس وحدت این منظومه فکر و اساس واحداست. چنانکه گاهی ممکن است
در این رابطه، از فعل - در صورت اشتراک - فاکتور گرفته شود :

" گوگ آبی، بوداق یا شیل ، تارلا ساری اولسون "

در این منظومه، یا جمله درحقیقت سه جمله موجود است : " گوگ آبی

اولسون، بوداق یا شیل اولسون ، تارلا ساری اولسون "

این اشتراک را در مورد متدا نیز ^{فرمان} مشاهده کرد :

"حسن دایی تارلا سینا قودوشدو، تئز- تئز بئلله دی، گوبره له دی، تور
پاگی قبا رتدی، اطرافی نمیزله دی "

اشتراک در متمم و مفعول نیز ممکن است :

"اونا حرصه نلر حدت له نلر اولا سیلیردی ، اما حرمت سیزلیک
ائده نلر اولمازدی "

"قدیم دن بری پولسوزو آدام سایمازدیلار، تحقیر ائدر دیلر

۳- جملات تو در تو

در قالب جملهء واحد دو یا بیشتر را می توان گنجانید. در این مثال

ها دقت فرمائید :

- اوشاق ، " آتا سنی ایستیرلر... دقدی .
مثال دیگر :

- اوز- اوزومه " گفتدیلر... گفتدیلر... دثییردیم .
- یاخشی یام ، وضعیم دوزهلدی ، اللها شوکور" دقدی .
۴ - جمله " مرکب با " که "

" که " با تلفظ " کی " از فارسی وارد زبان ترکی شده است و موجب ترکیب دو جمله مستقل می گردد . چنین جمله ای در ظاهر شبیه جمله مرکب زنجیری است . لکن این شباهت فقط ظاهری است . با دقت در این مثال مسئله روشن می شود : " بو کتابدا گوسته ریلیمیشدیرکی یاخشی مخابرات یاخشی تفکنیک له ممکندور " .

این جمله برخلاف روال زبان ترکی است . در ترکی جمله اصلی و فکر اساسی در آخر قرار می گیرد و جملات فرعی قبل از آن .
در جمله فوق که با " که (کی) " تشکیل شده وضع وارونه شده است . اگر " که " را برداریم جمله صحیح ترکی بدینگونه ساخته خواهد شد :
" یاخشی مخابراتین یاخشی تفکنیک له ممکن اولدوغونو بوکتساب گوسته ریمیشدیر . "

با اینهمه برای تنوع از جملات مرکب که به کمک " که " ساخته می شود نیز از هرچندگاهی می توان استفاده کرد :
" ائله بیر راحت دوشک اولمالی کی ، یا تاندا آدامین بدنی دینج اولسون " ، " بو بیوک حادثه ایدی کی ، تیتیره تدی منی " .
عبارات قالبی از قبیل " نه وارکی " ، " یغته رکی " ، " ائله کی " سازنده جملات مرکب نمی شود ، چنانکه مثال زیر جمله بسیط است :
" حثییف کی ، دها اونو گورمه دیم " ، " اونون اوچون دورکی ، من چوخ احتیاطلی اولدوم " .

در ترکی با آوردن " که " در انتهای جمله ، کلام ناتمام و نگفته را وسیله تشدید انتظار و یا جلب دقت و برانگیختن احساس مورد نظر و تاکید قرار می دهند :

" بو باهالیق هئج دورمور کی ... " ، " سنی او قدر سئویرم کی ... " ،
" یا نیمدا دانیشماق اوچون اوزومه مناسب بیر یولداش تا پیلما دی کی ... " .
در محاورات در آگهی ها در امثال و حکم و اخبارها و درسبکهای خاص ادبی جملات ناقص (بدون که) بکار گرفته می شود .

"ساتیلاچاق ائو" یا "کیرالیق ائو" که در اصل "کیرالیق ائو وار- دیر" بوده است. از امثال و حکم :

"بیر آنا یا بیر قیز، بیر باشا ایکی گوز".

از محاورات :

"سن اونو گوردون مو ؟"

- بلی . "

مصدر درجملات ترکی باسه نوع پسوند بکار گرفته می شود :

"مک"، "مه"، "و" - "ایش" . مصدر در جمله حکم اسم را دارد :

"کئچ وقتلره قدر ایشله مک منیم عادتیمدیر" .، "حسنین سیزی تانیماسی اونا چوخ فایدالی اولدو" ، "کوللرین گولوشو، قوشلارین اوخوشو، سولارین آخیشی ایله باهارا اویاندیم" .

مصدر می تواند پسوند حالت‌های اسم و ملکیت را هم بپذیرد، اگر هیچ پسوندی بر مصدر از نوع "مه" افزوده نشود معمولاً "مه" ، تبدیل به "مک" می گردد. در مثال : "هئج سئومه دیگیم شئی، بیلیر- سینیز نه دیر؟ هدف سیز دیدینمک" ، نمی توان گفت "هدف سیز دیدینمه" .

انواع مصادر فوق الذکر را در حالت "ای" چنین به کار می برند :

"باخماق - بیر دؤنوب باخماغیله کؤنلومو آلدین"

"باخما - بؤیوکلره حرمتله باخمانی ایسته ییرم"

"باخیش - باخیشی جیراتا بنزهر"

ساخت جمله

در سبک ترکی قراردادی، یعنی مکاتبات رسمی، متون علمی، درسی و کتابت ساده، عادی ترتیب جای گرفتن عناصر جمله چنین است : ۱- مبتدا ۲- متمم ۳- مفعول ۴- خبر، یعنی مهمترین جزء کلام در پایان و مقدمات و فروع در آغاز :

"بعضی آتالار سؤزو (۱) قالا - قالا (۲) دگه رینی (۳) ایتیرمز (۴)" .

لکن برای اینکه به گفتار رنگ و آهنگ خاصی داده شود، یعنی برای تولید پیچ و خم در کلام، برای القای پویایی و حرکت، یا بطور ساده برای نزدیکی به زبان محاوره از این نظام سرپیچی می شود. جملات بقول صرفیون باژگونه می شود، یعنی مبتدا از ابتدا به انتها رانده می شود و خبر در صدر جمله یا هر جا که سبک نویسنده مناسب می بیند می نشیند. مثال :

"دوگمه ائلین قاپیسینی دؤگرلر قاپینی"

نظر به اینکه در ترکی پسوندها چون برجسی عمل و وظیفه هر عنصری را در کلام مشخص و روشن می سازد، از بهم خوردن نظام جمله رسمی باکی نیست، لکن برای کسانی که موج سواری نیا موخته اند و مرد میدان سخن نیستند مطمئن تر آنست که راه کوبیده و هموار نظام نحوی رسمی را رها نکنند و خود را در دشت و بیابان سرگردان نسازند. لکن گشودن راههای جدید در شان سخنوران چیره دست است و بر آنها حرجی نیست. بعلت امکان و فراوانی ابزار، ساختن جملات دراز و تودرتو در ترکی سیم این می رود که با رها کردن شیوه آزموده معمولی و هنجارگفتار به سر درگمی دچار گردیم ورشته پیوند را با خواننده یکبار بگسلیم. والا کار برد جملات دگرگونه و باژگونه آنچنانکه پنداشته می شود محصول و مد امروز نیست،

چنانکه از این دست از سنگ نبشته های " اورخون " نیز می توان سحنی چند به گواهی آورد. خلاصه، اگر بهم ریختن نظام سخن برای ایجاد تاثیر خاصی در خواننده نباشد و توانائی و نفوذ بیشتر در کلام را هدف قرار ندهد نشانه ناتوانی و نادانی است، چه، همانگونه که فروغی بسطامی گوید:

مکن تشبیه زلفش را به سنبل پریشان تا پریشان فرق دارد!

~~~~~

آذربایجان ادبیات تاریخچه پیر باخیش

* ۳۳ *

بازان: دکتر جواد هبنت

شیخ عبدالله طارمی (شیخنا) : بختیار اوغلو شیخ عبدالله ۱۲۸۲ شمسی ده
آنادانا ولموش و دینی- ادبی تحصیلینی زجانداکی استادلاردان آلمیشدیر .
طنز شعرلیله و غزلریله مشهور دور ، شعرلری طارم علیا و خلخال کندلرینده
خلق آراسیندا معروف دور . بورادا بیر لیریک و بیرده طنزغزلینی درج اقدیر

گونده بیر رنگ ائدیرن جلوه ی مستانه گؤزل
ایشله یییدیر اودور عشقون منی دیوانه گؤزل
ای ائل آهوسو، چمن قومروسو، داغلار مارالی
گؤزلرین بیرباخیشی اوخشوری جیرانه گؤزل
کعبه ی وصلیوه حجاج کیمی شرط ائده رم
باخارام حسرتیله چاه زرخندانه گؤزل
یانارام آتش عشقینده دؤنوم باشیوه من
دؤور شمعینده وارام گورنجه پروانه گؤزل
سه سببدن دی، منه خشمیله هر دم باخاران ؟
گول یوزون دؤنده ریسن قهریله ایوانه گؤزل
بیلیرم درد دلین من قوجا، سن تازه جوان
قوجا لازم دی لله درکه سلطاننه گؤزل
حسرتی واردی بو شیخین دوشه یانینجا سنین
چیخا بیر سیر ائلییه کوی و خیابانه گؤزل

آجی چای

گل منیم یانینما ، جانیم سنه قربان آجی چای
دیزیمین طاقتی سن ، دردیمه درمان آجی چای
نه یه تشبیه ائله ییم من سنی، یوخدور عوضین
قاریشیدیر سه بیر کوثر رضوان آجی چای
هر او ائوده سن اولان ، اوردا اولور بایرام ، طوی
اولمایان ائوده اولور حمله عزاخوان آجی چای

تازه دم سن اولاسان، من ده اوزوم يورقون اولام
 شوقيله سندن ايچم بير دولي فنجان آجي چاي
 رنگ ياقوته نه گلدي ، نيه رنگين سارالييب ؟
 نئجه دؤندردى سنين رنگيوي گيلان آجي چاي
 نئجه معشوقه سن ، عاشق دى سنه پير و جوان
 بلکه اعيان و ناخيرچي ايله چوبان آجي چاي
 باشيم اوستونده سماور سحري قئينه مه سه
 نئجه دوررام يوخودان من ائوي ويران آجي چاي
 عصر وقتينده اوشاقلار منه چاي وئرمه سهر
 صبرو طاقت كسيلر الدن اياقئدان آجي چاي
 بيرنفر اولسه اكر، وئرمه سهر قهوه و چاي
 بيرى گئتمز اوخويا سوره ي قرآن آجي چاي
 سنين عشقينده مزين اولي هر عيش و عزا
 سنين حبونده اولورلار هامى خندان آجي چاي
 قوراسان باغدا سماور، پيشورن ياغلي پولو
 سنيله داد وئره جك ياغلي بادمجان آجي چاي
 دئيه سن ساقى گلچهره گتير اسستكانى
 دوز بو بزم ايچره مسماي فسنجان آجي چاي
 بيليرم سن رؤسا مجلسين زينتى سن
 سنه پابند اولور هر خانيله سلطان آجي چاي
 نه سبب دن دى مينيبسن بئله جيران دالينا
 خلقى ائتدين نه جهتن بئله گريان آجي چاي
 تاپماديم بيرگون ايچم، توتدى باشيمدان آغرى
 اوني درمان ائله دى بير- ايكي فنجان آجي چاي
 او قدر اسنه ميشم، ديشلريمى آغرى توتوب
 آز قاليبدير چيخا انگيمله زنخدان آجي چاي
 من جهنم ، يانارام خيردا اوشاقلار حالينا
 موقع چاي گلنده ائدر افغان آجي چاي
 نه قدر وصف ائله ييم من سنى آرتيق ياراشير
 گر اولايچي سنه حورى و غلمان آجي چاي
 بير گؤره ايديم او گونى قنديله چاي اولدى سبيل
 حسرتيم اوندا چيخار نئيله بيم الان آجي چاي

شیخنا ، کونلون اگر چای معطر آپا ریر
عزم گیلان ائله ، ایچ بیر چای لاکان آجی چای
ایچمه ریک خارجه نین چایین اگر همت ائدک
بیزه کافی دی فقط حاصل گیلان آجی چای

سیدباقر حرّی (اقبالی) : سیدباقر حرّی سیدعلی اکبر نجفیانى نینا و غلو
۱۲۸۴ شمسی ده زجاندا آنادان اولموشدور . بوشاعرین سوادى یوخـدور .
قوشدوغو شعرلیبی باشقاسینا یازدیرار ویالنیز تورکجه شعرلر سؤبلر .
شعرلری نوحه ، مرثیه ، قصیده ، غزل ، هزلیات و مطایبات دان عبارتدیر . شعرلر-
یندن بیرقسمى "غمنامه" آدیله زعفری طرفیندن زجاندا چاپ اولموشدور .
بورادا اوندان بیرغزل و بیرده مطایبه درج ائدیریک :

گلمه دیز ایمانه سیز

ای منی سرمست و مدهوش ائیله بین پیمانہ سیز
سپمیسیز ، جانا ، مگر رخساریزه پیمانہ سیز
بیر نگاهیلہ منی ای لیلی ، مجنون ائیله دین
شکر لله ، قالمادی بومملکت دیوانه سیز
آتش هجرایله یان دیرماقلیق آسان دیر منی
واردی خوفیم کیم ، قالا شمع رخون پروانه سیز
اره ی جورایله قیلما شرحه - شرحه کونلومی
قیل یقین قالماز نگاریم قاره زلفون شانه سیز
بیر مثل واردیر ، دئیهرلر گنج اولور ویرانه ده
بیلمه رن جانا مگر چوخ گنج اولور ویرانه سیز
حسن و رلف و چشم و بروی و خط و خالین سنین
هر بیری جان قصدینه بیر تور قورموش دانه سیز
کامر عشق ائتدیز آخرده عجب " اقبالی " نی
هر قدر اصرار قیلدیم گلمه دیز ایمانه سیز

کبین کسدیر

بیرنعر شاهسئوه نلی تازه جوان * واریدی بیر آداخلی سی چوخـدان
ملا تا بمیردی کسدیره کابین * او جهت دن اولوبدی چوخ غمگین
بیر گونی گوردو بیر نفرملا * کند آراسیندا ائیله ییب مأوا

هوول اولوب قاچدی سؤیله دی آتاجان * بیرنفر ملا کنسده وارالان
گفت گیلن وئر آخوت کسه کبینسی * یفتیر اول یار مهربانه منسی
آتاسی سؤیله دی کی ای اوغس لوم * گوروسن الده وار منیم شغلوم
سن اووزون گتت ، ایکی ایشی ائله بیر * هم اووزون ، هم آتان کبین کسدر
دئدی اوغلان آنامی ایسته میره * آتاسی سؤیله دی اوغول بیلیرم
من ده بیر ملا تاپمادیم او زمان * آناوا کسدره کبین بالاجان !

مریم جهانگیری : مرحوم حسین خان بیگلربیگی نین قیزی دیر ۱۲۹۵ ده
اورمیهده آنادان اولموش و ۱۳۳۱ ده وفات ائتمیشدیر .
مریم دن قالان شعر دفتری آرادان گئدیپ ، قارداشیندا اولان شمرلری
"بیاد مریم" آدیله بیر جزوه شکلینده چاپ اولموشدور . بورادا ، اوندان
بیر ترکی ، بیرده فارسی غزل درج ائدیریک :
گل دولاشما گئنه اول زلف پریشانه کونول
صبرائله ، دوز بو قار ائلیق شب هجرانه کونول
باخما ناکس کیمی اول دلبریمین چهره سینه
یانما پروانه کیمی آتش نیـــــرانه کونول
نئجه طرح ائندی وفا صحبتینی غنچه لسی
واقفا اول ، ذوق ائله اول نکتۀ پنهانه کونول
اولما نامرد و محبت ائله مه نااهله
باغلاماز عاقل اولان الفتی نادانه کونول
وطن عشقینده گرک ال چکهن جانیندان
چون سمندر یاناسان آتش سوزانه کونول
آرزوم دور یغتیشم وصلیوه ، اما نه ائدیم
باغلانیب ظلمیله زنجیره بو دیوانه کونول
فرقته باعث اولاندان آلام قانلی قصاص
آند اولسون او گوزل پرچم ایرانه کونول

ای شب چرا سرفته و تأخیر میکنی * ای صخدم در آمدنت دیر میکنی
گویا چومن اسیر کمند بتی شدی * کاندنر شکنج بند چنین گیر میکنی
ای ناله ، ساعتی برو از تنگنای دل * ای سوز دل ، ز زندگیم سیر میکنی
ترسم که نه فلک همه زیر و زبر شود * ای دل زبسکه ناله ی شبگیر میکنی

ای ماهرو به جادوی خونریز شهردل * ازش جهت گرفته و تسخیر میکنی
با خال همچودانه و با زلف همچو دام * مرغ دلم گرفته و نخجیر میکنی
باز آبرون و لشکر عشاق را بتاز * در قتل این گروه چه تأخیر میکنی

ابولقاسم خطیبی (ناصر): ۱۳۰۲ ده زجاندا آنادان اولموش و اون ایکی
ایل فارسجا و عربجه علملری مکتبده اوخویاندان صورنا تحصیلینه ادامہ
وئره بیلمه میش و ایاق قابیچیلیق دکا نبناکئدیپ بو گونه دک بو ایشله
مشغول اولموشدور. خطیبی بوش ساعا تلارینتی علم و ادب اهلی ایله کئچیریر
و او زوده فارسجا و تورکجه شعرلر یازار. اونون تورکی شعرلریندن نمونه
اولراق (بهاریه) آدلی شعرینی بورادا درج ائدیریک :

مقیم باغ اول ای کونول ، فروغ حسن یاری گور
چمنده باخ طراوته ، علامت بهاری گور
سحاب رحمت ائيله ییب احاطه سطح عالمی
جهانه ریزش ائيله یین او درشا هواری گور
اریکه ی زبرجدی قیزیل گول ائيله ییب مکان
برابرینده نغمه و ترانه ی هزاری گور
بو یاندا غنچه لر گلیب سروریلن تبسمه
ویاندانا زونسترن توتوبدی کوهساری گور
اسر نسیم جانفزا ، فضای صحن گلشنه
شمیم عطر مست ائدیپ تمام هوشیاری گور
تقاطرات زالهدن ائیدیدی لاله لر عرق
اونا توتوبدی آینه ، زلال حویباری گور
صفا تاپیددی بوستان ، اولوبدی شاد دوستان
تجلی ائيله ییب رخ نگار گلعداری گور
اولوبدی صفه ی زمین ریاض جنت برین
بهشته رشگ وئرمگه ، بو یئرده افتخاری گور
جهانی روشن ائيله ییب ، شعاع نور احمدی
جمال احمدی ده سن ، جلال کردگاری گور
اونون وجودینه خدا ، ائیدیدی خلق عالمی
او ذوالکرامه باغلی دیربوعا لمینمداری گور

اگرچه سرمسار دیر، گناهی جوخدی "ناصر"ین
حزا گونی شفاعته اولان امیدواری گور

فارسجا شعرلریندن نمونه اوچون بیر رباعی درج ائدیریک :
درگلشن زندگی بسی مست شدم * در سیر گهش بلند، گه پست شدم
این عمر گرانمایه که در دستم بود * بریاد فنارفت و تهی دست شدم

حسن غریق : میرزا حسن غریق زنجانین مشهور شاعرلریندن دیر. او،
باقاللیقلا گنجیرمیش و ۵۰ ایل بوندان قاباخ وفات ائتمیش دیر
غریق قوشدوغو تورکی و فارسی نوحه لر، رباعیلر و طنزلریله تانینمیش
و بدیهه لریله شهرت قازانمیش دیر.

غریقین اثرلریندن یکی حلد آقای زعفری بین طرفیندن چاپ
اولوموش، لاکن داها چاپ اولما میش شعرلری چوخدور. بورادا نمونه
اوچون بیر تورکی و بیرده فارسجا شعرلرینی درج ائدیریک .

دوغما یئیدین منی ایکاش ننه

دوغما یئیدین منی ایکاش ننه
کسمه یئیدی کبینین ملا قشسم
آتما یئیدین ائله گوز- قاش ننه
نه دئییدی سنه : ای یار قشنگ
نه دئییدی منه دیرماش ! ننه
دئمه بو سوزلره یوخدی حسنه
بس ایدی آیدا ببر اویناش ننه
قازانئیدیز نه او ذلتله منی
نه قیلئیدیز نئله کولباش ننه
یئدیغیم غصه دی، اندوه دی، غم
تا ائده ایدی منی داش باش ننه
اولدو بایقوش کیمی بختیم قوشی شوم
چکدی بد نقشه نی نقاش ننه
حق سوز اوسته دوشومی چاک ائله دیم
ناسدی کئجدی منی یولداش ننه
سهل اول بلکه منه امر معشاش
نه حوره ک واردی، نه بوزباش ننه

اشیمیز اولدو عجب یاش ننه
آلما یئیدی سنی ایکاش دده م
ائتمه یئیدی سنی باوی حرم
دانیئیدین نه ائله شه دو شرگ
نه با سئیدی سنی آغوشونا تنگ
دوتما بسوزلری ایراد منه
آلما سئیدی دده م البته سنی
نه ائده ابدی نئله بد خواب سنی
آغزیماس نه سالئیدین ممه نی
قویالی عرصه ی ایجاده قدم
قالمادی حیف بو دیاده دده م
مه یوخلوی مرضی ائتدی هجوم
کیمه اوز بختیمی تقصیردوتوم
تاقصاحب سوزون ادراک ائله دیم
چوخ عملدن دوزوب امساک ائله دم
گئجه - گوندور ائله دم سعی ونلاس
گه شام اولدو، نه آش وار نه لاواش

.....

 سالما یئیدین منی بو عالمه کاش
 نه اسئیدی بوخزان وقتی سازاق
 نه یاغئیدی بو قدر قار بوسیاق
 هرکسه یئتمه دی آسیب و گزند
 هم یئره، هم آتیر افلاکه کمنند
 ننه گل، قیش دی سویوق، همت ائله
 بو غریق اوغلووا بیررأفت ائله
 آخ دوغایدین منی بیر داش ننه
 اوشویئیدی نه بئله ال نه ایاق
 نه دولاییدی بئله داغ - داش ننه
 مختصر اولدو پلوودا الی بنند
 مگر اولدو شاها فراش ننه
 چوللانیب چرشابا، بیرغیرت ائله
 وئرگیلن کوفته لی بیر آش ننه!

ساقینا مه

ای ساقی گلچهره بده باده ی گلپیز
 مستم کن از آن ساغر پی در پی لبریز
 جاویدنشد دهر چو برخسرو پرویز
 کو شوکت جمشید، چه شد صولت چنگیز
 زان جام که خوردند رسد قسمت مانیز

روزی بدرد گرگ اجل پیرهن من
 چندی نکشد نشنوی از کس سخن من
 یا کوزه گران کوزه کنند از بدن من
 یا خشت بسر خم شود از خاک تن من
 یا نقش بدیوار، ویا فرش به دهلیز

سروی که در افتاد، چه بالا و چه پائین
 رختی که بهم سوخت چه بیرنگ و چه رنگین
 آبی که فروریخت چه بی طعم و چه شیرین
 آن شیشه که بشکست چه باریک و چه سنگین
 روحی که زتن رفت چه کاشان و چه تبریز

زان پیش که آید بسر این مدت معدود
 تاهستی من گردد از این مرحله نابود
 شاید نشده ملک بدن یکسره مفقود
 گیرم ز گلستان زمانه گل مقصود
 زان گل که شود از گل فردوس دلاویز

در میکده دانم نه مکان است ونه جایم
دریوزه صفت رو به در میکده آیم
کن همچو مرا مست ندانم سرو پایم
باشد که رخی بر قدم یار بسایم
بازار محبت کنم از آتش می تیز

افسوس که ره برچمن راز نندارم
درگلشن دانش پر پرواز نندارم
در اوج هنر قوهی شهباز نندارم
پروانه صفت سوزم و آواز نندارم
مبهوتم از این فکر و تمنای غم انگیز

تنها نه منم عاشق آن دلبر طنناز
بل ذی نفسانند از این عشق سرافراز
خود نامدگان و شدگانند هم آواز
در مکتب عشقند در این مرحله همراز
جان بهر نثار قدمش خوانده بتجویز

عبدالواسع شهیدی ۱۲۷۹: دا زجان دا آنادان اولموش، آخوند
ملاحسنعلی نین اوغلودور. ایلک تحصیلینی آتاسیندان آلمیش صورنا
شیخ ابراهیم نحوی و شیخ علیا رصرفی دن ده درس آلمیشدیر.
ایلک شعرلرینی "محرر" تخلصو ایله یازمیش، لاکن صورادان،
"شهیدی" تخلصونو سچمیشدیر. دیوانی "گلشن عشق" آدی ایله
چاپ اولموشدور.

شهیدی عطارلیق ایله کچیمینی تأمین اتمیشدیر. بورادا
نمونه اوچون بیر تورکی وبیرده فارسی شعرلریندن درج ائدیریک:
بو بئش گون عمرو سن سانما اوزونچون جاودان قارداش
گلیب بومنزله گفتمیش نه چوخ پیرو جوان قارداش
بو سؤزلر نثریله گرچی دئیلمیش، نظمه چکدیم من
که جسم نثره هر یئرده وئرهر چون نظم جان قارداش

نه چوخ اسکندر ورستم، نه چوخ فرعون ونمروده
 وئریب توپراقلار آلتیندا اجل دائم مکان قارداش
 ... اویان بیرخواب عفلتدن گنه دقتله بیرباخ گؤر
 اولوب آماده تا کؤچسون نه قدری کاروان قارداش
 اگر چوخ وارلیسان یا آرز، یقین ائیله گدا اوللان
 اجل لیلایه دؤرد آشیق آتاجاق وار - یوخان قارداش
 بو بیئش گون عمر برق آسا گئچیر، فرق ائیله مز هرگز
 دوتوم کؤینک حریر اولسون ویا یول - یول کتان قارداش
 اگر مینلر ضرر چکسن اؤز - اؤز عهدین وفا ائیله
 قویوب بؤرکون یانین آلتدا، سؤزوندن چیخمایان قارداش
 دئمه هئچ بیرکسه سَرین، ولو اؤز قارداشین اولسا
 سؤزون ساخلا اویره کده تا بودنیاده واران قارداش
 همیشه صبر قیل هر بیر مصیبت گورسن عالم ده
 بیر آرز فکرائیله، گور کیم دیر بو دنیاده قالان قارداش
 نه چوخ مجنونی لیلادان، نه چوخ فرهادی شیرین دن
 فلک آیری سالیب بیر - بیر گئدیبلر باغری قان قارداش
 تجاوز ائیله ییب هرگز گوز اؤزگه مالینا تیکمه
 خجالت چک خدادان ای صودان قایماق توتان قارداش
 دوشوب بازاره هریانی گزیب بؤرک خلقدن قاپما
 اؤزو بؤرکسوز قالیر آخر همیشه بؤرک قاپان قارداش
 ... نه موهوماته اول قائل، نه اول بیدین و لامذهب
 یولو دوز گئت، کلکدن قورخ، اولور بیردن آذان قارداش
 شهیدی! شرم قیل، چک بیر خجالت، سن گئدیب اول
 اؤزون اصلاح ائدیبا ائیله ملامت یولداشان قارداش

مثنوی

دیدم اندر باغ روزی بلبللی * درد دل میگفت نالان با گلی
 کای وصال تو دوی درد من * رحم کن آخر به رنگ زرد من
 گر نه سیمای تو بودی ارغوان * رخ مراکی میشدی چون زعفران
 نیست هرگز بر توای آرام جان * از من عاشقتر بزیر آسمان
 من چو منصورم به عشقت پایدار * می ترسم گر برنم پای دار

این سخنها چون زبلبل گل شنود * در جواب اولب نازک گشود
 کای یگانه عاشق دلسوز من * ای نخفته شب بیاد روز من
 ای بعشقم با وفا و یـکـدله * نی شکایت دارم از تو، نی گله
 من به وصل تو زجان مایلترم * من ترا دل داده و هم دلبرم
 لیک داده فرصتم کی باغبان * تانشینم یک زمان بادوستان
 روز و صلم را اگر داری امید * باید اول دست گلچین را برید
 عشق آتش شد شهیدی را بجان * سوختن باشد جزای عاشقان

حدّاد: علی اکبر پاکزاد (حداد) آذربایجانین گورکملی طنز شاعر لر۔
 ییدن دیر. او، ۱۲۸۵ شمسی ده تبریزده آنادان اولموش ویئددی
 یاشیندا ایکن آتاسینی و بیر آرز صونرادا آناسینی الدن و ثرمیش
 و او گوندن صونرا چالیشماغا محبور اولموش دور. اؤزو بو باره ده
 شعر لرینین بیرینده بئله سؤیله میشدیر:
 یئددی یاشیدا آتام قتله یئتیب، اؤلدو آتام

آز یاشیمدا من اولاردان صونرا گوردوم پدرم
 حدادین آتاسی مشروطه یولوندا اؤلدورولوب ائو۔ ائشیکگی غارت
 ائدیلیمشدی. حداد سوادسیز اولدوغو حالدا چوخ قدر تلی و دراکه لی
 شاعر دیر. اونون شعر استعدادی و شاعرلیک قابیلیتی ایران شاعر لریندن
 شاطر عباسا بنزر. لکن حدادین اسلوب و شیوه سی طنز و انتقاد ی دیر،
 و بوباخیمدان صابری خاطر لادیر و بیر چوخ شعر لری صابرا نه دیر. حتی
 بعضی شعر لری صابرین شعر لرینه نظیره کیمی دیر، مثلا آشاغیدا درج
 ائله دیگیمیز "دمیرچی" منظومه سی صابرین "اکینچی" شعرینه بیر نظیره
 حداد شعر لرینده طنز و انتقاد ی اسلوبی سئچدیگی حالدا، اوخوجو۔
 لارینا نصیحت و ثرمگیده اونودما میشدیر. او، اوخوما یازما بیلمه دیگی
 حالدا آچیق فکر لی، درین دوشونجه لی و گنیش گؤروشلو بیر آدم اییدی.
 حداد عینی زاماندا ائلینه ویوردونا باغلی بیر شاعر دی. آشاغیدا
 درج ائله دیگیمیز "آخ نعلیه ییم؟" آدلی منظومه سینده اونون ملت،
 ترقی، و استقلال حقینده دوشونجه و دو یغولاری آیدین شکلده بیسان
 ائدیلیمشدیر:

خواب غفلتده یاتان ملت او یانمیر گنه ده
 او جایئردن ییخیلیب سانکی، دورانمیر گنه ده

یاتیری شب پره تک گوندوز و آخسامه کیمی
 گئجه لر اوج سعادتده اوچانمیرگنده
 نه امیدله یا شار دهرده انسان گوره سن
 راه امیددی بولار ایندی تا پانمیرگنده
 قرن بیستمدی دئییر، بمب آتوم دان دانیشر
 اؤز مدارین ایتیریپ یا خشی دولانمیرگنده
 هامی زنجیر اسارتدن اؤزون ائتدی خلاص
 بو یازیق ملت او زنجیری آحانمیر گنده
 بو طلسمات جهالته هله قالمالی بیق
 ساحر عصر بوجا دونی پوزانمیر گنده
 باشینین بؤرکونه محتاجدی بیگانه لره
 ینه بالیده له بیر، بیرجه اوسانمیر گنده
 سای یوخ، ایگنه سی بوخ، تا تیکه اؤز شالوارینی
 گورنه بیچاره دی، اؤز حالینه یانمیرگنده
 اصطلاحین دگیشب "چوخ ساغ اول" ا "مرسی" دئییر
 سانکی بیگانه پرستدی، اؤزو قانمیرگنده
 بیزه اساس نرقی اولوب عییک - کراوات
 سو سۆزی من دئییرم، هئچکس اینانمیرگنده
 قارغا ایستیر بئرییه غازکیمی، اماکی یازیق
 یئرییه نمیر، آتیلیر، یا خشی قاچانمیر گنده
 گویده بیر مود دگیشیر، اؤزگیه تقلید ائله بیر
 ایستیر آلمانلی اول، لیک اولانمیر گنده
 فکری لازمدی دگیشمک، نه لباسی، نه دیلی
 کج گئدیر قافله میز، بولدا دایانمیرگنده
 ...، نا امید اولماسین انسان نجه بولمتدن؟
 فکری مسمومدی، هئج بیر سۆزی قانمیرگنده
 نحه ایل بولدان ازل یا خشی یازاردی حداد
 چونکی فکری بیورولوب ائیله یازانمیرگنده
 حداد حصوی حاتیندا یالقیزلیعی ترجیح ائدیبا ائولنمه مشدیر
 شعرلری نین سربده بوباره ده نئله دئمیشدیر:

تک من دگیلم، چوخلاری ایراندا سوبای دیر
صد شکرکی، عیسادا سوبای دیر، بیزه‌تای دیر
شاعر عمرونون مهم حصه‌سینی دمیرچیلیکله کئچیردیگی اوچون شعرلرینده
"حداد" تخلصونو سئچمیش وشعرلرینین بیرینده دمیرچیلیگی حقینده
بئله سؤیله میشدیر:

اوتوز بئش ایل بو ولایتده اولموشام حداد
گل ال‌ریمده اولان بو قاباردان خبر آل
حداد شعرلرینی بیردفتره یازدیرمیش، ودعیلیدیگینه گوره اون میندن
چوخ شعر قوشموشدور. تأسفکی، اولندن صونرا بودفتر اوکئی قارداشی
طرفیندن آرادان آپاریلیمیشدیر. (یحیی شیدا)
آقای یحیی‌شیدا چوخ آختاریشلاردان صونرا اونون شعرلریندن بیر
حصه‌سینی توپلاییب و ۱۳۵۸ ده (اولدی سؤزلر) آدلی کتابدا چاپ ائتدیرمشدر.
بورادا نمونه اوچون اوندان بیرغزل، بیرده دمیرچی شعرینی درج
ائتدیریک:

نئیله بییم؟

بیلیمیرم بو درد بی‌درمانه یارب نئیله بییم
دوشموشم بیر آتش سوزانه یارب نئیله بییم
چولقاییب بیر مهوشین عشقی سراسر جسمیمی
اولموشام مجنون کیمی دیوانه یارب نئیله بییم
ایستیرم اسرار عشقی گیزلدهم بیگانه دن
بیلیمیرم بو دیده‌ی گریانه یارب نئیله بییم
آغلارام بیت‌ال‌حزن ده حضرت یعقوب تک
وار علاقم یوسف‌کنعانه یارب نئیله بییم
شمع رخسارین گورنده بینوا حداد تک
دوره‌سینده اولماییم پروانه یارب نئیله بییم

دمیرچی

کلمه بوقدهر ناله و فریاده دمیرچی
گئت چال چکیشین آهن و فولاده دمیرچی
بسدیر بوقدهر فکر ائله‌مه دور و درازی
عمرون چوخی گئتمیشدی قالیب ایندی بیرآزی

دونيادا قضاو قده ره اول گنه راضي
 سرمايه‌ي عمرون گنده جک باده دميرچي
 جانين چيخا جاق، چوخ چاليشيب آز يئيه جکسن
 بيرتيخ دونو، بيرتيخ توماني سن گئيه جکسن
 بوندان صورا دونيادا داهي نئيليه جکسن ؟
 سنين يئتيشيب يئتميشه - هشتاده دميرچي
 باشين آغاريب، گوزلريوين نوري گنديبيدي
 قددين بوکولوب قوللاريوين زوري گنديبيدي
 باشيندا اولان عقل چيخيب، شوري گنديبيدي
 اوز حالوي سال بيرده اوزون ياده دميرچي
 گئت چال چکيشين، ايشله داداش، اول گنه خسته
 بيردفعه ده چکمه داخي آسوده نفس ده
 روحو بگه نيچون بو ايشي روز الست ده
 اولدون او سبیدن کيشي دونياده دميرچي
 درويش کيمي هريئرده دوروب معرکه تورما
 گاهي باشيوا، گه دوشووه بيخودي وورما
 رد اول گوزومون گئت قاباغيندان بئله دورما
 اوقاتي مي تلخ ائيله مه اي ساده دميرچي
 عمرون قوتارينجا چکيشي سن چالاجاقسان
 هر نئچه دئسم من دميري، سن آلاچاقسان
 هم پول وئره جکسن منه، هم يالواراچاقسان
 بيجا يئره گلمه داهي فرياده دميرچي
 عقليين وارايدی سن ده بيزيم تک قازانئيدين
 دولتي اولوب ثروتيوه آرخالانئيدين
 صون سيستم (اوتول) سن ده مينئيدين، دولانئيدين
 راحت ياشايئيدين داهي دونياده دميرچي
 اولدون نيه بس روز ازل عاشق صنعت
 چکدين نيه بيجا يئره سن بير بئله زحمت
 مجبور ائله دي کيم ائده سن عمرونو غارت
 سالدين اوزونو ذلته افتاده دميرچي

آل - وئرجی لری گؤرمه دین آیا نه قازاندی
 پوللار بیغیشیب بیر - بیرینین اوسته قالاندی
 آل - وئر دئمک اولماز بونا ، واللاهی تالان دی
 میلیونلی اولوب بیسر و بی پاده دمیچدی
 تعریف ائله ییب آل - وئری چوخ سید ابرار
 هرچند قویوب آل - وئر اوچون شرعه معیار
 راضی دگیلیک بیز او دئیه ن آل - وئره زینهار
 بیز ایندی واریق اؤزگه تمناده دمیچدی
 اوست اؤرتولو گنج ، مطلبین اوستون داهی آچما
 صبر ائیله گیلن، حوصله ن اولسون، هله داشما
 ثابت قدم اول معرکه ی عشقده ، قاشما
 عشق اهلی همیشه اولو غوغاده دمیچدی
 فرباد وفعان ائیله مه (حداد) سؤزو قورتار
 اولماز سنه قسمت داهی بو دولت دیدار
 بیرگون اولاجاق قهر ائده جک خالق قهار
 سن ده اوگونه اول بئله آماده دمیچدی

ابوالقاسم کامل : ۱۲۷۶ = ۱۸۹۷ ده تبریزده تاجر بیرعائله ده آنادان
 اولموش و ایلیک تحصیلینی اسکی مکتبلرده آلاندان صونرا ، اورتا تحصیلی
 نی یعنی مدرسه لرده بیتیرمیش و گنج یاشدا شعر یازما غا باشلامیش دیر .
 ابوالقاسم کامل تورکجه و فارسجا شعر یازما قدا ماهر اولوب ، شعرین
 هر نوعیندا طبعی نی سینا میشدیر . کامل عینی زاماندا موسیقی ده استاد
 دئیله جک قدر نظر صاحبی اولوب موسیقی بیلیگی اونون شعر لرینده ده
 عکس اولونموش دور . نهجه کی بیر شعرینده بئله یازیر :
 "عراق" اولسا "مخالف" شور "یمیز" مغلوب" ائدر "ناله" م

"عجم" . "اوج" "حصار" "یم" "راست" "منصور" "وم" "عشیران" دیر
 ابوالقاسم کامل گنجیمینی تجارتله تأمین ائتدیگی حالدا ، ادبیاتا چوخ
 ماراقلی ایدی و ۱۳۲۵ ده تشکیل تاپان شاعرلر مجلسینده "مؤسلسره یعتی و
 صدر معاونی کیمی وظیفه گؤرموش و شاعرلر مجلسی دوام ائتدیگجه اونون
 توپلانتیلارینا دوام ائتمیش و بو ادبی محفله چوخ یارارلی خدمت ائتمیشدیر .
 کامل ۱۳۲۵ دن صونرا اورمییه کؤچوب ، اورادا یئرلشمیش و ۱۳۴۳

شمسیده اورادا وفات اکتّمیشدیر .

کامل دن اوتوز مینی آشان تورکجه وفارسجا دیوان قالمیش کی، هله
لیک چاپ اولما میشدیر . اونون شعرلری وقتیلله پیمان، آسایش، تبریز
و وطن یولوندا غزه ته و مجله لرینده چاپ اولموشدور . ال یازمسا
دیوانلاری قارداشیندا ایمیش (یحیی شیدا - فروغ آزادی ۱۰ مهر ۱۳۵۹)
ابوالقاسم کامل دن نمونه اوچون بیرغزل درج ائدیریک :

دوستان ! یار شکرلب منیم ، اغیارسیزین

گول منیم ، غنچه منیم ، لاله منیم ، خارسیزین

یارده عشوه منیم ، غمزه منیم ، شیوه منیم

چمخ و نازمنیم ، طعنه ی اغیارسیزین

می منیم ، ساقی منیم ، ساغرو صباهه منیم

تار و طنبور منیم ، حسرت دیدار سیزین

دهن غنچه منیم ، صورت گلنار منیم

گوز منیم ، قاش منیم ، خنجر خونبار سیزین

مجلس بزم منیم ، بوسه منیم ، خال منیم

لب خندان دام منیم ، دیده ی خونبار سیزین

خط منیم ، خال منیم ، عیش منیم ، نوش منیم

صحبت یار منیم ، زاهد دیندار سیزین

چشم مخمور منیم ، غیغب گلگون منیم

زلف خوشبوی منیم ، طره ی شهمار سیزین

"کامل" عشق میم ، یار وفادار منیم

کوی دلدار منیم ، قصر طلاکار سیزین

تصوف و ادبیات

(۱۵)

نقطہ وی لیک

"حروفون اصالتینہ" اعتقاد "کلمہ نین مقدس"
صانیلما سی، قدیم آسمانی دین لرین هامی
سیندا آز۔ چوخ موجود اولموشدور. اونون

رشیمینی دینی کتابلارین هامیسیندا تاہماق اولور مثلا :
یہودی لر "کابالا اؤگرہ نیشی" آدی ایله حرف لرین مقدس اولما سی
مسئلہ سینا او قدہر بؤیودور لرکی، اونو "نصوص مقدس" آدلاندیریپ قلمہ
وئریرلر. مسیحی دینین ده ده حرف لرین مقدس لیگینہ اینانیب، اونا
بؤیوک اعتبار قائل دیرلر، بئله کی، انجیل ده کلیدیر: "باشلانقیچ فقط
کلمہ اولموشدور. کلمہ آلاہین یانیندا اولموشدور و کلمہ آلاہ ایمیش"
اینجیل یوحنا اکیجی باب ... (۱)

حرف لرین مقدس لیگینہ اینام یعنی حرفی لیگین کؤک لری چوخ
درین دیر. ائله قرآن مجیدین اؤزونده بوبارہ ده چوخلو نمونہ لره راست
کلیریک، بیرنچہ سورہ نین باشلانقیجی محض حروفلار وسا ئرہ لرہ باشلا -
نیر. حروف علمی نین اصالتی گئت - گئده مسلما نلار آراسیندا علی الخصوص
متصوف لر یانیندا گئیش صورتہ انکشاف ائدیپ بیر علم شکلینی آلیپ
و علم جفر آدیله سولن دی و اونو علم حروف دا آدلاندیردیلار. بو علمی
رواج وئرہ نلرہ گؤره گویا اونو منیمہ یین لر گلہ جک حادثہ لردن خبر
وئرہ بیلریمیش. گویا جفر علمی نین اساسیندا و حرف لرین سرینی کشف
اؤتمک واسطہ سی ایله، آلاہ کتابی اولان قرآنین حکمت و اسرارین سی
آچماقا قادر اولار میشلار. (۲)

آنجا ق رسمی صورتہ حروفیلیگی بیر طریقت، بیر علمی جریان و مسلک
مسئلہ سی کیمی میدانا چیخاریپ، یاییب، انکشاف ائتدیرہن تبریزلی
فضل اللہ نعیمی (۷۴۰ - ۷۹۶) و اونون حسور، اگیلمہ ز و فدکار جانشینی
سید عماد الدین نسیمی (۷۷۰ - ۸۱۹) اولموشدور. تما میلہ سیاسی، انقلابی

(۱) انفرق بین الفرق. عبدالقاهر بغدادی ص ۱۷۵ (۲) نفایس الفنون فی
عرایس العیون . ج ۲ - ص ۹۱ .

سجیه داشییان بو طریقت صوفیزمین مبارز قوللاریندان بیرسی سایلیسا دا آنجا ق اودا اوزون بیر زمان عمور سوره بیلمه میش ، ماهیتجه زورا - کیلیقا ، اشغالچیلیقا ، غیر برابرلیکه قارشی عصیانکار اولان بوجریان توپال تیمور و اونون قان ایچن ظلمکار و غدار اوغلو میرانشاه طرفیندن محو اولوب و جریانین بانسی اولان فضل الله نعیمی نین نخجوان یاخین - لیقیندا یئرله شن النجه یا النجق قالاسیندا باشی کسلیمیش و طرفدار - لاری نین چوخو اؤلدوروب ، اسیر توتولوب ، محو اولموشدور . دشمک اولارکی حروفی لیک ده بو حادثه ایله یاناشی سیرادان چیخب آرتیق مستقله وجدی فعالیت ائده بیلمه میشدیر .

فضل الله نعیمی نین استعدادلی ، و بیلک لی مریدلریندن بیرسی گیلان ولایتی نین پسیخانی آدلی کندینده آنادان اولان محمود پسیخانی اولموشدور . دئیلن لره گؤره مراد ایله مرید آراسیندا اختلاف توره ند - یگینه گؤره گویا محمود فضل الله دان آیریلیب و نقطه وی لیک آدی ایله یعنی بیر طریقت یار اتمیشدیر . بیزده بئله بیر قناعت یار انیرکی ، بلکه ده فضل اللهین و اونون آردیجیل لارینی تیمور دیسپوتو طرفیندن آمان سیز تعقیبینی و محوینی مشاهده ائده ن حروفیلیکین عاقبتینی دویوب ، گؤرن محمود پسیخانی بوجریانی دیگر بیر آدلا ، دیگر بیر تشکیلاتلا قورویوب - ساخلاماق فکرینه دوشوب و نقطه وی جریانینی حروفی لیک جریانی یئرینده برپا ائتمک ایستیمیشدیر . بو طریقتی ایزله ین لره نقطه وی لر ، یا پسیخا - نی لر دئیرلریمیش ، اولنارا تناسخیه و ملحد ده دئیرلریمیش .

نعیمی دن آیریلان محمود پسیخانی هجری قمری ۸۰۰ - نجی ایلسدن نقطه وی لیگی یا یماقا باشلامیش و آز بیر مدته اونون بو تعلیمی ایران سرحدلرینی آشیب ، گئدیب غربدن تورکیه یه و شرقدن هندوستانا یئتیشمیشد حروفیه حقینده بیرسیرا کتاب و رساله لر تالیف اولونموشدور او جمله دن " رساله اسرار حروف " ، " رساله بیان مراتب حروف " ، " رساله بیان حروف اصلیه " ، " رساله بیان معانی حروف " ، " رساله ایجاد عالم و حروف منازل " و ...

عمومیتله حروفیه جریانی فارس و تورک دیلینده نظم و نثر ایله دقته شایان بو یوک بیر ادبیات یار اتمیشدیر . فضل الله نعیمی و عماد الدین نسیمی نین مختلف دیل لرینده تصنیف ائتدیک لری اثرلر اولنلارین گؤرکملی لری دیرلر .

محمود پسیخانی اؤز معلیمی و مرادی فضل الله نعیمی کیمی بو فکری ایره لی سوروردو کی، "آرتیق عرب دینی اولان مقدس اسلام دینیسی گویا کهنه لمیش، اؤز اهمیتینی ایتیرمیش وگونون طلب لرینه جواب وئره بیلیمیر. بودورکی، یعنی دین، یعنی مسلک، یعنی آیین یا راتماق گرک دیر. اؤزوده امکان دایره سینده عرب دینی یوخ، عجم دینی یا رانمالی دیر. عکس تقدیرده قرآنی گؤتوروب یعنی دن تفسیر ائتمک، اونون حاضرکی شرایط له سس له سن حکم و مسئله لرینی ساخلاما ق عصاره سینی چکمک و اونا یعنی - یعنی حکم لر و مسئله لر آرتیرماق کی، گونون معاصر طلب لرینه جواب وئره ن یعنی، معاصر بیردین، بیرقانن اورتایا چیخادیلین" بو ایدی محمود پسیخانی نین اساس ملاحظه سی کی، اونون مرتد و ملحد اولدوقو - نا اساس وئیردی و محض بونا گؤره ده تکفیر اولونوب جزالاندی کی، بیز بوباره ده بیرآز صورنا بیرقده ر گئنیش دانیشمالی اولاجاییق.

بلی اولدوقو کیمی محمود پسیخانی چوخ گوجلو بیرعالم ودری - تجربه لی بیرشخص اولموشدور. او ۱۶ جلد کتاب و ۱۰۰۱ مقاله و رساله - نین مؤلفی ساییلیر. اؤزوده معلمی فضل الله نعیمی کیمی قرآنی گؤتوروب اؤز سلیقه سینه او یغون ترجمه و تفسیر ائتمیشدیرکی، (۱) بونلار صورادان اونون اؤز وایله بیرلیکده آرادان آپاریلیمیشدیر و چوخ احتمال کی یا ندیرمیشلار.

اگرچه هله لیک نقطه وی لر قرآنین اساس احکام و مسئله لرینه توخو - نملاردا، سؤز سوز کی، اولارین فعالیت لری موفق صورته دوام ائده بیلسه - ایدی، اونون اساس احکام و مسئله لری ده بومداخله دن کناردا قالمازدی آنجا ق هله لیک اولار او زامانا فده ر کی، تفسیر لرین ها میسینی ردا ائدی ب اؤز فکر لرینه او یغون تفسیر لر حاضرلادیلار. لکن بوا یشین ظاهری طرفی وهله لیک اؤز لرینی هر جور قه لکه دن قوروما ق خاطرینه ایدی، اصلینده ایسه اولار: آلله ی، بهشتی، جهنمی، قرآنی و علی الخصوص اودنیانی دان - میش، رد وانکار ائتمیشلر. اولارین فکرینجه یا خشی ویا مان عملی - مکافات تی آنجا ق بودونیا دا اولابیلر، اولار قرآن احکاملاری اساسیندا یاساق اولموش بیرچوخ حرام شئی لری ده مقبول و حلال حساب ائدیردی لر. اوجمله دن شراب ایچمگی حلال، رقص و موسیقی ضروری و فایدالی سایی ر - دیلار. نقطه وی لرین فکرینجه بودونیا دا موجود اولان هر بیر وارلیقی سن

(۱) باخ تقی الدین محمدا وحدی بلیانی "عرفات العاشقین" در شرح حال فضل الله نعیمی استرآبادی خروفی متخلص به نعیمی .

ذره‌لری ابدی اولاراق یاشاییر. آنجا ق بوذره‌لر دایما اوز شکل لرینی دگیشر، تغیرما هیئت وئریر. مثلا تورپاق دان بیتگی، بیتگی دن حیوان یارانیر. صورادا حیوان اولوب، چورویوب اصلینه قوووشور، تورپاغا چوریلیر و بو جریان متما دیا دایانماز - دورمادان تکرار اولونور و تسلسل دؤورو کچیریر. محض اولارین بوکیمی دوشونجه وعقیده لرینه گؤره اولارا تناسخیه آدی دا وئرمیشدیلر. حتی آلاهی انکارا ائتدیک لرینه گؤره اولارا زندیق آدی دا وئرلمیش و ملحد اعلان اولونموشلار. مرتد ساییلمیشدیلار. (۲)

اولارا اونا گؤره نقطه‌وی لر دئیهرلریمیش کی، بو طریقتین بانی سی محمودا گؤره هر شئی تورپاقدان یارانمیشدیر. تورپاق و اونون واحدی یئر کوره‌سی ده نقطه شکلینده دیر و بوتون یئرا وزه رینده کی لر واحد اولمالی دیر. بودورکی نقطه اولارین طریقتی نین رمزی، سمبولو و تظاهرو کیمی گؤتورولموشدور. نقطه یئر کوره سینی تمثیل ائتمیشدی. بوفره نین اولنمه یین لرینه واحد، اوله ن لرینه ایسه امین دئیرلریمیش، عقیده لرینه گؤره یاشا دیقلاری محیط و شرایط ده هله لیک اولن مه مک، اولنمکدن یا خشی دیر، مصلحتدیر. البته بودا اولارین نظره دوتدوقلاری قیام و عصیانلا علاقه دار اولموشدور. اولار هرکامل بیر انساننی مرکب مبین (دؤرد عنصر و آدی) آدلاندیریب. اولاین فکرینجه بو واختا قدر آلاهی آدلانان ذات ائله بو مرکب مبین یعنی انسانین اوزودور محض بونا گؤره ده اسلامین اینام و شهادت چاقریشی اولان لا اله الا الله عوضینه لا اله الا مرکب المبین^(۳) شعارینی ایره لی سورموش اولورلار. اولارین فکرینجه گؤزه گؤرونمه یین اللاه رد ائدیلمه لی دیر "لم اعبد ربا لمیره" حکمونو وئریب یا یما قا باشلامیشلار. ویا نستعین بنفسک الذی لا اله الا هو (اوزوندن کؤمک دیله اوندان باشقا قوه یوخدور) شعارینی بسم الله الرحمن الرحیم یئرینه یا یما قا چالیشیردیلار.

(۲) باخ : بستان المذاهب . بمبئی چاپی ۱۲۶۲ هـ . ق - سککزینجی تعلیم

(۳) نقطه ویان یا پسیخانیا ن . ازصادق کیا تهران ۱۳۳۰ ص ۳۳

(۴) کلمات مکنونه - مولانا محمد المدعو یحسن الفیض قدس - چاپ بمبئی

رجب ۱۲۹۶ هـ . ق ص ۴

البته بوکیمی الحادی و مرتد تفکر دوشونجه لر، مدعا و ملاحظه لر عصيانا حاضرلیق لار بوزمان حاکمیت باشیندا دوران توپال تیمورون اوغلو شاهروخون همده دولت منافعینه جور گلیمیر. ائله جه ده اسلامیت خادملری و روحانی باشچیلاری و بیرسؤزله اسلام دینی اوچون صون درجه تهلکه لی، دهشتلی و دوزولمز دیر. بودورکی، چوخ احتمال دؤورون حکمنداری شاهروخون امری ایله ۸۳۱ - نجی ایلده محمودپسیخانی اؤلدورولموش، اونون آردیجیلاری و هوادارلاری دا شدتلی صورتده تعقیب اولونوب اله کئچن لران آخیر جزایا یعنی اؤلومه محکوم اولموش لار. تذکره چی لرین یازدیغینا اساسا محمودون جسدینی تیزاب کویوندا تاپمیشلار و اونون نئجه اؤلدورولمه سی دقیق صورتده بللی دگیل دیر.

محمودون اؤلومونه، اونون سلاحداش و مسلکداشلارینی چوخونون دوتو-لوب اؤلدورولمه سینه، تشکیلاتلاری نین داغیلما سینا باخمایا راق، هره سی گیزلی و اوجقار نقطه لرده اؤز فعالیتنه دوام ائتدیریر. توزکیه ده هندوستان ایرانین مرکزی شهرلرینده اوجمله دن یزده، شیرازدا و دیگر شهرلرده نقطه وی لیک اؤز سیاسی و عصیانچی فعالیتینی دوام ائتدیریر. صفوی سلاله سی سلطانلاری، لاپ شاه اسماعیلدان باشلییا راق بیرینجی شاه عباسه قده ر بوتون بواوزون مدت عرضینده نقطه وی چی لیک تعقیب اولو - نور، اونون آردیجیلاری، توتولوب، آخیر جزالارا معروض قالیب، قتلو غارته معروض قالیرلار. نهایت بیرینجی شاه عباس دؤورونده بومبارزه داها کسکین و شدتلی اولوب، نقطه وی لرین کؤکو کسلیر و چوخ احتمال کی، اونلارین یازیلی اثرلری نه وارا ییمیش سه، یا خیاب یا ندیریلیر و اولد-رین سیاسی، کوتله وی، مسلک و طریقت مبارزه لرینه صون قویولور.

بوگروهون معین بیر قسمی هندوستانا قاچیب جلال الدین محمداکبر شاهین جمایه سی آلتینا سیقینمیشلار. نقطه وی لراؤز دؤورلرینده بیر سیرا خیالی و صنعتکار و علم صاحب لری ایچهریسینده نفوذ قازانیب، بیر عده عالم، منور، رسام، خطاط، منجم، شاعر و دیگر علم و هنر صاحب لرینی اؤز طرف لرینه جلب ائدیب، نقطه وی چی لیگه طرف سوق ائتدیرمیشلر. اونلارین ان گؤرکملی لرینده ن: ایاز، پیر احمد کاشی، کمال اقلید، دروبش شراب، شیخ ابوالفضل، میرشریف آملی، میرشریف نیشابوری، میرعلی اکبر تشیبهی، محمد صفر آملی، حکیم عباداله کاشانی، عبدالغنی بزدی و باشقالارینی آد آپارماق او لار. آنجا ق بوتون بونلار گئنیش خلق

کوئله لرینین خواهشی و دین باشچیلاری نین گؤسته ریشی ایله تدریجا اؤز معاصر حکمدارلارینین امری ایله قلینجدان کئچیریلیب قتله یتیریلد - میشلر، دؤورون مسلمان و مخالف عالم لری طرفیندن اونلارین سیاسی و مسلکی ملاحظه لری والحادی گؤروش لری آیری - آیری رساله لر و کتابلار واسطه سی ایله رد ائدیلمیشدی . (۱)

شاه عباسین کوره کنی داماد لقبی آلان سید محمد باقر الداماد الحسینی " جذرات (۲) " آدلی اثرینده نقطه وی لره کسکین اعراض ائدیپ جدی هجوم کئچمیشدی . اونلارین بوتون مدعالارینی رد ائدیپ ، دونیا گؤروش لرینی افشا ائتمیشدی . گؤرونور شاه عباس دؤورونده سرای محیط - ینده اولان روحانی باشچیلاری و شریعت خادملری جدی صورته پسیخانی لره قارشلی مسلک و عقیده و اینام میارزه سی آپاریب ونهایت حکمدارلاری - الی ایله اونلاری صون نغرلرینه قده ر محو ائدیپ ، یازیا آلینمیش اثر لری نین مهم بیر حصه سینی یا خیب ، یان دیرمیش ، آرادان آپارمیشلار . بیر قده ر صونرا تفی الدین محمد اوحدی بلیانی اؤزونون " عرفات عاشقین " آدلی اثرینده نقطه وی لر حقینده آغیر تنقیدی و افشا ائدیجی ملاحظه لر سؤیلویوب . اونلارین یالنیش مدعالارینی علمی جهتدن رد ائتمگه چالیشمیشدیر .

بو یاخینلاردا افغانستاندا " انجمن تاریخ افغانستان " آدلی بیر تشکیلات طرفیندن چاپدان چیخمیش " ملاتیان ، صوفیان و جوانمردان (۲) " آدلی بیر عرفانی اثرده تصوف ، اخی لیک ، جومردلیک ، و ملامتی لر حقینده اونلارین تاریخی ، تشکل تاپیب ، میدانا چیخما سبب لری ، فعالیت و مبارزه لری و هدف لری حقینده گئنیش ایضاحات و ثریلیب ، علمی ، جدی ملاحظه لر سؤیله نیلمیشدیر . بو اثرده نقطه وی لرین دونیا گؤروشو و طریقت ملاحظه لرینی جدی و منطقی کسکین تنقیده معروض قالمیش ، اونلارین پوچ مدعا لاری بالتالانمیشدی . مؤلف ا x - نجی هجری قمری ایلی نین مؤلفیدیر .

هجری ا و ن بیرینجی عصرین دیگر بیر مؤلفی محمد بن محمود دهمدار

(۱) دکتر صادق کیا - نقطه ویان یا پسیخانیا ن ص ۲۴۰

(۲) السید محمد باقر الداماد الحسینی . جذوات . بمبئی ۱۳۰۲ هجری قمری

(۳) کتابین بیر نسخه سی مسکو شهری نین لنین کتابخانه سی نین شرق

بؤلمه سینده ساخلانیرکی ، بیز اورادان استفاده ائتدیک .

آموزنون "نفایس الارقام" (۱) "اثرینده نقطه وی لرباره ده یازیر: "
آلاهی انکار ائده ن ایکنجی طایفا تناسخیه ملحدلری دیرلر کی، آموز
لرینی نقطه وی لر آدلاندیریرلار. اونلار اشیانین مبدأینی ذات مربع
(دؤرد عنصر) آدلاندیریب اونو انسان روحیله علاقه لندیریرلر. آموزلر -
ینی آلاه بیلیم سؤیلویورلر. اونلار دئیرلر: "هرکس آموزونو تانیماد -
یغینا کوله (قول) دیر."

"دبستان المذاهب" (۲) اثری نین مؤلفی نقطه وی لر حقیقنده یازیر :
"محمود ۱۶ کتاب و ۱۰۰۱ رساله قلمه آلمیشدیر. اودا فضل الله کیمی
قرآنی ایسته دیگی کیمی تفسیر ائتمیش، اونو آموز فکرینه، آموز دوشونجه
سینه و آموز هدفینه او یغونلاشدیریلیمیشدیر. نقطه وی لره پسیخانیلر،
محمودی لرده دئیرمیش، مسلمانلار اونلاری ملحد سانیب، تکفیر ائتمیشلر
چونکی اونلار آلاهی، بهشتی، جهنمی، وعمومیتله اودونیانی دانمیشلار.
اونلارا گؤره یاغشی - یا مانین جزاسی و مکافاتسی آنجاق بودونیا دا اولو
بیلیر و... سؤیلمه میشلر."

باشقا بیر یئرده یازیر :

"نقطه وی لرشریعت قانونلارینی پوزور، حتی شراب ایچمه گی بیله مباح
بیلیر میشلر، اونلاری عقیده لرینه گؤره تناسخیه ده آدلاندیر میشلار.
چونکی اونلارین فکرینجه بودونیا دا موجود اولان هر بیر شئی، هر بی -
وارلیقین ذره لری ابدی اولاراق یا شاییر، آنجاق دائمی اولاراق آموز
شکلینی دگیشیر، جماددان، نباتا و نبات دان حیوانا تبدیل اولور.
بوایش تداول ده اولوب، ابدی اولاراق تکرار ائدیلیر. . . ."

نهایت اصل تصوفون منفی بیر قولو اولان نقطه وی لیک گئنیش کوتله
لر طرفیندن ائله جه آموز دؤورونون سیاسی، اجتماعی، مذهبی دایره لری
طرفیندن مقبول حساب ائدیلمیر، عکسینه عمومی تنفر و انزجار سایه سیند
ریشه کن اولوب سیرادان چیخیر و بوگون قورو بیر آددان باشقا اوندان
هئچ بیر ایز، بیر اثر و علامت قالما میشدیر.

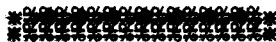
* *

بوتون بو قلمه آلدیقلاریمیزدان نتیجه چیخارماق اولارکی، شرق

(۱) نفایس الارقام . ص ۲۵ مجلس شورای نین خطی نسخه سی .

(۲) دبستان المذهب . تعلیم هشتم .

اؤلکه لرینده، مخصوصا اسلامیتدهن صونرا شرق ده و غرب ده بوتون اسلام عالمینده، علی الخصوص یاخین و اورتا شرق ده صوفیسم جریانسی سیاسی، دینی، اجتماعی جریانلارین ان گوجلوشدتلدی دالقالاریندان بیرسی اولوب، عصرلر بویو مختلف مضمون و شکل لرده اورتایا چیخیب مثبت و منفی فعالیت لر گؤسته ریب مفکوره وی، انقلابی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، وطریقتی تعلیم و تربیه لر و ثریب، عصیانلار قالدیریب ظلمکارلیق و زوراکیلیقا قارشسی قیاملار یارادیب، عقیده و مسلک اوغروندا قوربانلار و ثریب و بوتون بونلاردان مقصد انسان طالعی، انسان آزادلیقی، انسان سعادتی اولموش، انسان عشقی، انسان محبتی الهی عشق و الهی محبتین رمزی کیمی گؤتورولموش، نهایت انسان روحونون تصفیه اولوب آلاها قوووشماسی اونلارین صون و یوکسک ایستهک و آماللاری اولموشدور. اصل تصوفون آردیجیللاری هله ده اؤز فعالیتلرینی دوام ائتدیرمکده دیرلر. تصوف ادبیاتینا گلدیکه قید ائتمه ییک، یاخین و اورتا شرق ادبیاتیندا تصوف تاثیر حدودسوز درجه گوجلوش و مؤثر اولموشدور. صوفی ادبیاتی اؤزونه مخصوص بیردایره ده، اونو درک ائدیبدویانلار آراسیندا گئنیش وجدی تاثیر گؤسته ریب، نتیجه ده اجتماعی حیاتلارین ایز بوراخمیشدی. بیر تاریخی ضرورت کیمی اورتایا چیخمیش، اؤز رولونو اوینامیش و اوینا ماقدادیر. بیزجه تصوف لا ادبیاتین علاقه سینی، عرفان و تصوفون انسان روحونون تصفیه سینده رولونو، متصوف ادبیاتدا علی الخصوص شعرده تصوفون تاثیرینی، اورتا عصرلرده یارانان یاخین و اورتا شرق شعرینده تصوف و عرفان ادبیاتینی آرایب، قیمت له ندیر- یلمه سی قارشیمیزدا بیرواجب، ضروری مسئله کیمی دایانمیش، دورموشدور. بونسوز اورتا عصرلرین شعرو ادبیاتینی دوزگون درک ائتمک چتین، بلکه ده محال دیر، همی ده اونلارین دوزگون و مقصده او یغون و مثبت تجربیه- لریندن نتیجه آلماق اولماز.



حضرت محمد (ص) ین او گود لری

لَيْسَ مِنِّي إِلَّا غَالِمٌ أَوْ مُتَعَلِّمٌ

بیلیکلی و اوگره نجیدن باشقا کیمسه مندن دگیل .

لَا أَجْرَ إِلَّا عَنْ حِسْبَتَةٍ وَلَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ

اخر خلوصه گوره و عمل نیته گوره دیر .

لَا يُمَانُ لِمَنْ لَا أُمَّتَهُ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَهُ

امین اولما یانین و ایلغار توتما یانین دینی یوخدور .

لَا تَخْرِقَنَّ عَلَيَّ أَحَدًا سِرًّا

کیمسه نین اورتوسونو بیرتمایین (سرینی آچمایین)

لَا تُخَيِّفُوا أَنْفُسَكُمْ بِالذِّينِ

اؤزونوزو بورجدان قورخوتمایین .

لَا تَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ

اولوم دیله مه یین .

لَا تُجْتَمِعْ خَصْلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ : الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ .

مؤمن ده ایکی صفت اولماز : کیجیک و یالان .

لَا تُرَدُّوا السَّائِلَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ

دیلمنجی به بیر شئی وئیرین ، خرمانین یاریسی دا اولسا .

لَا تُرَوْعُوا الْمُسْلِمَ فَإِنَّ رَوْعَةَ الْمُسْلِمِ ظُلْمٌ عَظِيمٌ

مسلمان ی قورخوتما

مسلمان ی قورخوتما یین ، چونکی مسلمان ی قورخوتما ق بؤیوک ظلم دور .

لَا تُشْرَبُوا الْخَمْرَ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

چاخیر ایچمه یین کی ، بوتون پیسلیکلرین آچاری دیر .

لَا تَغْتَابُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ

مسلمانلارین غیبتین ائله مه یین و اونلارین عیبلرین آختارما یین .

لَا تَغْضَبْ فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ

غضبلنمه ، غضب فساد توره در .

لَا تَقُومُوا السَّاعَةَ حَتَّى يَكُونَ الزُّهْدُ وَالْوَرَعُ تَصْنَعًا

قیامت قوپماز تا او وقته جن کی زهد و تقوی یالانجیق دان اولما سا

ترجمه ائدن : جواد هیئت

مدرسه دن خاطرهلر بیز، متوسطه ده اوخودوغوموز ایللر، و اوایللردن داها قاباق، بورادا آذربایجانلی معلملرو مدیرلرایله برابر، آرا- سیرا فارس مدیرو معلملرده وارایدی. بوفارس مدیرو معلملرین نه اوچون اؤز یورد- یووالارینی بوراخیب آذربایجاندا ایشله دیکلری هئج زمان و هئج کیمه مسئله ایجاد ائتمزدی، اولابیلسین کی، بولار ایشه آلیناندا آذربایجانا گلکمک اجباریندا قالمیشلار. لاکس اونلارین بورادا یئرلیلرله داورانیشی کؤزه چارپان بیر مسئله ایدی. بومدیر و معلملرین بعضیلری باشی آشاغا، اؤز ایپینین اوستونده دوران آداملار ایدیلار. بولار، نه آذربایجانلیلار تاریخ و ملی هویت قوراشدیرانلارلا سس- سسه وئیریر، نهه بیزه و بیزیم ملی وارلیغیمیزا یوخاریدان باخیردیلار. پیسدن - یاخشیدن درس لرینی دئییب اوتوروردولار. اما، بونلارین سیرا راسی، سؤزون دقیق معناسیندا، نونو یئللی بیر مستعمره چی نین مستعمره ده آپاردیغی تحکم و هارت - هورتلا داورانیردیلار. بونلار هامینی لاغا قویور، جماعتسه یوخاریدان باخیر و تهراندان گتیردیکلری "شونستی سیستمی" یئرلش- دیرمک اوچون دیسیپلین خشا بی ایشله دیردیلر.

آذربایجانلیلار بیرینجی روحیه ده اونلارا یئرلی یئرینده حرمت- بسله دیکلری حالدا، ایکینجی جور تشبثاتال آتانلارلا باش - باشا قویور و یئرلی کلنده اونلارین قاباغینادا چیخیردیلار.

یاخشی یادیمدادی، بیرگون بوتون مدرسه اوشاقلارینی، قیزلی اوغلانلی نه بیلیم هانسی "جشن" دن ساری رژه گئچمک اوچون تبریزین سربازخاننا میدانینا ییغمیشدیلار. رژه ساعات دؤرده باشلایا جاق ایدی، اما ساعات اون ایکی دن اورایا گتیریلیمیش اوشاقلارا یئرلریندن ترپنمگه اجازه وئرلیمیردی. اوشاقلاردان چوخو گونون شاخوسوندا برک سوسامیش، بیر چوخلاریدا سوباشینا گئتمک احتیاجی تاپمیشدیلار. اما، میداندا نه سودان، نه ده توالت دن هئج بیر نشان یوخ ایدی. چوخ اوپان - بوپاننا باش وورانان سونرا، اوشاقلار چاره سیز ورزش معلملریندن بیرینه متوسل اولدولار. اودا بیرمدت اوپاننا - بوپاننا قاییب، بو سروانی

او سرهنگی گۆرندن صونرا قاییتدی و سوسوز اولانلارین بئش-بئش گفدیب سو ایچیب قاییتما لارینا راضیلیق آلدیغینی بیلدیردی. بیرینجی بئش نفر صفلردن آیریلیب او طرفه گفتمکده ایدیلرکی، بیردن "تربیت بدنی" مسئول- لاریندان آقای شایسته های باسدی :

- باشام، کجا دارین میرین، کی بشما اجازهداد از صف خارج بشین ؟
سویا قاچانلار کور- پئشان قاییتدی لار و دئدی لرکی: اجازه آلیب سوا یچمگه
- فکر کردیدا اینجا خونهی خاله ست، اینجا سر با زخونه ست، اگه از تشنگی هم
بمیرید، حق ندارید از جاتون تکان بخورید.

اوشاقلاردان بیرری اونون قباغینا چیخدی :
- آقای شایسته، درسته اینجا سر با زخانه است، ولی ما که هنوز سر با زنیستیم.
شما خودتان جلو آفتاب چند ساعت میتونید تشنه بمانید؟

آقای شایسته قارا عینکینین آلتیندان اوغلاسی باشدان آیاغا سوزدو،
- فضولی موقوف، بجای خود...

قاش- قباغینی تۆکوب باغیردی :

- فضولی موقوف، بجای خود...

بو سوز آقای شایسته نین آغزیندان چیخار- چیخماز دالی صفلردن بیرقالین
سسین جینگلیتسی ها وان یاردی "عمو، سخت نگیر"، اونون دالینجادا ایکی
اوچ مین اوشاغین بیر سلسله گولوشمه سی آقای شایسته نی اوزدن آپاردی .
او، قویروغو دالینادگه- دگه اوردان اوزاقلاشدی .

منیم یانیمدا دوران اوشاقلاردان بیرری کنایه لی سلسله دئدی :
- غریب ایتین قویروغو هاردا گرک؟

اوبیررسی جواب وئردی :

- ایکی قیچینین آراسیندا .

اوچونجو آرتیردی :

- بس نیه بیزده علمدی ؟

دوردونجو سوزه قاریشدی :

- آخی تبریز "غریبه دوشر" دی.

اونلارین هئچ بیرینی تانیمیردیم، اما اؤز آرالاریندا دانیشدیقلاری
یئرلی- یاتاقلی آتماحا فکریمه یقر ائله دی، جانیم یا بیلدی...

گئجه ائوده، سر با زخانادا اولوب- گئچنلری نقل ائده نده، اوشاقلارین
اوره گه یاتان بو آتما جاسینی دا سؤیله دیم، آتام معنالی- معنالی

گولومسه‌دی و اوشاقلارین بو ایشیندن دریندن خوشلانیرکیمی دئدی؛
 آخبو اوشاقلار نئجه‌بد ذات دیلار- لاپ دئیسه‌سن جین کیمی‌بیر زاد دیلار!
 ایلرر بوماجرادان صورنا، من آقای شایسته‌ایله‌ایکینجی دفعه‌ده
 ۱۳۲۶ - نجی‌ایلین باهاریندا اوز به اوز گل‌دیم. آذربایجانین قارا
 ودهشتلی‌گونلری‌ایدی. دار آغا‌جلاری هله‌شهرین آراسیندا تازا قوربانلیق
 گۆزله‌ییردی. هریره اولوم توزو قونموشدو. تالانمیش وقیزیل قانا
 بویانمیش آذربایجاناسوخولان "فاتح‌ر" چمدانلارینی دولدورماقدایدیلر
 "شاه" توره‌تدیگی‌جنایتلری و تۆکدوگو ناحق قانلاری گۆرمک اوچون "آزاد
 اولموش" آذربایجانا‌گله‌جک‌ایدی. اوندان، من تبریزین "تربیت" کتاب-
 خاناسیندا ایشله‌ییردیم. کتابخانا ایندی کیمی دانش‌سرایا یا‌پیشقلی-
 ایدی. دانش‌سرا میدانیندا "ابراز احساسات شاهدوستانه‌ومیهن پرستانه"
 اوچون بیر ییغین‌جاق اولاجا‌قدی. بیرهفته‌ییغین‌جا‌غاقالمیش میدان بو
 ایش اوچون حاضرلانیردی. بیرگون "ابراز احساسات" قالمیش من نا‌هاردان
 صورنا ایشه‌قایداندا کتابخانانین همیشه‌ساکت و حینقیرچیخما‌یان
 سالونوندا برک‌های - کویه‌شاهدا ولدوم. های - کوی ائدنلرین بی‌ری
 کتابخانانین قوجا‌خادمی‌ایدی، اما اوبیرسی طرف‌کیم اولسا‌گرک آقای
 شایسته‌ایدی! هراییکی طرف اؤزوندن چیخمیش، آغیزلارینا‌گله‌نی بی‌ری بی‌ر-
 لرینه‌دئییردی‌لر. من بیرینجی نوبه‌ده‌خادمی‌بیر طرفه‌چکیب ساکت ائله‌مگه
 چالیشدیم. او، بیرآز اؤزونو تا‌پاندان صورنا اوندان های - کویون
 علتین سوروشدورم. او، دئدی:

"بوگون بو‌آدام نا‌هارچا‌غیندان منی‌ایشیمدن - گو‌حومدن ائله‌ییکی
 گرک من کتابخانانین هر طرفین بازرسلیک ائدم. او، حیطدن باشلا‌ییب
 آشا‌غیداکی سو‌آنبارنا، کهنه‌میز- صندلر ییعبلان بئره، قفسه‌لرین
 دالینا، گنجه‌لرین ایحینه‌با‌خیب، ایندی ده دئییرکی، گرک نردوان گتیره
 سن، چیخیب شیروانی‌نین آلتینا‌با‌خام. دئییرم نردوانی‌هاردان گتیریم؟
 دئییر، نردوان گتیرمه‌سن سنین اؤزونو نردوان ائدس‌حخا‌حغام...
 صورنا من آقای شایسته‌یه‌یا‌نا‌شدیم. آقای شایسته‌رگی‌قبزار می‌ش-
 دوداقلاری تیتیره‌ییردی. او، منیم‌خادمه‌دانش‌ماغمدان سرشیلرسن‌ترمش
 کیمی منه یؤنلدی :

- آقا، شما مسئول اینجا هستید؟

- تقریباً .

- آقا، این کیه اینجا کاشتید، این اصلا زبان حالیش نمیشه .
- نه، او زبان شمارا حالی نمیشه، نباید هم حالی بشه، شما مگه ساعت کار
اینجا را نمیدونید؟ آمدید مزاحم استراحت پیرمرد شدید، حالا هم بیخودی
دور بر میدارید.

آقای شایسته گوجو گلدی کجه باغیردی :

- من دور بر میدارم؟ حالا بهتون نشون خواهم داد!
او، دُونوب، قویروغو دالینا دگه- دگه اورادان اوزا قلاشدی . من اونون
دالینجا باخدیم، خیالیم ایلر دالییا، سربازخانا میدانینا قایتبیدی.
ایستر- ایسته مز اوشا قلا رین دئدی کلری آتما جا یادیما دوشدو :
"غریب ای تین قویروغو هاردا گرک ؟...."

ایندی، اجازه وئرین بورا بطه ده، منیم اؤز باشیما گلن بیرماجرا نی دا
سیزه دانیشیم :

۱۳۱۹- نجوایل، من ۹- نجو کلاسدان امتحان وئرمه لی ایدیم . بو ایل لره
۹- نجو کلا سین امتحانی "رسمی" آلی نیردی . امتحانلار تهران دان گونده ریلن
"رئیس امتحانات" ین نظارتی آلتیندا گئحیریلیر و بیرچوخ حُساللاردا
سؤاللاردا مرکز دن گونده ریلیردی . او ایل ۹- نجو کلا سین امتحانلاری
اوچون طالبیه نی (جمعه مسجدی) نطرده دوتموشدولار . جمعه مسجدده ایکی
بؤیوک مسجده : بیری سوتونسوز مسجد، او بیری ده پله کانه لی مسجده ردییف
نیمکت دوزموشدولر . امتحان ناظر لری عموما دولتی مدرسه لرین معلم لرینلر
تعیین ائدیلمیشدی . ناظر لرین یچری سینده بیر نچه فارس معلم ده و ارایدی .
بو فارس معلملر دن اوچو، بیری ادبیات معلمی گرکانی، بیری نقاشلیق
معلمی شهابی و بیری ده دانشسرا نین سرپرستی عدیلی، بؤلگوده پله کانه لی
مسجدده دوشموشدولر . من ده بومسجدده امتحان وئرمه لی ایدیم . اوشا قلا ر
جلسه یه یول وئر یلمه دن ناظر لر قاپی نین قباغیندا صف چکیب دورموش -
دولار . امتحانات رئیسی ناظر لرین آراسیندان بو اوچ نفری (لابدفارس
اولدوقلاری اوچون یا هر نه ایسه) شاگرد لری یوخلاییب، جلسه یه بورا خماق
اوچون سئجدی . اونلاردان ایکی سی، یعنی گرکانی و شهابی چوخ عادی حالدا و بیری
آزدا احتراملا اوشا قلا ری امتحان جوا زینا یا پیشدیر یلمیش عکس ایله
یوخلاییر، اونلارین لیرینده کی دوات، قلم و ال آلتی مقوایا اؤته ری نظر
سالیب ایچری بورا خیر دیلار . اما، مسجدین آستانا سیندا دورموش آقای
عدیلی هئچکی بو آسانلیقلا بورا خمیردی . او، امتحانچیلاری بیر به بیر

باشدان آياغا سوزور، بىر مېتىمى زندانا سالاندا اونون ھىر يىرىنى آختارد۔
 يىقلارى كىمى اوشاقلارين جىبلىرىنى و اويان۔ بويانلارنى گزىر، حتى
 بعضلىرى نىن باشماقلارى نىن ايچىنە كىمى باخىردى. بئله بىراھانلى
 "آختار يىش" دان سونرا، اوشاقلار ھرحالدا جلسە يە گىرىب ھىر بىرى اوز يىرىن
 تاپىبا وتوردولار. ناظرلر ھەركس اوز مسئول اولدوغو قىسمتە گىچدى.
 اما، آقاي عدلى نىن "نمايشى" ھە قورتارما مىشدى. او، بىر صندلى يە
 دىرمانىب، ھامى نىن توجھىنى قازاناندا سونرا، مسجىدنى حىطىندە بويۇك
 قارا خط ايله يازىلىب ياپىشدىر يىلمىش "مقررات امتحانى" نى بىر داھا
 باشدان آياغا خىردالاماغا باشلادى. سونرا دا ھەركسىن باشى اوز ايشىندە
 اولدوغونو، ھىچ طرفە باخما دىغىنى، ساغا۔ صولا آخما دىغىنى، يىرىندەن
 قالخما دىغىنى و بىر چوخ بوكىمى تاپش يىر يىقلار وئردى. او، بونادا كفا يىت۔
 لىنە يىب آرتىقدان آرتىغا گوز قورخوسو وئرمك اوچون "اىلە مىكنم، بئله
 مىكنم" خشابىنى دا ايشلەتدى. اونون بو ھەركىتى ھە ناظرلرىن سىماسىندا
 آجى بىر گولونج و استىھزاي يىر آچما سى بىر طرفە دورسون، امتحان تشويشى
 ايله ال باياخا اوشاقلارين دا چوخونو معنالى معنالى بىر۔ بىرىنە
 باخماغا، و خىسىن۔ خىسىن گولمگە وادار ائدىردى.

سواللار وئرىلدى، اوشاقلار باشلارى آشاغا يازماغا مشغول اولدولار.
 ناظرلر ھەركس اوز قىسمتىندە دايا نىمىشدى. اما، آقاي عدلى ھەلە دە
 يىللى ايدى. او، گىدىر، گلىر، گاھدان آياق ساخلىر، بىرىنە اوزبە اوزدەن
 اوبىرىسىنە ياندا گوز قويور. من ورقەنى يازا يازا آتدان آتدان ونا
 باخىر، ھەم آجىغىم توتور، ھەم دە بىر كمدى فىلم تماشا ائدىر كىمى خوشلانير۔
 دىم. ورقەلىرىنى يازىب قورتارانلار آقاي عدلى نىن نشان وئردىكى يول
 ايله، باشلارنى اويان۔ بويانا چئو بىر مەدن جلسە دن چىخىب گىتمە لى۔
 ايدىلر. مەن دە سئواللارنى يازىب ورقەنى وئرمك اوچون آياغا قالخدىم
 منىم آياغا قالخما غىملا كاسكتىمىن نىمكتىن اوستوندىن فىرلانىب يىرە
 دوشمگى بىر اولدو. كاسكت دىغىر لاندى، ساغ طرفە كى نىمكتىن آلتىنە دا
 دوردو. نىمكتە اوتوران اوغلان بۇركو گۇتوروب مەنە وئرمك اىستە يىندە
 من" او، يىرىندەن دورماسىن" دىشە، ايرە لىلە يىب الىمى بۇركە طرف
 اوزا تىم، ھە الىم بۇركە چا تما مىشدى، آقاي عدلى منى آياق اوستە گون كىمى
 اوزاقدان ھە يىلادى "شما ھمونجا باش" و جلد اوستومە يومولدو؛
 ۔ شما اونجا چە كارداشتىد؟

- کاری نداشتم، میخواستم کلاهم را بردارم.

- کلاه شما اونجا چه کار میکرد؟

- خوب، افتاده بود دیگه.

- افتاده بود یا خودتان عمدا انداخته بودید؟

- انداختم که چی؟

- حالا معلوم خواهد شد که چی!

او، بو سؤزلری دئییه - دئییه باشلادی باشدان منیم قولتوق جیبلریمی، صورنا، یان جیبلریمی، آخیردادا شالوار جیبلریمی گزمکه. قان باشیما وورموشدو، اؤزومدن چیخمیشدیم، امتحان جلسه سینده اولدوغومو بئله اونوتموشدوم. او، شالوار جیبیمده بیرشئی الینه توخونموش کیمی اونون نه اولدوغونو یوخلاماق اوچون اوبیری الیندن کؤمک آلدی. من دارتی وئریب اؤزومو دالی یا چکدیم و ایستر - ایسته مز بیرلحظه ده آغزیمدان قاچدی :

- اونجا ثقلب گیرتان نمی یاد، چیز دیگه گیرتان می یاد. او، دیسکینسن

کیمی الیرینی چکدی و اؤزوندن چیخمیش حالدا هایقیردی:

- چی گفتی؟ - گفتم...

دالیدان قولتی بیر ال آغزیمی قاپاییب دانیشماغیما مانع اولدو. چؤنوب باخدیم، نقاشلیق معلمی شهابی ایدی. دئمه مرافعه نین اولیندن اوردا ایتمیش. او، منی بیر طرفه چکه - چکه عدیلیه طرف چؤنوب دئدی :
- ایشان از شاگردان خوب مدرسه هستند، اهل این حرفها نیستند، حتما سوؤ تفاهمی پیش اومده ...

او، بو سؤزلری دئییه - دئییه منیم بؤرکومو آلیب باشیما قویدو، اؤزود موده گتیریپ قاپیدان یولا سالدی. او، عصبانیت حالیندا آغزیمدان قاچان آخرنجی سؤز باره سینده هئچنه دئمه دی.

من جلسه دن چیخاندان صورنا، او سؤزون اختیار سیز آغزیمدان چیخما - سیندان اؤزوم اؤزومدن اوتاندیم. فکرله شیردیم، نه یاخشی کی شهابی اونو ائشیتمه ییب، یوخسا هر جور اولسا اونو اوزه چکردی. لاکن، نا هاردان صورنا جلسه سینه قایداندا باشا دوشدوم کی، سؤز دیله دوشوب، اوشاقلار گؤز آلتی منه باخیب بیر - بیرلرینه دئییردی لر: آنجا ثقلب گیرت می یاد ... آخشام جلسه سیندن چیخاندادا مسجدین دهلیزینده جرگه باغلا ییب، دوران معلم لر منی گؤر جک گولمگه باشلادی لر. لابد اونلاردا منیم "شاهکاریم"

x x x x

۱۳۱۹- نجوايلده، هله ۹-نجو کلاسين امتحانيندان چوخ اول، من معلم اولماق اوچون دانشسرايا يازيلماق قرارينا گلميشديم. او زمانلار دانشسرا بيرچوخ حاللاردا آزاد تحصيل آلماغا امکاناتي اولمايان جوان-لارين سيغينا جاق يئري ايدى. بونلار چوخ آرزو زماندا بير ايشاله ائديب، عائله لري نين يا شاييشينا يارديم ائتمک اوچون دانشسرايا يازيليرديلار من دانشسرانين حال - هواسي ايله آشاغا کلاس لاردا اوخودوغوم ايللردهن ياخيندان - اوزاقدان تانيش ايديم، تبريزدن يا آذربايجانين آييري شهرلريندن بورايا قبول ائديلميش جوانلار اوخويور و درس لريني قورتارا- ندان صورادا وئردیکلري تعهداسا سيندا، اولکهنين اوزاق يا ياخين شهر يا قصبه لرينين بيرينده معلمليگه مشغول اولوردولار. دشک اولارکي، او ايللرده آذربايجاني فارسلاشديرماق سياستي بورادا عمومي حالدا اوزون گؤسترسه ده هله چوخ قيزغين حال آلايلمه ميشدى. دانشسران چيخيب آذربايجانين آييري - آييري يئرلرينده درس وئرمگه باشلايان جوانلار، او ييري درس لر اوز يئرینده دورسون، حتی فاسي درسيني ده يا خشي باشا سالماق وچسون، بوتون توضيحلري تورکجه اولوردو. اما، من ۱۳۱۹- نجوايلده آديا زديرد- يغيمن دانشسرا بو باخيمدان وآييري هئتلردن قابا قجا گوردوگوم دانشسرا- دان فرقله نيردى. بو فرقلنمه داها دوغروسو، بير يا ايکي ايل اول دانش سرانين دورد اوطا قلى كهنه ساختما ندان، تازا تيكي لميش اوزلوگونسه مفصل و مجهز بنا يا كوچورولمه سي ايله باشلاميشدى. بوسا ختمان يا تيلى (شبانه روزي) قسمته مجهز اولدوغوندا گئجه - گوندوز آذربايجاندا شوونيزه يوخوسو گوره نلري اوزگه خياللا سالميشدى. اونلار آذربايجانين آييري شهرلريندن گلن يوخسول اوشاقلاري مدرسه نين يا تيلى قسمتینه گؤتورمک عوضينه، ايرانين اوزاق شهرلريندن فارس جوانلاريني بورايا قبول ائدير بئله ليکله ده من دانشسرايا يازيلان ايللر، اورادا شاگردلر ايکي دسته يه بؤلونوردو: دانشسرانين يا تيلى قسمتيندن استفادهدن فارس اوشاقلار، گوندوزلر دانشسرادا اوخويوب گئجه لر ائولرينه قايدان آذربايجانلilar سوز يوخکي، فارس منطقه لریندن قبول اولونان اوشاقلاردا چوخ حالدا يوخسول عائله لردن ايديلر. بونلاردا عمده صورتده "بدى حادسه" دن بورايا پناه گتيرنلر ايديلر. بونا گوره ده اونلارلا آذربايجانلي اوشاقلارين آرا-

سیندا بوجھتدن گۆزه چاریان آیری - سئچگینلیک یوخایدی. لاکن دانشسرایا باشچیلیق ائدیلر، اؤز سیاستلریندن آسیلی اولاراق، بو ایکی دسته آراسیندا بیرچوخ تضاد و آنلاشیلما زلیقلارا یول آچیردیلار. گونده لیک ایشلرده یئرلی - یئرسیز فارسلارا اوستونلوق قازاندیرماق، اولارلا دوغما، آذربایجانلی-لارلا اؤگئی کیمی رفتار ائلمک، اولارین عیب و نقصانلارینی اؤرتمک، و بویبیرلره عیب قوندارماق، حتی بیرچوخ حاللاردا آذربایجانلیلاری "آداب بیلیمین" و "غیراجتماعی" آدلاندیرماق کیمی یاراماز و چرکین رفتار یورودور دولر.

بو رفتار، یاراماز و چرکین اولدوغو قده رده حقیقتدن اوزاق اییدی. آذربایجانلی شاگردلرین بیرچوخو اخلاق و رفتار همتیندن نمونه و معلملیکه یارایان آداملار اولدوغو حالدا، فارسلا رین ایچینده اؤز لری دئمی شک "ارقه" و "تله چرتمیش" لری آزدگیلیدی. بونلارین ایچری سینده بعضیلری درس و خویان اولسادا، بیرچوخلاری هئچ بیر نظم و نظام بویون قویما یان، سوروشکن، و حتی چوخ وقتلر سلسلری پاساژمیخانالاریندان ویا تبریزده اوگون عمومی ائولر یئرلشن "قره دام- داش" دان گلن "آداب بیلن" و "اجتماعی" آداملار ایدی لار. آذربایجاندا تبریز دانشسراسینا یازیلماق و چون کفایت قدر دا طلب اولدوغو حالدا، بو جوانلار نه و چون ایرانین آیری - آیری اوزاق شهر- لریندن، یزددن، کرماندان، کاشان دان، کرمانشاه دان بورایا گتیریلیردی لر؟ شبهه سیز بونلاری تبریزه گتیرمکده آذربایجانا "اخلاق" صادر ائلمک مقصدی نظرده اولماسا، بوا ییشن آذربایجانلی فارسلاش دیرماق سیاستینه کؤمک آلماق اییدی. بو جوانلار دانشسرا دان چیخا جاق، آذربایجانین یاخین یا اوزاق یئرلریندن بیرینده معلم اولاجاق و جماعتین، خصوصیه درس اوخو- یان اوشاقلارین دیلینی دگیشدیرمگه چالیشا جاق لار. لاکن گولمه لی بوراسی- اییدی کی، بوتشیت عملده تما میله عکس نتیجه وئردی. بونلار، دانشسرانی قورتارار- قورتارماز قویوب قاچیردی لار، و قاچاندا اؤز لری له آذربا- یجانلی فارسلاش دیرماق دلخوشلوغو یوخ، بلکه اؤز لرینین تورکی اؤرگه شیب، تورکی دانیشماق دلخورلوغونو، آذربایجانلی فارسلاش دیرانلارا قویوردولار. بیز هن و منله بیرلیکده اوخویان یئرلی لر، بیرینجی درس ایلی نی بیله بیر بوغونوق شرائطده گئچیردیک. فارس اوشاقلارا یئرسیز اوستونل- سوک وئرمک، اولارین دالیسینا ال چالماق، آراسر بو اوشاقلارین اؤز لری ایله بحثلره و توققوشمالارا باعث اولوردو. بو بحثلر بیرچوخ وقتلر اولدوغومۇ

درس محیط‌پنده باش وئرن کیچیک مسئله‌لردن باشلار و عمومی مسئله‌لره چکیلردی. بحث هرهانکی نتیجه‌یه نتیجه‌له نیرسه، خصوصاً سؤاللارا جواب تاپمایاندا اونلار بیر طرفه چکیلیب "سرود" اوخوردولار. اوخودوقلاری سرود بیرچوخ وقت بو ایدی :

"پرمهرشاه است ماراروان - بدین کار داریم شاهان توان

که جاوید یادا سرتاجسار - خسته‌بر او گردش روزگار..."

اما، دانشرانین ایکنجی درس ایلی‌هله باشلامیش اوضاع بوسبوتون قاریشدی . ۱۳۲۵ - نجی ایل شهریورین اوچونده ایرانین شمال و جنوب ایالت‌لری متفق دولترین قوشونلاری طرفیندن اشغال ائدیلدی. شونیز بایراغینی باشی اوسته گردیریب "هل من مبارز!" دئییب باغیرانلار، بیر گۆز قیرپیمیندا دولو چمدانلارلا قاچمیشدیلار. استبدادین پایالاری لخله‌میش و ایگیرمی ایل سینهلرده حبس اولموش ناله‌لر بوردن بیره نعره‌چور بیلیمیشدی. مملکتین سیاسی دورومو بوسبوتون دگیشیلیمیشدی.

ایکنجی درس ایلی‌باشلایاندا فارس اوشاقلاردان بعش - آلتی نفردن ساوای، هامیسی قویوب گفتمیشدیلر. قالانلار بودفعه تهراندان "مهرشاه" سرودیله یوخ، بلکه بیر اوزگه نغمه‌ایله قایتمیشدیلار. اونلار بیرچوخ وقت گیزلینده - آشکاردا بونغمه‌نی اوخوبوردولار:

"از چه ای پست دون همت - ای مایه‌ی ننگ ملت - اکنون نداری بجز خواری و گرفتاری و غم، مال ملت خوردی - جان عجب دربردی..."

ایندی یئرلی اوشاقلاری یا تیلی ائتمه‌ک اوچون هیچ بیر بهاناقالماشدی اما، تبریز دانشراسیندادا، بیرچوخ مؤسه‌لرده اولدوغو کیمی هله‌ده شوونیزم فضا‌سی ساخلانیلیردی. دانشرانین مسئوللاری بیرمدت قویوب گئدنلرین و گئندنه‌ده اللرینه دوشن شئیلری اؤزلریله گؤتوروب آپارانلارین یولونو گؤزله‌دیلر. اونلارین قاییتما سیندان مایوس اولونجا یا تیلی قسمتی تعطیل ائتمک فکرینه دوشدولر و یئرلی روزنامه‌لر بوایشه باش قوشما بینجا یئرلی اوشاقلاردان یا تیلی قسمته گؤتورمگه بویون قویما دیلار. بوایشه مجبور اولدوقدان سونرادا اللی نفر توتاری اولان یا تیلی قسمته قیرخ نفر دا و طلب قبول ائتمک اوچون اونلارین آراسیندا "کنکور" قویولما مسئله‌سی اورتایا چکیلدی.

سو "کنکور" یئرسیز و معنا سیز اولدوغو اوچون، یا تیلی قسمته دا و طلب اولانلارا آغیر کلیردی. بونا گؤره‌ده دا و طلبلر اول بئله‌بیر "کنکور" دا

شرکت ائتمه مک قرارینا گلدیلر، لاکن صورالہ عنوان وئرلیمه سین دئییه، بو یئرسیز "کنکور" دا شرکت ائدیب ورقه لری آغ وئرمگی، یادا، با جاردیقجا پوزغون وعلط یازماغی قرارا آلدیلار. اوبیریلردن یاخشی خبریم اولمادی، اما میم ورقه لریمین چوخو صفر آلمیشدی.

بیز داشسرادا اوخود و عوموز ایلر داسسرانین مدیری (یا او وقت تازا مد اولموش کیمی: رئیسی) معروف علی دهقان ایدی. دهقان، او ایلرده، هر یئرده او حمله دن تهران دانشگاهیندا حاکم اولان قیزغین شوونیزم روحیه سی ایله آلبیشب صورادا اونو عمله گئچیرمگه جان آتاندلاردا ن ایدی. دهقان او گونه قدر گؤردوگوم مدیرلرین هامیسیندان با جاریقلی وایشه یارار آدام اولدوغو حالدا، اؤزونو وار قوه سیله فارس شوونیزمینده یا پیشدیرانلار-دان سبربسی ایدی. او، اؤزو آذربایجاندا دوغولوب، بشیکده آنا سینین شیرین لایلار ایله یوخلادیغی و دنیا یا گؤز آچار-آچماز دوغما آنا دیلی ایله حیاتلا الفقات دیعی حالدا نه دنسه، آذربایجاندا مدیر مدرسه ده ن توموش استاندارلعا قدر اولدوغو مقالاردا، هر یئرده اؤز ملی وارلیغینا و آنا دیلینه خور باخمیش و اعتقاد باخمیندان گئجه لر آذربایجانلیلاری فارسلاشدرماق رؤیاسی گؤرنلردن اولموشدو. دهقان و اونون کیمی اعتقادا اولان آذربایجان روشنفکر و اوخوموشلارین مسئله سی منی بیرچوخ وقتلر دوشوندورموشدو. انسان نجه اولایلر اؤز دامارلاریندا داشیدیغی قاننا آناسی ایله داشیدیغی، حیات یولداشی ایله دیللشدیگی، اوغلونون - قیزینین دیل آدیغی دیله خور باخسین، اونو نه بیلیم هانسی حکومتین یادولتین بیزه گتیردیگی دیل آدلاندیرسین؟ دهقان اگر آذربایجاندا استاندارا ولدوغو ایلر ایشین چوخلوغوندان، یا هر دیله گؤره قره داغی، سرا بی، سا والانی، خلحالی، نه بیلیم هارانی، هارانی دولاشا بیلیمه ییب و اورالاردا خلقی- نسلدن نسله بو دیله دانیشدیغینی و تاریخ بو یو اؤز غمبنی، حسرتینی، سئو- بیجینی و آرزولارینی بودیلده اولان مینلر و اون مینلرله ساییتیلار، نعملره، قوشمالارا، مثلره جالادیغینی گورمه ییب، حتما اوشا قلسقدا ارومیه ده و مراغا اطرافیندا گزیشدیگی ایلرده بونلارین حاللی نمونه لرله اوزاقدان - یاخبندان تانیش اولموشدو.

مطلبدن اوزا قلاشدیق. دانشسرادا اوخود و عوم ایلر اورادا باش وئرن حادثه لردن دانیشبردیق. دانشسرادا یا تیلی قسمتین سرپرستی بیرینجی ایل

فخرالدینی آدیندا بیر فارس معلم ایدی. کلاسلا رین ادبیات و پداگوژی درس- لری ده اونون عهدده سینه ایدی. بو آدام خابینا توما رلایان اولسادا، بوزدفعه قاباخدا آدینی چکدیگیم عدیلی دن یا خشی ایدی. اونون عادت لریندن بییری گاهدان کلاسدا اوشاقلارین آراسیندا مناظره قویما ق ایدی. کلاسدا، فارسلار بییر طرفده و تورکلر او بییری طرفده اولدوقلاری و چون، چوخ وقت مناظره بو ایکی طرفین آراسیندا گئدیردی. بییرگون مناظره اوزون چکدی. اوشاقلارین چنته - سینده اولان شعرلر اوخونوب قورتا ردی. فارسلاردان بییری دئدی :

- آقا، محلی شعرده اوخوماق اولار؟

- نیه اولمور .

بییریسی بیلمه دیم سنگسری ، یا سمانی بییر شعر اوخودو . صونرا دئدی لر شعر ی فارسجا یا چئویردی. گؤزه ل غنائی شعر ایدی. بیزلردن من دئدیم :

- بیزده تورکی شعر اوخویا بیله ریک ؟

فخرالدینی بییر آرز دوروخسوندو . صونرا ، اون بشش - ایگی رمی جوت اونسون اوزونه تیکیمیش گؤزلردن اوتانیر کیمی دئدی :

- البته ، اوخویون ، اما سیاسی ولما سین ، غنائی اولسون ، من ائشیتمه میشم ، آذربایحانی شعرلریس چوخو سیاسی دی . ایندی سیز بییر شعر اوخویون ، اولسی "گ" ایله باشلان سین . . .

اوشاقلار منه باخدی لار . من آستا جا اودقونوب اوخودوم :

گئچمه نامرد کؤرپوسوندن ، قوی آپا رسین سئل سنی

یا تما تولکو دالدا سیندا ، قوی بیسین آلان سنی

صونرا ، شعری فارسجا یا چئویردیم :

"ازپل نامرد نگذر ، بگذار تا سیل بیبرد ترا

درپناه رویا ه خواب ، بگذار تا شیر بخورد ترا "

فخرالدینی و اوشاقلار قولاقلا رین شا خلا میشدیلار .

صونرا اونلاردان بییری "ی" حرفی ایله باشلانان بییرگیلکی شعر اوخودو . شعر "خ" حرفیله قورتا ریردی . بییز "خ" گتیرمه لی ای دیک . باخیشلار گئنه منه یؤنلدی . فخرالدینی دئدی :

همیشه کی بییر نفر اولما ز ، بییر آیریسی جواب وئرسین .

بیزلردن یادیمدا دگیل کیم دیل لندی :

"حوا ن شهری بییز دئییریک تاری سا خلا سین

مقصودوموز بودورکی ، بییزیم یاری سا خلا سین"

- ترجمه اندین :

"ما میگوئیم خدا خوبان شهر را نگهدارد"

منظور برای نیست که، بیار ما را نگهدارد"

بود فعه او طرف"ن" کتیرمه لی ایدی. بیررسی بیلمه دیدیم کرمانشاهی یا بختیاری
بیرشعر او خودو. ایندی نیز"ش" کتیرمه لی ایدیک . هامی بیرری بیرینه باخفا
بود فعه ، چاره سیز، گئنه من دینلندیم :

"ش هجران یا نارجانیم ، تۆکرقان چشم گریانیم

او یا دیر خلقی افغانیم ، قارا بختیم او یا نمازمی"

بود فعه شعرین ترجمه سینی ایسته یین اولما دی. ائله بیل فارس - تورک هامی
اونو باشا دوشموشدولر. کلاسدا کیلار ال مداد - کاغذا ، شعری یادداشت
ائتمک ایستیردی لر. فخرالدینی بو حالی گؤرونجه مشاعره نین "بس" اولدوغونو
اعلان ائتدی. صورا شعرین کیمدن اولدوغونو سوروشدو. شعرین "فضولی" دن
اولدوغونو دئدیم، اما شاعر هانکی عصرده یا شایب ، ونه کیمی اثرلریا زدیغنی
بیلمه دیدیم. سیزه اؤرگتمه میشدی لر. هله شعرین فضولی دن اولدوغونو دا بیر
گون چؤرکچی خانادا ، چؤرک آلدیغیم زمان، آتامین یاخین دوستو، وصیفا
قرده شی شاطر عبدالعلی دن ائشیتیمیشدیم. شعرین اؤزونوده **اوندان اورگنمبده**

غفار بردی نهن قالی:

بی قدر قارداش دان قدرلی یادهم

نادان دوستدان دانا دشمان یخشی دیر (ذلیلی)

۷- اخلاص بیله (ایله) آغلاسانگ ، سوقور گؤردن یاش چیقار .

اخلاص بیله بیرکامله ال برگن (وئرسن)

یغتر بمرمزله ، بیتماین قالماز (مختومقلی)

۸- اوجاق باشی اوغولسیز ، ساچاق باشی گلین سیز .

قارداش سیزه قوت یوقدیر

اوغولسیزه دولت یوقدیر (مختومقلی)

۹- ابل بیله گلن تویدا بایرام .

قوچ بگیده تویدیر بایرام

هرایش گلسه ایل بیلانی (مختومقلی)

۱۰- آیتهم آربق دیعینی قورده بیلدیرمز

،النته دوشمانه سیاست یخشی (مختومقلی)

۱۱- ال بیله اورلان (وورولان) بقیلار قالار، دیل بیله اورلان هئچ قالماز.

مختومقلی هرگز تاپمادی امان - یا مان دیلینگ زهری تیغ لاردان یا مان .

آقای غفار بردی دن خواهن ائدیریک گؤنردر دیکلری شعر و متنلرین

ویا سیزه آشنا اولمایان سؤزلرین ترجمه لرینده یاز سینلار .

اسکی تورک شعرینده وزن، شکل وقافیه

یا زان : دوقتورجواد هیئت

تورکلرده شعر قوشماق عادتیی چوخ اسکی دیر. تورکلر شعره قوشوق یا قوشقو دئییه ردیلر. ایلک شاعر لر "شامان" ویادین آداملاری اولموش و اللرینده سازلاریله، رقص ائده رک شعر سؤیلردیلر. بوسازا "قوپوز"، و اونو چالاراق شعر اوخویانلارا : اوزان، باغسی، شامان و... دئییه ردیلر. اوزانلار دینی مراسملرده وهرایل تکرار اولان اوو مراسمینده (صیغیر)، هابئله ماتم مراسملرینده وساواشلاردا قوشدوقلاری شعرلری اوخویار وسازلاریله شعرلرین تأثیرینی قوتلندیره رک خلقی هیجانا کتیره ردیلر.

تورکی شعر باره سینده ان قدیم نمونه ومعلومات چین قایناقلاریندا موجود دور. بوشعیرین ترجمه سیبیزه معلوم دور و میلاددان ۱۱۹ ایل قاباق حون شاعری طرفیندن سؤیلنمیش دیر. بوشعر "دوردلوک" شکلینده دیرو حونلارین ساواشدا یئنیلدیکلرینی و تورپاقلارینین بیرپارچا سینی الدن وئردیکلرینی آغلایاراق شرح وئیریر. بوگونکو تورکجه میزه گوره بوشعر بئله دیر:

"ین چی شان" داغینی ایتیردیک
قا دینلاریمیزین گوزه للیگینی آلدیلار
"سیلان شان" یا یلا سینی (فلات) ایتیردیک
حیوانلاریمکزی بسلیه جک یئری آلدیلار

ایکینجی تورک شعری اورخون آبدہ لریندہ یازیلان ویوللوق تیگین طرفیندن قوشولان ۸- اینجی میلادی عصره عاید دیر .

"دیوان لغات تورک" ده یازی یه آلینان اسکی تورک شعرلریندن نمونه لر وارد دیر . بونلاردان آلپ ارتونقا (افراسیاب) مرثیه سی اوچون سؤیلنمیش ماتم شعری (صاغو) چوخ ماراقلی دیر . بو صاغو میلاددان یئددی یوزایل اول یاشامیش واسکی ایرانلیلارلا سا واشمیش تورکلرین تاریخی- افسانه وی قهرمانی افراسیاب اوچون خلق شاعرلر^۵ طرفیندن قوشولموش و اوزون قرنلر دیلدن - دیله و آغیزدان آغیزا گچهرک نهایت ۹۰۰ ایل قاباق محمودکاشغری نین کتابینا آلمشدر . بورادا نمونه اوچون بو صاغودان بیرپارچاسینی بوگونکو تورکجه میزله بیرلیکده درج ائدیریک :

آلپ ارتونقا اؤلدومو
 پیس دونیا قالدی می
 زمانه اوچون (انتقام) آلدی می
 ایندی اورک بیرتیلیر .

+ + + +

زمانه فرصت گۆزه تله دی
 اوغری توزاق (دام) اوزاتدی
 بیگلربیگیس آزیتمدی
 قاچسانئجه قورتولار

+ + + +

آلپ ارتونقا اؤلدی می
 ایسیز عجون قالدی می
 اؤزلک اؤچین آلدی می
 ائمدی یورک بیرتیلور

+ + + +

اؤزلک یاراق کؤز تتی
 اوغری توزاق اوزاتدی
 بیگلربیگیس آزیتمدی
 قاچسا قالی قورتولور

+ + + +

بو منظومه چوخ اسکی دیر و قوتلی ، احتمالاً گۆره میلاددان قاباغا عاید دیر . منظومه بایا تیلارکیمی یئددی هجالی و زنله قوشولموش وشکیل باخیمیندان دا اسکی تورک شعری شکلینده ، یعنی دؤردلوک لر مجموعه سیندن تشکیل تاپمیش دیر . ایندی اورخون مزار داشلاریندا یازیلان گۆک تورک آبدہ - لریندن بیرپارچانی اله آلاق . بو یازیلار ۱۲۶۰ ایل بوندان قاباغا یعنی ایک یوز ایل تورکلرین توپلو حالدا مسلمان اولماقلاریندان قاباغا عاید دیر .

بو قدر یازیلار یازان
 من کول تکین آتاسی
 من یوللوق تکین یازدیم

بونجا بیتیک بیتیکمه
 من کول تیگین آتسی
 یوللوق تیگین بیتیدیم

بيگيرمی گون اولوروب

بوتاشقا بو طامغا کوپ

يوللوق تيگين بيتيديم

ايگيرمی گون اوتوروب

بوداشا دامغا قويوب

من يوللوق تکين يازديم.

بوشعر يوللوق تيگين طرفيندن يازيلميش و ديوان لغات تورک ده يئددي هجالي شعرلرين عينيدير . اوچونجو مصرعين نکرات شکلنده تکرا رلانماسي دا عاشق شعرينه ويغوندور ، تورفان دا (شرقي ترکستان) کي قازمالاردان اله گلن يازيلار آراسيندا يئددي اسکي تورک شعري تاپيلميش ، بوشعرلر اويغور يازيسي ايله يازيلميش و ماني دينينه اينانان تورک شاعرلري طرفيندن سويلنميشدير . بونلارين بيرقسمي تانري نين مدحينده يازيلمش و هاميسي دوردلوکلر شکلينده ، ويئددي هجاليدير . نمونه اوچون الهی دئديگيميز بيرشعردن ايکي بندي بو گونکو تورکجه ميزله بيرليکده درج ائديرک :

تانگ تنگري کلتی

تانگ تنگري اؤزی کلتی

توروقلار قاموغ بيگلر قامداشلار

تانگ تنگريگ اؤگه ليم

گورومگه کون تنگري

سيز بيزی گوزه ديك

کورونومگه آی تنگري

سيز بيزی قورتارينگ

دان (شفق) تانري گلدي

دان تانري اوزو گلدي

دورون هامی بيگلر، قامداشلار

دان تانرينی اؤوهک

گوره ن گونش تانري

سيز بيزی گوزه تله بين

گورونن آی تانري

سيز بيزی قورتارين .

بوشعر ايلک دفعه پروفسور فون لوكوك (V. Le Cogh) ، صونرا

پروفسور رشيد رحمتي آرات طرفيندن نشر ائيلميشدير (۱)

اويغور تورکلري نين بودايي شاعرلريندن ده بعضي شعرلر اله گچميش

کي ، بونلارين ان مهمی "آپرينچور تيگين" آديندا شاعرين شعرلري دير . بو

شاعر دن ده بير الهی ، بيرده عشق شعري نمونه سي درج ائديرک :

بيزيم تنگريميز ائدگوسي ردنن تيبور

(بيزيم تانريميزين يا خشيليغي جوهردير دئيبيرلر)

ردنن ده بيگ منينگ ائدگو تنگريم آلپيم بيگره کيم

(جوهر دن داها اوستون منيم يا خشي تانريم قهرمانيم بيگ راغيم)

بئلتگوسوز بيتي واژيرتي يور

(بيلوو سوز ايتي الماس دير)

واژىردا اۋتۇى بىلىگلىگىم تۈزۈنۈم ياروقوم
 الماسدان داھا ايتى بىلىگلىم، اصلىم، ايشىغىم
 كون تنگرى ياروقىن تگ كۆكۆزلۈگوم بىلگەم
 گون تانرى ايشىغىكىمى كۆكسوم بىلگىنيم
 كۆرتلەتۈزۈن تنگرىم بۇرقانىم بۇلونچسوزوم *
 كۆزەل اصىل تانرىم شىھرتلىم قورويوجوم
 " " " " " " بورقانىم (۲) "

آپرىنچوردان بىر عشق شىرى:

ياروق تنگرىلر يارلىقازون (نورلو تانرى لار بويورسون)
 ياواشىم بىرلە (يوموشاق خويلوم ايلە)
 ياقىشىپن آدربمالىم (ياخىن اولوب آيرىلما ياق)
 كۆچلۈك بىرىشتىلر كۆچ بىرزون (كۈچلۈ فرشتەلر كۈچ وئرسىن)
 كۆزى قارام بىرلە (كۆزۈ قارام ايلە)
 كۆلۈشۈگىن اولورالىم (كۈلە-كۈلە اۋتوراق)

آپرىنچورون شىرلىرى دە ايلك دفعە "فون لولوك، پروفىسور: و. بانگ
 (W. Bang) و رشيد رحمتى آرات طرفىندىن تدقيق ونشر ائدىلمىشىدىر (۲)
 بوشىردە كۆك تورك كىتەپلەرىندە يازىلان " يوللوق تىگىن " يىن شىرى
 كىمى اوچ مىراغلى دىر. بوشىكلىن ايزى ھلە دە توركىە ادبىيا تىندا " اوچلە مە "
 آدىندا شىردە قالمىشىدىر. سونرا مىراغلار ھرىندە عىنى حرفلرلە باشلانىر
 مثلا بىرىنچى بىدە (ى) و ايكىنچى بىدە (ك) ايلە باشلايرلار. بودا، قافىە -
 نىن مىراغلارىن سونوندا كىل، باشىدا اولدوغونو گۆستەرىر. بوخوصىتلر
 اسكى تورك شىرىنە عا ئد دىر. ايدى بونوع سىن تكررار بنا " آلىتتراسيون " دىيىلىر
 بوخارىداكى شىردە عشق دويغوسو آلەي، دىيى دويغولار ايلە بىر آرادا سۇبلن-
 مىشىدىر. بعضى شىرلردە مىراغلار تكررار اوليور، بودا شىرىن موسيقى آھنگى-
 نى و تاثيرىنى قوتلىندىرمك اوچون دور.

وزن - شىر وزى ھردىلىن اۋزۈمە مخصوص موسيقى سىندىن و سى ھارمونى -
 سىندىن عملە گلن بىر آھنگ اولچوسو، و بىر شىر قالىبى دىر. عروس وزننى اناشدا
 سۇزلىرىن اوزون وقىصا ھجالى اولماقلارسا و اولارىن گروپلار ھالىندا عروس
 قالىپلارنى گىرمكلىرىنە باغلى دىر.

ھىا وزننى ھجالارىن صابى سىنا و اونلارنىن معىن شكىلدە بۇلونمەلرىنە
 تابع دىر و اسكى تورك شىرىنە، ھمدە خلق شىرىنە (اوزان - عاشىق) مخصومدور.

* بو مىراغلار ايكى دفعە اوخونور.

هجا وزنی صون عصرلرده کلاسیک شاعرلر طرفیندن ده ایشلنمیش ویغنی
شعریمیزده ان چوخ ایشله ن وزن اولموشدور .

تورک شعری باشلانقیدا سس باخمیندان عروضلا اویوشا جاق دورومدا
دگیلدی، چونکی اورتا آسیا تورکجه سینده اوزون هجا یوخایدی . اسکی تورک
دیلینده سؤزلرین هجالاری عمومیتله باغلی (قاپالی) ایدی و بیر-بیرینه
مساوی ویا یاخین ایدی . مثلاً بوگون "داماق" دغدیگیمیز کلمه : تام گاک،
قاپاق، قاپگاک ، قولاق، قول قاق، گونول و کون گول تلفظ ائدیلیردی .
بئله بیر دیلده شعروزی البته کی هجا وزنی، یعنی هجالارین صایی سینا
باغلی و لمالی ایدی . عرب و فارس دیل لرینده هجالار قیما ویا اوزون دور،
حتی بعضا چوخ قیما ویا چوخ اوزون اولایلر . بئله دیل لرده آهنگ ، هجالاری
صایما قلا دگیل ، اوزون و قیما هجالرین سسلرینه گوره ترتیب لنمیش قالیب-
لارلا تآمین ائدیلیلر . عروض وزنلری بئله سس قالیبلار یله ترتیب لنمشدیر .
اورتا آسیادا ، ایلک دورده یغددی - سگگیز هجالی شعرلر دئییلنمیش،
صونرالار داها چوخ اون ایکی هجالی معمول اولموش و میلادی ۱۲- نجی عصرده
ملی وزنی تشکیل ائتمیشدیر . آذربایجان و تورکیه ده بو وزن یئرینه ۱۱
هجالی وزن حاکم اولموشدور .

۸- ۱۰ - اینجی میلادی عصرلرده تورکجه نین آچیق و باغلی (قاپالی) اولاراق
ایکی جور هجاسی وارایدی . مثلاً: واریر یا گئدیر کلمه لرینده بیرینجی هجا
(وا) ، (گئ) آچیق ، و (ریر) ، (دیر) هجالاری باغلی دیر . باشقا سؤزله دئسک
سسلی حرفله بیتن هجا آچیق و سس سیز حرفله بیتن هجا باغلی هجا صایی لیردی .
اسکی دن شعر سازچالان شاعرلر طرفیندن دئییلیب ، سازلا بیرلیکده
اوخوندوغو اوچون شعرلرین آهنگی و موسیقی سی وارایدی . شاعرلر قوشدوغو
چشیتلی شعرلرینی (داستان، مرثیه ، طبیعت و عشق شعرلری) معین مراسملرده
سازچالاراق اوخوردولار و شعرلرین آهنگی هجالارین صایی سینا ، و آچیق -
باغلی لیغینا و دورا قلاما لارینا دایانیردی .

یغددی و سگگیز هجالی وزن لرده دورا قلاما (تقطیع) یا احتیاج یوخدور ،
بونونلا بئله تورک شعرینده چوخ دفعه بو وزن لرده ده دورا قلاما (۴ + ۴ ویا
۴+۳) واردیر . مثلاً "یوللوق تیگین" ین شعرینده دورا قلاما بئله دیر :

ییکیرمی کون + اولوروب

بوتاشقا بو + تامماکور

یوللوق تیگین + بیتیدیم .

اوزون وزنلرده دوراقلاما ضروری دیر. دوراقلاما هر دیله گؤره دگیشیر. مثلا فرانسیزلار ۱۲ هجالی وزنلرده دوراقلاملاری داها چوخ ۶+۶ شکلینده ائله مگی سئوه لر، حالبوکی تورک شعرینده بو ۴+۴+۴ شکلینده اولور، یعنی مصراع اوچ بؤلومه آیریلیر.

تورک شعرینده ۵ هجالی دان ۱۶ هجالی یا قده ر شعر قوشولموشدور. زمانلا شعرانکشاف ائده رک باشدا حوخ، و صیدا آزهجالی دوراقلاملار بو وزنلرده خصوصی آهنگ یاراتمیشدیر.

۱۱ هجالی وزن اول ده ۷+۴ دوراقلاملارلا بؤلونردی. اسلام دینی نی قبول ائده ندن صونرا عروضون ۱۱ هجالی وزنلرینین (فعول، فعلول، فعول، فعلول، فعلول) ویا (فاعلات، فاعلات، فاعل) وهائله (مفاعیل، مفاعیل، فعول) تأثیریه ۶+۵ و ۴+۴+۳ دوراقلاملارا بؤلونموشلو و سازشاعرلریمیز ده بووزنی قوشمالاریندا سئجمیشلرو ۱۱ هجالی یعنی وزن بیزیم شعر بیزیم ملی وزن اولموشدور. البته خلق شاعرلریمیز بو وزن دن باشقا اسکی تورک شعرینین وزنلری اولان بیئدی و سگگیزهجالی وزنلری ده شعرلرینده بول - بول ایسلتمیشلر.

تورک دیلینده ایلک دفعه ۱۱ هجالی عروض ورنییه، بوندا ن دو ققوزوز بوز ایل قاباق ترکستانلی (بالا ساغون) بوسف خاص حاجب شعر قوشموش و " فوتادقوبیلیگ" آدلی شعرکتاییسی بو وزله یا زمیشدیر. بووزن عیبی زماندا فردوسی نیس شهنا مه سیبب ده ورنی دیر، و تورک هجا وزنینه ان یاخین عروض ورنی دیر. بورادا نمونه اوچون فوتادقوبیلیگ دن بیرینده درج ائدیریک :

کؤنول کیمنی سئوسه کؤرور کؤزده اول

(کؤنول کیمی سئوسه، گؤزده او بو گؤره ر)

کؤزین قانچا باقسا او چار بیوزده اول

(کیشی گؤزیله هارا باحسا، اورادا او بون خیالی او حار)

کؤنول ده، نگو اثرسه آرزو تیلک

(کؤنولده آرزو - دبلکنه اولورسا)

آغیز آچسا بارچا تیلین سؤرده اول

آغیز آحاندا دلس سؤزوبده او واردیر)

بو وزن (فعول فعلول فعلول) بحر متفارب مقصور ورنی دیر، بو مصراع -

لاردا ن ایلک اکیسی بون وزین "نعله" لربه بؤلونونو بوشکلده اولار:

ف عو لون ف عو لون ف عو لون ف عو لون
 کؤ نول کیم نی سئو سه کؤ رور کؤز ده اول
 کؤ زین قان چا باک سا او چار یوز ده اول

بورادا (سئوسه) و (باقسا) کلمه لری نین صون هجالاری اوزونا و خونور ونتیجه ده شعر سئچیلن عروض وزنینه مطابق اولور .

بیزده عروضون قیصا هجالاری یئرینه تورکجه نین آچیق هجالاری و عروضون اوزون هجالاری یئرینه تورکجه نین باغلی (قپالی) هجالاری ایشله نیر، و یئرینه گؤره آچیق هجادا یوخا ریداکی شعرده اولدوغو کیمی اوزون و خونور . زمانلا تورک شعر لری عروض قاعده لرینه داها چوخا ویموش و تورک عروضی میدانا چیخمیشدیر . مثلا سس سیز حرفله بیتن بیر کلمه دن صونرا سسلی حرفله باشلایان بیر کلمه گلیرسه بیرینجی کلمه نین صون حرفی ، ایکینجی کلمه نین ایلک حرفیله بیرله شیر ونتیجه ده بیرینجی کلمه نین صون هجاسی آچیق ، یعنی قیصا اولور و بو دا عروضون قیصا و اوزون هجالارینا گؤره ترتیب لیمه سینی آسانلاشدیرار . بو حادثه یه وصل (*Bevises*) دئییلیر . لازم اولاندا شعرده اوندان استفاده اولونور . عروضدا ، بیر هجانی داها اوزون اوخوماغا اماله ، یا اوزاتما دئییلیر . اگر باغلی و اوزون هجادا اوزون اوخومورسا مدلی اماله (اماله) دئییلیر . هجانی قیصیب داها قیصا اوخوماغا دا "زحاف" دئییلیر .

شعرشکیللری : تورک شعرینین اسکی شکلی دؤردلوک دور . منظومه لر دؤردلوک لر مجموعه سی دیر لر . اسکی تورک شعرینده شعر واحدی دؤردلوک دئی اسلامیت دن صونرا عرب ادبیاتی تأثیر یله تورک و فارس شعرینده ده شعر واحدی بیت اولدی .

بو دؤردلوکلر (بند) ده قافیه ترتیبی بئله اولموشدور :

بیرینجی بندده بیرینجی و اوچونجو مصراعلاردا قافیه آزاد دیر . ایکینجی و دؤردونجو مصراعلار بیر-بیرلریله قافیه لی دیر . او بیرینجی بندلرین هامیسیندا ایلک اوچ مصراع اؤز آرا لاریندا قافیه لی دیر ، دؤردونجو مصراع ایلک بندین ایکینجی-دؤردونجو مصراعلاریله هم قافیه دیر .

اسلامی تورک ادبیاتیندا شعرشکیللری انکشاف ائتمیش و قصیده ، غزل ، مثنوی و رباعی شکل لری یا یقین شکیلده اورتایا چیخمیشدیر . قصیده و غزل عرب شعریندن ، مثنوی و رباعی ایران (فارس) ادبیاتیندان آلینمیشدیر . بیرده طویوق و تصنیف واردیرکی ، بونلاردا خلق شعریندن واسکی تورک

شعرشکلیندن الهام آلیناراق کلاسیک شعرده ایشلنمیشدیر .

قافیه : قافیه مصراعلارین صونوندا بیرحرف ویا هجانین تکراریندان عبارتدیر . اگر بوتون کلمه تکرار اولورسا "ردیف" ، و اگر یالنیز صون حرف عینی اولوب اوندان قاباقکی سسلی حرف آیری اولورسا "یاریم قافیه" (میش و موش - قوش و گوموش کیمی) دئییلر . اگر مصراعلاردا سس تکراری (صامت لر) اولورسا آلپیتراسیون دئییلر .

دده قورقود دا آلپیتراسیون نمونه لری چوخ دور مثلا :

قارشی یاتان قارلی داغلار قاریوبدور اوتی بیتمز

قانلی- قانلی ایرماقلار (چایلار) قاریوبدور صوی کلمز .

شعرده قافیه ایشلمک داها چوخ تورک وپهلوی دیل لرینده عادت اولموشدور .

اروپا دیل لرینده واسکی عرب شعرینده قافیه یوخ کیمی دیر . ردیف ده بیلمیشدیر .

تورک شعرینده اسکی دن بری قافیه ، یاریم قافیه ، ردیف ، جناسلی قافیه ، ایچ

قافیه و آلپیتراسیون چوخ ایشلنمیش و قافیه شعرده حاکم بیر عنصر کیمی اولموشدور .

شعرده قافیه نین وظیفه سی ، موسیقی بسته لرینده کی قوتلی نغمه لرین صیخ -

صیخ تکراری کیمی ، تما میله موزیکال بیر سس تکراری دیر .

نتیجه : اسکی تورک شعرینده وزن ، هجا وزنی و یعددی ، سگنیز و بالاخره ۱۲

هجاللی اولموش ، عروض وزنی آنجاق اسلام دینی تورکلر آراسیندا یاییلانندان

صونرا عرب و فارس شعر و ادبیاتی تأثیر یله تورک شعرینه گیرمیش و گئت -

گنده انکشاف ائده رک بو گونکو تورک عروضونو میدانا کتیرمیشدیر .

تورک شعرینین اسکی شکلی دؤردلوک دور . بعضا ده اوچ مصراعلی شعر لر

سؤیلنمیش و شعر منظمه لری بو دؤردلوکلرین ویا اوچلوکلرین مجموعه -

سیندن یارانمیشدیر . قافیه قدیم تورک شعرینده چوخ دفعه باشدا ، و صونرا -

لاری مصراع صونوندا گلیمیش و هر زمان حاکم بیر عنصر کیمی تورک شعرینه

اؤزونه مخصوص آهنگ و اثرمیشدیر .

۱ - A.V. Le Cag. *Turkisch manichaica aus chatscho*, 11.

PAWA. 1919. *phil., hist. Ké, NY, 3*

۲- تانری ، بیغمبر ، شامان ، دیندار

۳- پروفسورد کتر رشید رحمتی آرات . تورک یوردو مجموعه سی . شوبات ۱۹۶۰

آذربایجان شعر و ادبیاتی ایله تانیش اولاق

آذربایجان فولکلوروندا عروض وزنی

* ۳ *

بعضی لر بئله دوشونور کی، آذربایجان فولکلورونون کؤکو، تاریخین درین لیک لرینه چاتدیغینا گؤره بو فولکلورلر یالنیز هجا اصولو ایله یازیلیب و یا سؤیلنمیش دیر. لکن بوگونکی آراییشلار گؤسته ریرکی تاریخ اعماقیندان سو ایچمیش و دونیادا نظیرسیزویا نظیری آزا اولان فولکلور- لاریمیز عروض وزنینده سؤیله نیب ویازی یا آلینمیش دیر .

بیلیرم فولکلوردان دانیشاندا هامی نین ذهنینده بایاتی جانلانیر . بلی، بایاتی بیزیم ان اسکی عصرلردن سینهلرده یاشامیش، آغیزدان - آغیزا کئچیب آموزونو بیزه یئتیرن ، بابالاریمیزین اورهک چیرپینتیلاری دیر . صورو شورسوز بایاتی عروض وزنینده اولابیلر می؟ دئییرم البته بایاتی: " دؤردلوک مقصور 'محتث" یعنی (مفاعن فاعلات) بحرینده گیره ر بونا اؤرنک اولاراق آشاغیدا نئچه بایاتی اوخویوروق :

عزیزیم سن ترکیز در	*	بنفشه در ، نرگیز در
ارسه میش مایا گوردوم	*	دالدا سیندا نر گز در
عزیزیم قار قالاندی	*	قار یاغدی قار قالاندی
قارقالار لاجین اولدو	*	لاچین لار قارقالاندی
سو گلر آخار گئدر	*	وریانی بیخار گئدر
بو دنیا بیر باجا در	*	هر گلن باخار گئدر

ایسته رسیز تقطیع ده ائله ییم؟ من بو مقاله ده تقطیع ائله میه جگم چونکی قابا قکی مقاله میزی یاغشی اوخوموش اولساز بونلاری آموزوز تقطیع ائده بیلر سیز . بو مقاله میز کئچن مقاله ایچین سورو (مسئله و تمرین) حساب اولور . و بیزده بوندان صورنا فولکلوردان دانیشاندا یالنیز بار- ماغینیزی سایما یا جاقسیز کی، گؤروم نئچه هجالی دیر، بلکه اونو عروض بحرلریله ده توتوشدورا بیلر سینیز .

بیزیم فولکلور منبع لریندن بیری ده عاشیق لاریمیز دیر، عاشیق لار - یمیز دیلیمیزی و سؤزوموزو ساخلاماقدان باشقا، شعرلرین مختلف صنعت لر ینده طبع لرینی سینا میشلار و اؤز ماهنی لاریندا گؤزه ل تجنیس لر، جیفالی

شعرلر، قوشا یارپا قلار، گۆزه للمه لر... یا را تمیشلار. دئمک اولار کی، بونلا- رین تقریبا حوخونو عروض وزنبنده دئمیشر. بو عاشیقلا ماهر موسیقی حی اولدوقلاری حالدا قدرتلی شاعر دیرلر، باخین بولار دوزلتدیگی تجنیس لرین تایینی هر سر شاعر دوزه لده بیلمز. بورادا عاشیق علمسکرین گۆزه للمه لر نیین بیرینی کی، " آلتیلیق مطوی موقوف سریع " بحرینده یعی (مفتعلن مفتعلن فاعلان) وزنبنده دئیب دیر اوخویوروق :

آی نازنین، آی قاغمن آلتیندان * نه گویحک چکیلیب قارا قاشلارین
گۆزلرین سوزولدو، حانیم اوزولدو * ووردو اوره گیمه یارا قاشلارین
گۆزلرین گۆره نین حانینی آلیر * حسرتینی چکن واخسیز قوجالی-
سرداری، سلطانی تختیندن سالیر * برهم وورور او روزگارا قاشلارین
گۆزوم قالدی هلال قاشین طاغیندا * محنون اولدوم، قالدیم لیلی داغیندا
یازیق علمسکری قوجا حاغیندا * ظلمیله چکدیریر دارا قاشلارین

بودا عاشیق علمسکرین اوستاسی "عاشیق عالی" دان همین بحرده بیرتجنیس :

صراف گۆزو سئیر ائیلییه زبانی * نادان اصلا بیلمز آی بئله سی نه؟
حمالبن شوقوندا ن آی- گون خوفاندر * گونش بئله سینه، آی بئله سینه
سن ایحیده اوخوموشام آغا، لام * نار صدرینه مقابلدی آغ آلام
احدیله قوللوغوندا (ت) فالام * قول اولام ایلینن آی بئله سینه
عاشیق "عالی" جیخ گلشنه نرگیزدر * صراف مایا آغوشوندا نرگیز در
اولماز تایی زلیخالار، نرگیزدر * اصلا یوخ کیمسه ده آی بئله سینه
عاشیق لاریمیز باشقا بحرلرده ده ماهنی اوخوموشلار کی، عاشیق عالی
دان گۆزه ل بیر تجنیس "دوردلوک سالم رحز" بحری (مستفعلن مستفعلن)
وزبنده اوخویوروق :

سئیرانگاهدا جوت گۆزه لیین * حئیران اولدوم بیریسینه
درد منده دیر درمان اوندا * بیر لبدیر، بیر سیینه
صوردوم آدین گولخوار اولدو * گول دره نده گول خوار اولدو
بیری دئدی گول خار اولدو * بیلیم دئدی بیرسی نه؟
زیبا گۆردوم قوجاغب-نی * آتسین دئیین قوج آغی-نی
ظالم آحماز قوجاغب-نی * عالی سینه، بیر ایسینه
عاشیق علمسکردن ده بو بحرده گۆزه ل بیر ماهنی اوخویوروق :
قدم قویوب آستا- آستا * سن بو دیارا خوش گل-دین

سوزدوروب آلا گۆزلـــــــری * قاشلاری قارا خوش گلــــــدین
 اوغرون دوروب قییا باخدین * مژگانین سینمه چاخذین
 جسمیمی یاندیریب یاخدین * سالیبان نارا خوش گلــــــدین
 سینم دی عشقین دفتـــــــری * سنسن دیلیمین ازبــــری
 یازیق عاشیق علـــــــسکری * چکهگه دارا خوش گلــــــدین

عاشیق علسکر تانیدیغی گۆزه ل بیر قیزی، سئومه دیگی بیر کیشی له
 اولندیگینی گؤروب آخی بیر و بو شعرى کی: " آلتیلیق محذوف هزج)
 بحرینده (و مفاعیلن مفاعیلن فعولن) وزنینه دیر اونون حقیقــــــنده
 اوخویور :

او غملى كۆنلونو مشكل حالینی * دوشون ده یازیق، بیلنده یازیق
 آغلاسان آغلارام من سندن بتر * داغلا دین سینمه می گولنده یازیق
 بیرمردی سئوه دیدین سرداش اولایدین * کۆنلون ایسته یینه پیشکش اولایدین
 یادا قورویا دیدین بیردش اولایدین * بزه نیب بواثوه گلنده یازیق
 علسکر دورارمی متاع ساتماسا * ایگیت سارسیلارمی بختی یا تماسا
 ایکی کۆنول بیر- بیرینی توتماسا * آلان دایازیق دی، گلن ده یازیق

گئدهک بیرآز قدیم لره، گئدهک دده قورقود چاغینا ، خلق ائله دوشونور
 کی هرشئیین آدینی دده قورقود قویوب دیر، اونا گۆره دده قورقودون
 قویدوغو بعضی آدلاری بگن میرلر و اونا اعتراض ائدیرلر، بو اعتراض
 دؤرد مصراع ده : " سکزلیک مطوی منسرح " بحرینده (مفتعلن فاعلات
 مفتعلن فاع) وزنینه افاده ائدیرلر :

ابگنه یه تبکن دئمه دی او دده قورقود

تیکانا سؤکن دئمه دی او دده قورقود

کلنه آبران دئمه دی او دده قورقود

آیرانا دویران دئمه دی او دده قورقود

بیر سیرا فولکلورلرده واردیر شاید تاریخی دده قورقودان دا
 قاباغا کئچیر، بو فولکلورلر جیلخا تورکی دیر. یاد بیرکلمه ایچینده
 یوخدور و یا اولسادا بیر- ایکی کلمه دن آرتیق دگیل .

بو خصیصه بو فولکلورلرین قابناغی ان قدیم زمانلاردا اولدوغونو
 گؤسته ریر. تعجب لی بوراسیدیر کی، بونلاردا عروض وزنینه او بوندورلار .
 بو فولکلوردان بیرینی کی، آذربایحانین صویوق و شاختالی قیشیندا

خلقین سارسیلیب و اورهک داریخماسینی افاده ائدیر :
 " دوردلوک منظوی منسرح " بحرینده یعنی (مفتعلن فاعلان)وزنینه

دیر آشاغیدا اوخویوروق :

داغدان آلما داشیدیم	*	اوشودوم آ اوشودوم
منی یولا سالدیلار	*	آلماجیغیمی آلدیلار
درین قویو قازازام	*	من بو یولدان بئزهرم
بئشی ده ارکک کئسچی	*	درین قویو بئش کئچی
قنبر یانیندا اوینار	*	ارکک قازاندا قاینار
قارغی باتدی بودونسا	*	قنبر گشتدی اودونسا
بئش بازماغیم گوموش دیر	*	قارغی دگیل قمیش دیر
تات منه داری وئردی	*	گوموشو وئردیم تاتا
قوش منه قانات وئردی	*	دارینی سپدیم قوشا
تات قاپی سین آچماغا	*	قانا تاندیم اوچماغا
	*	تات قاپی سی کلیدلی
دهوه شیروان یولوندا	*	کلید دهوه بوینوندا
قومساللیق دا یول ساللیق	*	شیروان یولو قومساللیق
گوزهل یازا یئئتیرریک	*	آجسی قیشی کئچیرریک

قاییداق اوز زامانیمیزا ، بو عصرده ائله شاعرلریمیز وارکی، اوز
 شعرینی فولکلوریک شعرلر سکینده و هجا اصولوندا یازیرلار. لکن بوشعر
 لرین بیر پاراسی نهایت منسجم و آهنگدار اولوب عروض وزنینه ده او یغو-
 ندورلار . بونون کیمی دیرکی بیر نفر دانیشیر، سوزلری کسیک و قیریق -
 قیریق دیر ائشیدنی یورور، بو آدام مناسب کلمه لر انتخاب ائدی بیئری
 گلدیکده دایانیب و لازم اولدوقدا سرعتله کئچیب دانیشیغینی نظم-
 سالسا سوزو آهنگ تاپیر، دینله یین ده اونون صحبتیندن لذت آپاریر، بو
 نظم و آهنگ آرتیب کمال ذیروه سینه چاتیرسا، موسیقی دوزه لیر .
 شعر ده بئله دیر، بیر آزاد شعر مرتب و منظم اولدوقجا هجا شعرینه
 و بیر هجا شعری منسجم و آهنگدار اولدوقجا عروض شعرینه یاخینلاشییر .
 ائله کی بو انسجام و آهنگدارلیق کمال حدینه چاتیر عروض شعری اولور (*)
 بو قبیل شعرلردن استاد شهریارین " حیدر بابا " منظومه سینی مثال
 کتیرمک اولار، بومنظومه هجا اصولوندا نظیرسیز بیر شعر دیر، ۱۱ هجالی
 و (۴ - ۴ - ۳) بؤلومدن عبارت دیر .

بو خصیصه بوتون منظومه ده دقتله مراعات اولوب دیر. بوشعر غایت
درجه ده منسجم و آهنگدار دیر. اونا گوره عروض شعرینه چئوریلیب،
" التیلیق مطوی سریع مکشوف " بحر (مفتعلن مفتعلن فاعلن)
وزنینه دیر.

نمونه اوچون بو منظومه دن اوچ بندینی مقاله میزین صونونا زینت
قرار وئریریک :

حیدر بابا گون دالووی داغلا سین
اوزون گولسون بولاقلارین آغلا سین
گوزه ل لرین بیردسته گول باغلا سین

یئل کلنده وئر کتیرسین بویانا
بلکه منیم یاتمیش بختیم اویانا

من سنین تک داغا سالدیم نفسی
سن ده قایتار گؤگ لره سال بوسی
بایقوشون دا دار اولماسین قفسی

بوردا بیر شیر داردا قالیب باغیریر
مروت سیز انسانلاری چاغیریر

"حیدر بابا" سنین کونلون شاد اولسون
دوینیا وارکن آغزین دولو داد اولسون
سندن کئچن تانیش اولسون یاد اولسون

دئینه منیم شاعر اوغلوم " شهریار"
بیر عمر دیر غم اوستونه غم قالار

* صون *

(* شعرده آهنگ و انسجام وزن عروض و یا هجائی اولماغینا تابع
دگیلدیر. هجا وزنیه قوشولان بیر چوخ تورکی شعرلرینده ده عروض شعری
قدهر آهنگ و انسجام واردیر. بوتون نمونه لری خلق شعریمیزده چوخدور.
تورک دیلینده شعر اولجه هجا وزنیه قوشولوب یالنیز اسلامدان صونرا
عروض وزنی ده ایشلنمگه باشلامیشدیر. " اسکی تورک شعرینده وزن، شکل
و قافیة " ادلی مقاله میزده (صفحه ۴۹) بوباره ده داها چوخ ایضاحات
وئرلمیشدیر. " وارلیق "

کهله یه سلام

(کهله یه سلام) آدلی منظومه آقای پروفیسور غلامحسین بیگدلی طرفیندن قوشولموش فولکلوریک بیر اثر دیر. آقای پروفیسور بیگدلی مجله میزین دائمی و بیلگیلی یازیچیلاریندان دیرو اوخوجولاریمیز طرفیندن ده تانینمیش و تقدیر ائدیلمیش بیر شخصیت در. او، گنج کن شاه رژیمه قارشی آپاردیغی قیزغین مبارزه نین نتیجه سینده ۳۴ ایل ایسته میهرک آنا یوردوندان اوزاق دوشموش و بومدت ظرفنده حیاتین دولامبا - چلی یوللاریندان کئچیب ایلر بویو سیخینتلی و اضطرابلی گونلر کئچیرمیش و گینه ده تحصیلنه دوام ائدیپ و نهایت ادبیات تاریخی استادی اولموشدور. ایراندا انقلاب اسلامی سایه سینده اسکی رژیم ییغیلدیکدان صورنا عائله سیله بیرلیکده وطنه دوشموش و ایلك فرصته آنا یوردو اولان کهله یه گئدیپ اورادا بوراخیغی اسکی قوم قبیله سی ایله گؤروشوش و ۳۴ ایلیک نسکیلرینی کهله یه سلام منظومه سیله دیله کتیرمیشدیر. بو گؤزه ل و زنگین ادبی منظومه دن بعضی پارچالاری مجله میزده درج ائتمکی اوخوجولاریمیزا نسکیل ائله دیک بو منظومه سیزلره شهریارین حیدر با سینی دا خاطرلادا جاقدیر. " وارلیق "

غلامحسین بیگدلی

* کهله یه سلام *

شهریارلا * تهراندان یولا دوشدوک
ایکیندی آیدی بیز قیدارا یئتیشدیک
اوردا دوشوب دینجلدیک، یئدیک، ایچدیک

بیز قیدار دا خسرو خانلا گؤروشدوک
یوز یاشیندا قوجایلا برک ائپوشدوک
قیدار شرقین اشراق علمی یوردودور
انفس ایله آفاق علمی یوردودور
سهروردی مشتاق علمی یوردودور
قیدار سهرورده یان - یانا دوروب
شیخ اشراق دا سهرورده دوغولوب

(* شهریار بیگدلی منیم کیچیک قارداشیم .

قولاغ آسین شیخ اشراقین سغوزونه
هره بیر پای قوی گگورتورسون اغوزونه
بوندان صونرا ، سورسون یولون دوزونه

اینجی دن ده باهالی دیر سغوزلری
اغوزو گگندیب ، قالالی دیر سغوزلری

شیخ اشراقین یازدیغی یگانه رباعی بئله دیر :
هان تاسررشتهء خرد گم نکنسی * خودرا زبرای نیک وید گم نکنسی
رهرو توئی وراه توئی، منزل تو * هشدار که ، راه خود بخود گم نکنسی
شعرین آنا دیلیمیزه بیزیم طرفده ن ترجمه سی :

" حالیش عقل اییی نین اوجون ایتیرمه
یاخشی بیس دن اغوترو اغوزون ایتیرمه "
" یول سن ، یولچو سن ، منزل ده سن سن

یولونو آزدیرما ، اغوزون ایتیرمه "
دغونوب گلهک بیز قیدارین اغوزونه
کج اوتوروب ، دوم- دوز باخاق گگوزونه
قولاغ آساق خسرو خانین سغوزونه

او دا بیرواغت جوانمیش ، گنج ایمیش
دوغرودان دا خزینه ایمیش ، گنج ایمیش
بیلسن بیزه نه لر ، نه لر دئدی او
آجی - شیرین خاطره لر دئدی او
گاه آغلایار ، گاه دا گولر دئدی او

شعوه کیمی ایشیلدیردی ، گغوزلری
عبرت درسی اغگره دیردی سغوزلری
اوردان دوردوق ، گگتدیک ، چا تدیق کهله یه
سوردوک بیر باش بیزیم قالا محله یه
سلام وئردیک ، اکینچی یه ، فهله یه

کهله ، گگزه ل کهله ، قوجا مان کهله
تاریخ بویو ، ایگید ، قهرمان کهله
آتا- بابا یوردو بوتون بوش اییدی
اوجاقلار کور ، چراغلار سونموش اییدی
هر دیوار اوستونده بیر بايقوش اییدی

گوردوم نئجه بی وفا مییش بو دئوران

قورولان بیخیلیب ، محو اولوب قوران

آقا اولوب ، قالا قالیب باشینا

توز قونوبدور تورپاغینا داشینا

خیال یئتیشمزدی ، اونون باشینا

قهرمانلار یولا سالدین آی قالا!

ایندی باخ نه گونه قالدین آی قالا؟

آقا یوخ ، قالادا کیمسه یوخ اییدی

بوردا بیر واخت یوزدن آدام چوخ اییدی

انسانلارین کونلو - گوزو توخ اییدی

ایندی بوردا نه بیرتوخ وار ، نه بیر آج

بایقوشلار اولموشلار قالایا لیلاج

خان سارایی گورنه گونه قالیبیدی

فلک اونو گورنه حالاسالیبیدی

اصلانلار یئرینی تولکوآلیبیدی

قارقیش سنه ای وفاسیز روزگار

گوزلریمدن یاش یئرینه قان یاغار

کهله سن - سن آتا - بابا اوجاقیم

یوردوم ، یووام ، مسکنیم ، ائل دایاغیم

کوشونیم ، گلشنیم ، چمنیم ، باغیم

گوزهل کهله ، گویچک کهله ، جان کهله

شرف کهله ، شوکت کهله ، شان کهله

نه گوزهل دیر کوللوگون ده ، کولون ده

چمنین ده ، چیچکین ده ، گولون ده

چایلارین دا ، کهریزین ده ، گولون ده

کهله منیم اوشاقلیق بئشیکیم سن

اوولانیم سن ، ائویم سن ، ائشیکیم سن

اجدادیمین دوغما اوجاقتی کهله

جولانکاهی ، یایلاق ، قیشلاقی کهله

یورد - یوواسی ، مسکن ، اولاقتی کهله

کهله منیم اولوسومسان ائلیم سن

اوشاقلیقدا آجان شیرین دلیم سن

سن - سن منیم خاطرہ لر بشیگیم
قرارگاہیم ، یوردوم ، یووام ، ائشیگیم
کیم چکیببیر ، سندن باشقا کشیگیم

طویوم سنده ، یاسیم سنده ، اولوبدور
سوموگ ایلیک ، دامار قانلا دولوبدور

مقدس دیر قایان ، داشین تورپاغین
صفالی دیر ، آرخین ، چمنین ، باغین
مرجان دیر قوملارین ، اینجی دیر داغین

قارتال لار یوواسی ، مردلر قالاسی
گول چیچک خرمنی ، غنچه تارلاسی

کهله گلدیم سنه سلام وئرمگه
باغچاندان گول دریب ، چیلنگ هورمگه
یونجالین ، باغ - باغچانی گزمگه

آلایش سنه گوزهل کهله ، خان کهله
آنا یوردوم جان سنه قریبان کهله

گلدیم بیرده قوجاغیندا دینجهلم
گوزهل لشم ، ظریف لشم ، اینجهلم
بیر گوروشم ، بیر اؤپوشم ، بیر گولم

قووم قارداشدا کیمسه نی تاپمادیم
من بو طبیعی آرزوم چا تمادیم

سید عل اوسط* گیلده منزل سالدیق
بیر نچه گون اونون ائوینده قالدیق
گنجه - گوندوز درین خیالا دالدیق

او منیمله اوشاقلیق یولداش اییدی
یولداش نه دیر ، ائله بیل قارداش اییدی

زامان اونون قاش باشین دا آغار دیب
دیشین تۆکوب ، رنگ و روضون آغار دیب
آق گونونو نامرد دونیا قارالدیب

آنجا ق سیماسیندا بیویوک بیر وقار
اوز - گوزوندن گول توکولور ، نور یاغار

(* حاجی سیدعلی اوسط مرحوم آقا سیدحسنین اوغلو کهله نین معتبر سیدلر -
بندن و نفوذلو شخصیت لر بندن بیرسی .

های دوشدو کی، غلامحسین گلیبیدی
فرهاد کیمی فراق داغین دلیدی
کهله کندین یئسه کعبه بیلیدی

کلیب گورسون ائل - اوبادان کیم قالیب

کیم قوجالیب، کیم صولوب، کیم سارالیب

قوجا، جوان، آرواد، اوشاق گلدیلر

آغلادیلار، سئویندیلر، گول—دولر

هجران توزون کونول لردن سیلدیلر

شکر اولسون کی، کلیب بیرده گوروشدوک

وصال شربتینی بیرلیکده ایچدیک

کلن کلدی حرارت لسه گوروشدو

باشیمدان گئچندن صوردو، صوروشدو

عمور ده کی، ائله بیل اوچار قوشدو

اوتوز دورد ایل * ترک ائتمیشدیم کهله نی

اوزاغا قاچمیشدی عمور کهله نی**

من یولومو نئجه آزدیم دانیشدیم

بو دونیانی نئجه گزدیم دانیشدیم

حیاتیمدان نئجه بئزدیم دانیشدیم

دونیایا منه دار قفس اییدی دوزدر

قویون دئییم من سیزه دوغرو سئوزو

اوزون ایللر من هارا، سیبیر هارا؟

زندان هارا، من هارا، معدن هارا؟

کالما*** هارا، چووقون هارا، چن هارا؟

لاپ گناهسیز زندانلارا دوشدوم من

عزرائیل لا مین دفعه گوروشدوم من

آردی وار

(* من دوز اوتوز اوچ ایل اضطراری مهاجرتدن صونرا عزیز وطنیم ایرانا

قایتدیم و بیر ایل ده ایراندا اولدوقداندان صونرا کهله یه گئتدیم .

(**) کهلن = آت

(***) کالما = اوزاق شرقده، قطب شمالدا یئرله شن ابدی بوزلار و ۷۳ درجه
صوبوق ایله مشهور اولان یاریم آدا . من یعددی ایل اورادا زندانی اولدوم

* دنیائی نئیلیرم *

سونبول سا چونلا سونبول بوستانی نئیلیرم
 گول تک جمالین ایله گلستانی نئیلیرم
 عشق اولکھ سینده جنت مأوانی تاپمیشام
 ناصح بوراخ منی داها رضوانی نئیلیرم
 وار بیر گوزهل یاریم کی، مسیحا یه جان وثره ر
 من بو گوزهل یار ایله مسیحانی نئیلیرم
 آب حیاتی وی منه ای خضر وثرمه گشت
 لعل لبیلله چشمه حیوانی نئیلیرم
 عاقل دئیرر منه سروسامان گشدیم تاپیم
 من عاشقم اوغول سروسامانی نئیلیرم
 عشقین منه کرامت ائدیب گوزیاشین گوزهل
 بو گوهر ایله گوهر غلطسانی نئیلیرم
 ویرانه کونلومه دولوب عشقین خزینه سی
 عشق اولماسا بو گوشه ویرانی نئیلیرم
 عشقین اگر نصیب اولادونیا منیم کی دیر
 دونیاده عشقین اولماسا دونیانی نئیلیرم
 اوخ کیپرریگین دئدی توکره م عاشقین قانین
 توک قانیمی اسیرگمه من قانی نئیلیرم
 جانان یئرین آلوی کونوللرده تاپمیشام
 دئیری، کنشتی، کعبه، کلیسانی نئیلیرم
 فقرین غناسی گور نه منی محتشم ائدیب
 بو حشمتیله ملک سلیمانی نئیلیرم
 شیطان گره کسه "حامد" ی یولدان چیخارتماغا
 یولدان چیخارتمیسان منی شیطانی نئیلیرم



اوستا دېمېن بوغازى نېن جراحلىق عملېندن
صونرا ، تىلفن دا حالېنى سۇرۇشاركن

*** اۇغول دئمەلى! ***

سسمەس وئردى توتقون سى اىلى * سىكى يوخ ، نىسلە منلن دايشدى
ئىحە دويمما يايديم او نفسى من ؟ * او نفس قىرخ ايلدير منە تانىشردى
يارادان ، هر زادى الوان ياراتدى * هامى آرزولارى ، هوسلىرى ده
باھارلا باشلانې قىشلا قورتاران - * ايللرە اوخشاتدى نفسلىرى ده
نفس وار ، "مېشوو" ون بوزلاغى كىمى * كدرلندىرە نمز سويوق آينانى (۱)
نفس وار گونشېن او جاعى كىمى * نور ساچې قىزدىرار بىزىم دنىانى
حىانېن يوللارى داش - چانقىلدىسا * محنت كاروانى هر يولدان كئچر
نفس وار ترپتمز گول يارپاغىنى * نفس وار يوز آغاج مفتولدان كئچر
گوشى دا (۲) سىلەنن ھىرتىنى من * ساندىمكى عطلى ياز نفسى دىر
اوجا داغلار آشېمى دىندىرن * اوزاق بىر سئوگى نېن ياخىن سى دىز
سۇزونو فورتاردى ، ائلە يىلدىمكى ، * گوشىنى الېدن آدى او زگەسى
آخدى قولاغىما بىر نغمە كىمى * اركوئون بالاسى "طە" نېن سسى
او ، دىمك اىستەدى تانىشا ، يادا * بوسس بىر آن مئلە كىلېمە مەلى!
بىرىنجى مصراعدا آتا سوسسادا * اىكىنجى مصرانى اوغول دئمەلى!
قارداشېم بالاسى ، سنى مېن ياشا * سى كىمى اوغولا قوربان دئىەرلر
آصلانېن بالاسى كۇرپە اولسادا * گئەدە آدىنا آصلان دئىەرلر
بىز سفرا وستە يىق ، من دە ، بابادا * ساچلارا الە نىب قوجالىق قارى
بابانىس چراغى سۇنن دكىلدىر * چالىشا او چراغى سى ياندىر بارى
فكرلر ، دوىغولار آىرى اولسادا * بىر اوستادىمىز وار ، تارىخ دىر آدى
بابالار يولونا خورباخان كىمە * عمرونو بېرە سىز ، اىزسىز ياشادى

شېرىور - ۱۳۶۲

۱ - مېشوو = تېرىزىن قارىلى داغى نىس آدى ۲ - گوشى = تلفونون دستگى

=====
 باھار بايرامى پويئماسيندان بىر پارچا
 =====

(۴)

- ۱ * يۇردۇموزۇن گۈزەللىگى
 * ياد گۈزلىرى قاماشدىرىپ
 * نانكۇرلارى ساواشدىرىپ
- ۲ * اينىدى آرتىق ھەر جىچەكەن
 * سانكى اۈلكەم گىبىدىر آل
 * بۇ ايلك باھار، اۈ صۇن باھار
- ۳ * اۈيلە جىچەكلەنىپ وطن
 * مانى دگىل بۇ گۈل جەن
 * قىزىل گۈلۈ سانكى قاندىر
 * مانى لرى يارادان دىر
- ۴ * دۇغما ائلدىن مۇھەممۇش
 * دوزۇملۇيىك بىز دۇنمەرىك
 * قىزارمىش شفق ، دانىمىش
 * داماردا تا وار قانىمىش
- ۵ * گۈرەرسن ھەر جىن ايشىدە
 * حاسات^(۱) قىلىپ جىن لرى
 * قىزغىن اۈلۈب، جان اتمىش
 * اۈلمز اثر ياراتمىش
- ۶ * ھەر مىللىتى تۇتارنىقسا
 * دۇنمىز اۈلۈب يۇلۇمۇزدان
 * اۈزۈمۈزۈ اتارىق بىز
 * بۇكىلرە چاتارىق بىز
- ۷ * ائلىمى سان بىر گۈنشىدەر
 * بىز ايلە شىرق ايشىقلانىپ
 * شاعىلارنى ساچاق - ساچاق
 * بىر نەجەسىندىن سۇز اچاق
- ۸ * " شمس " ايلە " فارابى " مى گۈر
 * ھەر ھانسى بىر يگانە دۇر
 * " سائب " و " قىرانىمە " باخ
 * " نظامى " يە سن اۈل قۇناق
- ۹ * سىغىرائلە ياخشى سىنج^(۲) سال
 * سىلرى دۇنيا دۇلۇسۇ
 * شىرايلە سۇز سىل سىل
 * گۈر ائلىم اىجرە بۇش بىرىن
- ۱۰ * قالىخ سۇز ايلە سەدە گۈر
 * دۇنيانى حىيران ائىلەين
 * اۈلدۈز ائىب فلک^۳ يارىر
 * " مولوى " مرشەد ائختارىر

- ۱۱ * تۆرك دۆ بۇلار ، تۆرك لۆكۆنۆن
 * قۇلتوغا بىر قرآن ووروب
 * ئىبوتۇ چۆن كئىدىم ھلرا؟
 * ھىي آند ايجىم ائللر آرا؟؟
- ۱۲ * بىزىم بۇيوك باشلاريمىز
 * ائلدن ايراق يولدا كئدىب
 * ھر ھانسى بىر شئيله اويۇب
 * ائلين قارا يئردە قويۇب
- ۱۳ * بۇنلارنى بىر سئجنىمىرم
 * آتالاردان قالمما بئله
 * فاجىر (۴) مئى؟؟. افتخاردىلار
 * ائل آغزىنىدا مثل دە وار
- ۱۴ * ائودە گرەك (۵) اولان چراغ
 * اغز ائلىنى آتان كىشى
 * مسجده دە حرام اولۇب
 * خائن اولماسا ، خام اولۇب
- ۱۵ * دۇيغۇم (۶) ايجىمدە اينلەيىر
 * اۇيما آيئل اغزگەلرە
 * دئىير دۆشۆن گۆر نە سس دىير
 * آلداندىغىن داھا بس دىير
- ۱۶ * سنىن ائلين فقير ايسە
 * ظامارزى بىر اوشاق كىمى
 * چالئش اونۇ غنى ائله
 * تىكمە گۆزۆن ھر بىر الە
- ۱۷ * اغزۆن قازان ، اغزۆن يارات
 * طفىلى لىك باشىندان آت
 * اى انسان اوغلو اول اغزۆن
 * بسدى داھا بىر آچ گۆزۆن
- ۱۸ * اغرە نىشىكىلى ، اولموشۇق
 * بۇ گۆندە بىر دورۇمدايئق
 * اولانىئىرئق ھىر اووسونا (۷)
 * گرەك دى صۇن قۇياق بۇنا
- ۱۹ * بۇيىلە دورۇم اغلۆم - دىرىم
 * اگر بۇ گۆن آيئلما ساق
 * آنلاشئىلئىب دئر ائىلل آرا
 * آيئلمارئق بىردە صۇرا

(۱) حاسات = آسان . ۲ . سىنج = دقت . ۳ . فلک = گۆگۆن دۇفقوزنحى قاتئ
 (۴) فاجىر = فسق وفجور صاحبى (۵) گرەك = لازم (۶) دۇيغۇ = وجدان حسى
 (۷) اووسۇن = افسۇن .

اورمیہلی شاعریمیز "آدسیز" دان :

=====

قورو بودا غیماقون آی بولبولوم * دئمه :صونا بولبول گولہ باغلی دیر
 بوکیچیک داملادان گن گزمہ صونام * دئمه :گۆزہل صونا گۆلہ باغلی دیر
 سۆزبیردرین قاب دیرمعنالار درین * درینہ گشت داییم وارسا ہنرین
 گل کی، قوشا گزہک فکیر چۆللرین * بومجنون اورہ گیم چۆلہ باغلی دیر
 ملتین فیکرینی سن بیرزمی سان * بوزمی یہ دیلی سن بئل کیمی قان
 بئل بیروسیلہ دیر، من سنہ قوربان * زمینین محصولو بئلہ باغلی دیر
 یاخشی ساخلاماسان بو وسیلہ نی * وثرہ جکسن الدن زمینی ، دنسی
 تاریخ ثابت ائدیب حقیر دئیہ نی * دئمه :ہاوا سۆزدوریللہ باغلی دیر
 البت
 باخ! یئر بارلی اولما زورمہ سن * تورپاغی بوشلاسان داش اولار قت قت
 تزه فکیرلری سن جوتہ بنزہت * بوجوت دیل آدلی بیرکلہ باغلی دیر
 ائلیمین، خلقیمین مین نسگیلی وار * "یاخشی حیات" آدلی بیر سئوگیلی وار
 ایللرتا پیدالانمیش زنگین دیلی وار * سئوگیلہ چاتماسی دیلہ باغلی دیر
 آنادیلدہ یازاق اؤز خلقیہ بیزہ * میلیونلوق کوتلہ لرگۆز تیکیب بیزہ
 جہالت داغلاری چۆکہ جک دیبیزہ * آنجاق گوجلو آخان سئلہ باغلی دیر
 ہر خلقین اؤزدیلی اؤزونہ خوش دور * ہرکیم بونو دانسا بیینی ناخوش دور
 اما بیربیناکی سارسیلیب بوش دور * بیخیلماسی آیا ایلہ باغلی دیر
 آذربایجان دیلی یا مان حالدا دیر * اینان دئیہ بیللہ م قالماقالدا دیر
 ایللردیر ظلم ایلہ چال ہا چالدا دیر * حیاتی بیر نازیک تئلہ باغلی دیر
 گلین تورکی، فارسی آز گولشدیرہک * آز قیچ قولوموزا بندایلیشدیرہک
 گلین دیلیمیزی علمی لشدیرہک * بوایش چیرمالانمیش الہ باغلی دیر

قورخون او گوندن کی، ائل دیل سیز قالا،
 ساوادسیزلیق اوندا مین بیر کؤک ساللا،
 چالیشین کی "آدسیز" مطلبین آلا،
 چون او دا سیز کیمی ائلہ باغلی دیر.

=====

✧ حصیر شاپقالی قیزی ✧



گوجه، گیلای موسمی
 هله باشا چاتمادان
 گئجه یاتدی قیزی جیغاز
 آیلما دی یوخودان! ..
 قارا گئیدی آناسی
 ائو ماتمه بوروندی
 لکن قوشلار هر سحر،
 دام، باجادان گوروندی

گئچیرتمک چین، نهایت
 " قورخولوغی^۳ " سیناقدان^۴
 باغوان آسدی قیزی نین
 شاپقاسینی بوداقدان ...

ظن ائتدیلر سئرچهلر
 قیزی، دیرما شیب آغا جا!
 قاناتلانیب، قوندولار
 بوداقلارا، آستا جا ...
 سوت گؤلونده یاتاندا
 هم انسانلار، هم ایتلر
 گیلایسلاری، یاراماز^۵
 قوشلار یغما ائتدیلر.

تهران آخشام

۱۳۶۲ / ۶ آبان

حصیر شاپقا باشیندا
 اون، اون ایکی باشیندا
 بابا باغوانین قیزی
 اول سحرین اولدوزی
 گون چیخمادان، گئدهردی
 باغدان گیلای درهردی
 اتکلرین دولدوروب،
 سئرچهله وئرهردی .

صانما، او قیزی قوشبازدی
 قوشلار اوندان قاچمازدی.
 اول سئویملی " بیک"^۱ له
 قوشلار ایدی آشنا
 ایپک یوماقلار^۲ تکین
 قوناردیلار باشینا
 قیزی اتکین آچاردی
 گوله، گوله او آرا
 یئم وئرهردی قوشلارا

ملکه تک قیزجیغاز
 کوچه باغدان گئچهردی
 دالیسیجا سئرچهلر
 بیردن سوری چکهردی!

۱) بیک = عروسک . ۲) یوماق = کلاف ۳) قورغولوق = مترسک
 ۴) سیناق = تجربه، امتحان . ۵) یاراماز = بدذات، شیطان

بیرینجی درس

س‌لی حرف (مصوت) لر باره سینده

وارلیق مجله‌سی نین ۱۳۶۲ - نجی ایل فروردین - اردیبهشت صای-
سیندا ۹۸- نجی صحیفه‌ده آذری تورکجه‌سی نین س‌لی حرف (مصوت) لرینه
دایر پیشنهادی بیرجدول عرب‌الفباسی اوزه‌رینده مخصوص‌علائم و اشاره
لرایله وئریمیشدی. بو جدولدن استفاده ائده رهک بیرینجی درسی آذر-
بایجان تورکجه‌سی نین س‌لی حرف (مصوت) لریندن باشلاما قایسته بیریک.
بونو بیلیریک کی، کلمه‌ده اولان س‌سیزحرف (صامت) لر، س‌لی حرف
ویا حرکت‌لر یاردیمی ایله اوخونمالی دیر. خوشبختانه دیلیمیزده
دوققوز س‌لی حرف (مصوت) وار و بوجهدن دیلیمیز چوخ زنگین و
غنی دیر.

س‌لی حرف (مصوت) لر، ایکی دسته‌یه : الف - اینجه مصوت .

ب - قالین مصوته بؤلونور

الف - اینجه مصوت لر عبارتدیر : ۱- ا / ه / ه : (اَمکدَاش ، دده ، ننه)

۲ - ای / ی / ی : (ایگیت ، بیر ، ایکی) ۳- اڭ / ڭ / ی : (اڭل ،

سئوگی ، دی) ۴- اؤ / ۆ / ۋ : (اؤلکه ، گۆز ، دؤرد) ۵- او / ۆ / ۋ

(اورهک ، سورۆ ، اوزۆم) .

ب - قالین مصوت لر عبارتدیر : ۱- آ / ل / ا : (آنا ، بوغدا) ۹

۲- ق / ی : (قیزیل ، قاپی - بو مصوت کلمه‌لرین اولینده کلمه ز)

۳- او / ۆ / ۋ : (اوغلو ، کور ، دوغرو)

۴- او / ۆ / ۋ : (اؤیدورما ، سو)

کلمه‌لری دوزگون اوخویوب و املاء جهتیندن دوزگون یازماق اوچون

بو نکته په توجه اتمک لازيمديرکي، اگر کلمه برين بيرينجي هجاسي اينجه سس له باشلانس، قالان هجالاردا، اينجه سس له، اگر قالين سس له باشلانس، قالان هجالاردا قالين سس له بيته جک . ديلميزده بو هجا هم آهنگ ليکي کلمه لورين دوزگون يا زيلما سيناو ها بئله دوزگون او خونما سينا يا رديم ائده جک .

کلمه لرده هجا هم آهنگ لسکيني آيدينلاشديرماق اوچون م . ي . لفرموننتو - فون يا زديغي "عاشيق غريب" حکايه سيني کي، يوسف اوغلو طرفيندن ترجمه اولونوب آشاغيذا گتيريب، بعضي کلمه لورين هجا هم آهنگ لسکيني اتک يا زي دا (پا ورقي ده) گؤسته ريب ولازمي آيندلاشديرماق (ايضا حات) وئريله جکدير .

حرمتملي اوخوجولار بو حکايه ني دقتله اوخويوب اغوز نظويه وپيشنها د - لارين " وارليق " مجله سي نين دفترينه يا زمالي ديرلار . بوسيز وبودا " عاشيق غريب " حکايه سي :

چوخ - چوخ اول تغليس شهرينده دولتملي بيرتورک يا شاردئي . الله اونما چوخلومال - دولت وئرمشدي . آنجا ق ماه المهرى آدلى يگانه قيزئ اونون اوچون بومال - دولتمن ده قيمتملي ايدى . گويده کي اولدوز - لار قشنگدير ، لکن اولدوزلاردان اونما ملک لور يا شاييرلار ، بونلار ، داها قشنگدير . ماه المهرى ده بوتون تغليس قيزلارئيندا ، گؤزه ل ايدى . تغليسده عاشيق غريب آدلى يوخسول بير نفرده وارايدئ . الله اونما گفنيش قلب له عاشيقليق استعداديندان باشقا هنج بير شئي وئرمه ميشدى . او طوى مجلس لرينده گزيب سازچالار ، قديم تورگستان په لوانلارئينى تعريف لر ، وارلي و خوشبخت آداملارا کئف وئره ردى . طوى مجلس لريندن بيرين - ده او ، ماه المهرى ني گوردو و اونلار بير - بيريني سئوديلر . قيزيشن وصالينا چاتماغا عاشيق غريبين اوميدى آزايدى ، اونما گؤره ده او ، قيش سماسى کيمي غمکين - غمکين دولانماغا باشلايدئ .

يا شاردئي - بوکلمه ده اوج قالين هجا وار : (ي ا ش ا ر + دئ = يا ش ا ر ه دئ)

بوکلمه ده ايش له نن سس لي قالين حرف لر : (. . ا . ا . ئ)

وئرميشدى - بوکلمه ده اوج اينجه هجا وار : (و ر ه م ي ش ه د ي وئ ر ه م ي ش ه د ي)

بوکلمه ده ايش له نن سس لي اينجه حرف لر : (. . ي . ي . ي)

اولدوزلاردان - بوکلمه ده دورد قالين هجا وار : (اول + دوز + ل ا ر ه د ا ن)

= اول + دوز + لار + دان (بوکلمه ده ايش له نن قالين مصوتلر) (ا . و . و . و . ا . و .)

بیردفعه او، اوژۆم باغینداتنهک آلتینداتنه کالر آلتیندا اوژانمیش
 نهایت، یوخویا گتتمیشدی. بو زمان ماه المهری اوز رفیقهلری ایله
 اوژادان کئچیردی، قئیزلاردان بیوی یاتمیش عاشیقئ کئوردو، آیاق ساخلا-
 یئیب قئیزلاردان گئری قالدئ و عاشیق غریبه یاخینلاشدئ. قئیز: " نه
 یاتمیشان تنک لرین آلتیندا، او یان، آی دهلی، کئچیر سنین جیرانئین" -
 دئییه اوخودو. عاشیق او یاندئ، قئیز قوش کیمی سئچرایئیب او زاقلاشدئ.
 ماه المهری قئیزئین نغمه سیننی اشیدیب، اونو دانلاماغا باشلادئ .
 قئیز: "آه، - دئدی، - بونغمه نی کیم اوچون اوخودوغومو بیلسسئیدین، منه
 تشکر ائده ردین، او اوغلان سنین عاشیق غریبین دیر" .
 ماه المهری :

- منی اونون یانئینا آپار، - دئدی و برابر گتتدیلر.
 ماه المهری اونون اوژونو غمکین گئوروب، سببئینی سوروشدو و اونان
 تسلی وئرمه یه باشلادئ .
 عاشیق غریب :

- آخی، من نئجه درد چکمه ییم، - دئییه جواب وئردی، - من سنی سئویوم،
 اونودا بیلیرم کی، سن هئج واخت منیم اولما یا جاقسان .
 ماه المهری :

- منی آتامدان ایسته، - دئدی. - آتام اوژو اوز پولونا بیزیم طویو-
 موزو ائده ر، هم ده منه او قده ر جهیز وئره ر کی، هرایکیمیزه چاتار.
 عاشیق غریب :

- یاخئی، توناق کی، آیاک آغا اوز قئیزئیندان هئج نه اسیرگه مه دی، -
 دئییه جواب وئردی، آنجاق کیم بیلیرکی، منیم هئج بیرشئیم اولمادی -

اوژۆم - بو کلمه ده ایکی اینجه هجا وار: (او + ژۆم = او + ژۆم)
 بو کلمه ده ایشله نن اینجه سس لی حرف لر: (او . و .)
 اوژانمیش - بو کلمه ده اوچ قالین هجا وار: (او + ژان + می ش = او + ژان +
 می ش) . بو کلمه ده ایشله نن قالین سس لی حرف لر: (او . ا . ا . می .)
 ساخلائییب - بو کلمه ده اوچ قالین هجا وار: (س آخ + ل ا + ی می ب = ساخ +
 لا + یئیب) . بو کلمه ده ایشله نن قالین سس لی حرف لر: (ا . ا . ا . می .)
 اسیرگه مه دی - بو کلمه ده بیئش اینجه هجا وار: (ا + س ی ر + گ ه + م ه = ا +
 س ی ر + گ ه + م ه . دی) . بو کلمه ده ایشله نن اینجه سس لی حرف لر :
 (ا . ی . ه . ه . ی) . توجه بومثاللاردا نقطه لر صامتترین یئرین توتوب .

غئیندان منی دانلاما یا جاقسان . یوڭ، عزیزیم ماه المهری، من توبه ائله -
 میشم، سوز وثریرم کی، یئددی ایل دؤنیانی گزیب - دولانا جاغام، اعوزومه
 مال - دولت توپلایا جاغام، یادا اوزاق صحرالاردا محو اولوب گئده جگم،
 بونا راضی اولسان، عهدیمیزین تاما میندا منیم اولارسان .
 قئیز راضی اولدو، آنجاق علاوه ائتدی کی، اگر او، تعیین ائدیلمیش
 گونه قایتمازسا، چوخدان بری دالینجا ائلچی سالان خورشید بیگین آروادی
 اولاجا قدير .

عاشیق غریب اعوز آناسی نیئن یانینا گلدی، سفره چیخماق اوچون
 اونون خئیر - دو عاسینی آلدی، بالاجا باجی سینی اؤپدو هئیهه سینی
 چیکنندن آسدی و سفر ائائینی اعوزونه دایاق ائده . ائده تفلیس شهر -
 یئندهن چیخدی .

بودور، اونون دالینجا بیر آتلی قاچیر، عاشیق غریب باخیب گوردو کی،
 گلن خورشید بیگ دیر .

بیگ اونا :

- یاخشیی یول ! - دئییه چیغیردی، - آی غریب، دئدی، - هارا گئتسن، من
 سنیه یولداشام .

عاشیق غریب اعوز یولداشیندان راضی دگیلدی، آنجاق الیندن نه
 گلهردی، اولار بیرلیکده چوخ یول گئتدیلر، آخیردا اعوز قارشیلاریندا
 بیرچای گوردولر . چایین نه کورپوسو، نه ده کئچیله جک دایاز بیر یئری
 وارایدی .

خورشید بیگ اونا :

- سن قابقا اوز، من ده دالینجا اوزوب گله ره م، - دئدی .

اولما دئغئیندان - بو کلمه ده بئش قالین هجا وار: (اؤل + ما + دئی + غئ + ن +

دان = اؤل + ما + دئی + غئین + دان)

بو کلمه ده ایشله نن قالین سس لی حرف لر: (ا . و . ا . ئی . ئی . ئی . ا .)

کورپوسو - بو کلمه ده اوچ اینجه هجا وار: (کور + پ + و + س + و = کور + پ + و + سو

بو کلمه ده ایشله نن اینجه سس لی حرف لر: (و . و . و . و)

عاشیق - بو کلمه ده ایکی قالین هجا وار: (ع + شئی ق = عا + شیق)

بو کلمه ده ایشله نن اینجه سس لی حرف لر: (ا . ئی .) - آردی گلن صایید

مجله میزه گلن مکتوبلار

مجله میزه گلن مکتوبلاردان بیر ده اردبیلدن آقای عبدالله بهمنی نین محبتله دولو مکتوبو ایدی. ایکی شعری ده وار ایدی. بیر میزه علی اکبر صابرین " نئیلیردین الهی " شعرینه نظیره، بیر ده " وارلیق یازیر " تیترلی بیر شعر ایدی. قارداشیمیز عبدالله بهمنی نین بو شعرلری نشان وئریر کی، گله جکده دوغما دیلیمیزده یازیب - یاراتماق استعدادینا مالکدیرلر. بویزه بورادا اونون هر شعریندن نئچه بیتنی گتیریریک :

دیل آنلاماز انسانلاری نئیلیردین الهی
خلق ایچره بو نادانلاری نئیلیردین الهی
انسان اعز و جسم ایسه دیلی بیرجانا بنزه
دیل سئومه زی، بی جانلاری نئیلیردین الهی
وارلیق یازیر :

وارلیغیمیز دوزون یازیر	اغلده یولون چوخلار آزییر
وارلیق آن قصده چاتار	خان بهروزوم * اونو ساتار
شیطان الی بوشدا قالار	دیلین سئوهن وارلیق آلا ر
تورک بالاسی وارلیق اوخور	حیات یولو چالا چوخور
باشینا بیل غم لر یاغیر	بوگون هرکس اولسا فاغیر
اما وارلیق دوزگون یازیر	یادلار بیزه قویو قازیر

حرمتلی اوخوجوموز آقای جلال محمدی

مکتوبونوزو آدیق . شعرینیزی طاهرا " عروض " وزنینه یازماق ایسته میش سنیز، لکن وزنی یوخدور، سئچدیگینیز ردیف و قافیهدن ده دئمک اولماز کی سربست (آزاد) شعر یازماق فکربنده ایدینیز. سیزه فضولی دیوانینی و وارلیق دا چیخان آقای پیرهاشمی نین عروض وزنی باره سینده مقاله لرینی اوخوماغی توصیه ائدیریک .
امیدیمیز وار بیر مدت چالیشانان صونرا یازا جاغینیز شعرلردن بیزه گونده ره سینیز. سیزه باشاری دیله ریک " وارلیق "

* بهروز کتابخاناسی اردبیل ده " وارلیق " مجله سی و دیلیمیزده اولان کتابلاری ساتان کتابچی دیر .

ایکینجی گلن شعرلی مکتوب اردبیلین (ننه کران) کندیندن دیر .
بو هوسکار دوستوموزون شعرلی معنا و شاعرین دویغوسو باخیمیندان
یاخشی دیر . اما ، او گؤزه‌ل دویغولاری ، گؤزه‌ل بیر شکیلده شعره چئویرمک
گرهک .

البته ، گؤزه‌ل شعرلر قوشماق اوچون انساندا شعر ذوقو و شعرطبعی
اولماقدان باشقا ، گنج لریمیزه چوخ اوخوماغی ، وکلاسک شاعرلریمیزین
اثرلرینی دؤنه - دؤنه مطالعه ائتمه‌لری توصیه اولور . چونکو بیرشاعر
- یین شاعرلیک و هنر استعدادیندان باشقا قوتلی ذکا و حافظه صاحبی
اولماغی گره‌کدیر . مثلا اقلامین بیت شعر حفظ ائلمه‌لی دیر . بورا دا
(ننه کرانلی) دوستوموزون شعرلی نین نئجه بندینی گتیریریک :

علی کیشی (۱) ائلر سنی یاد ائیلر

اؤگوت لرین اوره‌ک لری شاد ائیلر

دوشمن لرین حیله‌سی بی‌داد ائیلر

ننه کران سنله باشی اوجالار ،

دوغما ائلین سن سیزلکدن قوجالار .

علی کیشی دور ایندی باخ ایرانا

عزیز دیار آبادان ، خوزستانا

های ویریریق ، جار سالیریق هرینا

دوشمان شومون اؤز باشنا چالاریق .

دؤنمز ایگیت لریک قصاص آلاریق .

(۱) علی کیشی ننه کراندا عاقیلنی کیشی ایمیش .

ترکمن شعر و آتالار سۆزلریندن نمونه لر:

ترکمن شاعر لریمیزدن آقای غفار بردی بیرمکتوبلا برابر ترکمن شاعر لریندن، ترکمن آتالار سۆزلریندن الهام آلیب قوشدوقلاری شعرلردن بیزه نمونه لر گۆنده ریب، بیزده سئوینه رک اونلاری عینا " وارلیق"دا درج ائدیریک :

۱- آد یاخشی، دنیا یه گلن زادیخشی، قدر بیلمز قارداشان، قدر بیلن یاد یاخشی .

اوتوروشی بیرکۆنگلی (کۆلو) آیری قارداشان شیرین ملاقاتلی بیگانه یاخشی (ذلیلی)

۲- آقساغی تایاغ ساقلار .

آقساغینگ الیندن آلسانگ آغاجین

یا مان درده دوشر تا پمازعلاجین

بیرگوشلی دوشمنه دوشسه مکاجین

چوجوغینی گیزله ماین بولارمی (مختومقلی)

۳- آلتینینگ آغزی بیربولسه (اولسا) آسماندا کینی آلا، آلتیشینگ آغزی آلابولسه آغزیندا کینی آلدیرار .

آلابولسا آغزی اگر بیراثلینگ

آیاقلار باش بولار (اولار)، باشلارهم آیاق (مسکین قلیچ)

۴- آلتین (قیزیل) آلما، آلقیش آل (دعا و آفرین)

یخشی (یاخشی) سۆزه قولاق سالفیل

سحروقتی بیدار بولفیسل

یخشیلاردان آلقیش آلفیسل

عمرینگ آرتیب زیاد بولسون (مختومقلی)

۵- آیرالیق (آیریلیق) اولومدن آجی .

آیرالیق اودینا یانیب بیشمه یان

ظالیملار ظلمندن دولیب داشمایان

وطندان آیریلیب غریب دوشمه یان

اولکه سینده اثلینگ قدرین هئج بیلمز (مختومقلی)

۶- احمق دوستدان عقلی دوشمان یخشی دیر . قالانی ۴۸- نحی صفحه ده

یا زان : سا وه نین خرقان بخشی نین بندا مبرکندیندن
بیرینجی درجه لی عدلیه وکیلی علی کمالسی

=====

* مداح *

گفچمیشه ، گون اوزونه پالچیق سورتوب ، ایران جمعیتی نین یار -
یسینا قده ر تورک لرین ، مدنیت ، دیل و ادبیاتی نی دانمیشدیلار . حالبو
کی ، مدنیت باخیمیندان دا تورک لرین مدنیتی ، آیری ایرانلی - لارین
مدنیتیندن یوکسک اولماسا ، اسکیک ره دگیلدير .

قورتاریجی اسلام مکتبی قرآن کریمین شریف آیه سی " اِنْ اَكْرَمَكُمْ
عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰیْكُمْ " ی ، نظره آلاراق و اساسی قانوندا ، ایران
خلق لری نین هره سی نین ، دیلینده ، یازیب - اوخوماقی ، آزاد ائده لی ،
بو هامی یا ، بللی اولوب کی ، یاد اولکه لردن گله ن مدنیت لرین قارشسی
سیندا ، اول ایران خلق لری نین تامام با جاریقلارین ایشه سالیب ، اوند
- لارین کسه رلی قیلینج لری نین قانشا ریندا ، اعوز وارلیغیمیزی قوروماق
اوچون ، فرهنگی قارت قالخانلاری باشا چکمک ، صورادان ، یوروشچیلارین
باشلارین علمی و مدنی آغیر چماقلاریمیز ایله ازمک گره کدیر .

کئچن ایللرده ، فئودالار کندلرین باغلارین بییه له نیب ، کندلی لری
تامارزی ساخلاردیرلار ، ائله ، بونا گوره ده ، کندلرین جاهیل - جومردلاری
اعوز امکلری ایله تغورهنن باغ - باغاتین عمله گله نینی ، گیزلین حال
دا ، اله کئچیریب یا گورمه میش قالیب ، اربا بلارا تاپدالاماق واعوزلرینه
باسقین یولون آچاردیرلار ، اما ایندی یوخسول ساخلانمیش کندلی لر ، اسلامی
انقلابین برکتیندن ، اکمه لی یفرلرین و آغاجلیقلارین بییه لری ولموشلار ،
کی هله بو بیرقیراقا ، داها ، اعوزگه لر الینده کی شئیلره ده یئریک له مزله .
تورکی ده " ائل لره یالوارینجا ، اللره یالوار " - دئییه ، بیرمثل
واردیر . ایندی بیزیم ، کوردو ، بلوچی ، عرب لری و تورکی دانیشان ایران -
لی قارداشلاریمیزدا ، بونون - اونون آغزینا و دیلینه باخانجا انقلا -
بین بویوک یولا آیارانی بویوردوغو کیمی اعوزلرینه سؤیکه نیب و اعوز
آیاقلاری اوسته دوروب و اعوز دیللی ایله یاشا یشلارین برکتیسه ل -
بو ایشین هر نه دئییه سن ده گری واردیر .

آنجا ق سئوینیب و ایسته بییریکی کی ، ایران اسلام جمهوریتی نین اعوندر
- لری ، اسلامین کؤک لو ، برابرلیک و قارداشلیک حقونو نظره آلاراق

تورک لرین اوزون مدت تا پدالانمیش ایستهک و دیلهک لرینی گوزه لجه سینه حیاتا کئچیریپ، دیلیمیزین آچیلماغینا و مدنیتیمیزین دبرچلمه کینه هر جور شرایط یارادیب و اونو قانون اولاراق، آیری دیلرله بیر گوزده گوروب، یاییلما سینا داها آرتیق امکان یارات سینلار.

وزین " وارلیق " مجله سی نین بوراجن تحصیل اثتدیک لری یوخا ریدا دئییلن یاردیملاردان بهره سیز دگیلمیش، بیز ده اومان یثردن کوسمه - بیب، بلکه گون به گون اومیدیمیزی آرتیراریک .

تاری یارادان انسانلار حقوقون و ثرلری، تازی اغزو سا خلاسین، بیز ده بو یولدا چالیشیریکی، تازی نین یاراتدیغی تورک حرمتلی بیلی- جی وشاعرلری، یولسوز فلک زده اغزلرین باشا دوشمه یین لره و هابثله اغزلرین تانییانلارا تانیتدیراک .

اورتا ایران ملی و مذهبی تورک شاعرلرین ساوا کندلریندن: مرغی لی تلیمخان و تورکمن محمود، سنگک لی عاشیق رضا علی، قیرمیزین لسی فقیر، مزلقانلی آثم، مسلم آبادلی قدسی، سوسنقین لی مهدی منتظر، الویرلی محمد خوشنویس، زرگر ائلی لی قلیخان، مصرقانلی اکبر رزاقی، سولو دره لی عندلیب، ورچندلی پناهی، بند امیرلی شیخ حسن محترمی، مصرقانلی عاصی، آجانلی عاصی و همدان کندلریندن عین آبادلی داوری، کهاردلی فانی، درگزین لی ملا احمد، نییرلی افشار و ملایرین قلی کندیندن یادگاری نی بو گونه قدهر تانیتدیرمیشیق . بوندان صو- نرا، آیری یثرلردن، هله بیر چوخلارین تانیتدیرا جاغییق، ایندی ایسه خرقانین کولونگون (کلنجین) کندینده دنیا گلیب و بیر مدت اورا- دا یاشایان، صونرا خرقانین (ایلدرجی) آدیندا بیر آیری کندینده غومرون سوره ن و کرج ده وفات ائدیپ و قم شهری نین وادی السلام مزار - ستانیندا توپراقا تاپشیریلان، اقتدارلی شاعر رحمتلی میرزا محمد علی (مداح) قدیانی نی تانیتدیرماق ایسته ییریک .

خرقانین تاکستان اوستونه یازیلان منطقه سی نین کولونگون (کلن- جین) آدلی بیر کندی وار کی، اورادا ۱۲۸۰ هـ. شمس ده مهرعلی اوغلو محمد علی دنیا یا گلیب دیر. محمدعلی سجل و ثره نده اغزوننه (قدیانی) شهرتی نی سچیب و کند مکتبخانا لاریندا اوخویوب یازماق ایله خلق طرفیندن (میرزا) لقبین آلیب و میرزا محمدعلی آدلانیب دیر. شعر دئمه کی ائمه اطهار وسید ابرارین مدح لری ایله باشلا ییب، بونا

- گوره ده تخلصون (مداح) انتخاب ائديب دير .

مداح تخلصی میرزا محمدعلی نین مدح ده یوکسک اقتدارین گوسته -
رن حالدا ، اونون آیری نوع شعرلره باجاریقینا مانع اولان عنوان
دگیلدیر ، نهجه کی ، تورکجه و فارسجا صنعتی و فنی تغزلی شعرلری ده
مدیحه لردن آز کسمز .

مداح قیرخ یاشیندا گوزلری نین تامام ایشیق لری ن الدن وئریب
صونرا ایسه ایشیق اوره کی داهادا ایشیق لانیب دیر و بونا گوره ده گاه
دان اوزونو (ضریر) کی ، یازانلار ناحیه سیندن اشتباها ذلیل یازیلیب
آدلاندیریب دیر .

رحمتلی میرزا محمدعلی عومرونون آخر ایگیری بیئش ایلینی خرقا -
نین (ایلدرجی) آدلی کندینده کئچیریب و ۱۳۵۲ هـ . شمس ده کرج ده
دونیادان گئدیپ و قم دا وادی السلام مزارستانی نین سککیزینجی
قسمتینده و ۲۵۲ - نجی مقبره ده دفن اولوب دور .

مرحوم میرزا محمدعلی قدیانی خورشید خانم آدیندا بیر قادین
ایله ائوله نیب و اونلاردان اوچ اوغلان : عطاء الله ، ریحان الله و
نصرا لله آدلاریندا عمله گلیب دیر لر ، آقای عطاء الله قزوین عدلیه سینده
دولت قوللو قچوسو ، ریحان الله قزوینین الوند شهره کینده کاسب و نصرت
الله دا روحانی و شیخ نصرت الله عنوانینا نائل اولوب دور لار .

ایندی مداح اثرلریندن (سرود تورکی) عنوانیندا بیر شعری
ملاحظه بویورون :

* سرود تورکی *

ساقیا گتیر دورما ، وئرا و جام مینانی
مست اولوم ، ائدیم افشاییر عجیبه دستانی
عشق ائدیپ منی رسوا ، عاشقه ملامت یوخ
نی
گولدن اوترو هر بولبول شغل ائدیپ غزلخوا
وئر پیاله نی شاید عکس یار اولای پییدا
من پیاله ده تاپدیم بیر جمال نورانی
عشق بیر یامان درد بی دوا دیر ای یاران
عشقه دوشمه یین بیلمز لذت بو دونیانی
هر کسی کی ، عاشق دیر ، ملک و مال و جان نغیلر ؟
آرزوسی هر آنی وصل روی جانانی

من ده بو بیابانی عشقه بیر قدم قویدوم
 کوش محبتدن جانیم ایله دیم فـانـی
 بیر زمان قلندر تک شیر قیلدیم عالمده
 گوردوم اول سیاحتده ، سرد و گرم دورانی
 بعد بیر زمانی من اختیار کنج ائتدیم
 قوت جان اولوب غصه شربتیم جگر قانسی
 هر قدر سکوت ائتدیم چیخما دی باشیمدان عشق
 گون به گون فزون اولدو یار حکم وفرمانی
 آخری آموزوم سالدیم بو عمیق دریایه
 غرق بحر عشق اولدوم ، ایچدیم آب حیوانسی
 بیر گنجه گلیب یارو لطف ائدی ب پیاله منه
 آلدیم ایله دیم نوش اول شربت گوارانی
 گوردوم اولدوم عاشق من گشتدی صبرو تاب الدن
 ای خدا داخی گورره م بیرده اول دلارانی
 من رضای عشق ایله هر نه نیشی نوش ائتدیم
 مسکن ایله دیم آخر کوه ودشت و صحرانسی
 هر نه گزدیم عالمده گورمه دیم بغیراز یار
 فاش قیلمه بو رمزی ساخلا بو معمانسی
 وادی محبتده یوخدو منزل و فرسخ
 جان اگر تلف اولسون اولماران پشیمانسی
 بیر جمال لیلی وش ایله دی منی مجنون
 قیس تک بو مهجوری گور ائدی ب بیابانسی
 سرو قامتی الدن صبر و تابیمی آلدی
 ماه صورتی قیلدی ملک جانسی ویرانسی
 بیر نظر سالیب گوردوم آغ اوزونده بیرخالی
 هندوئی توتوب مسکن بیر مکان اعلانسی
 قاره کیبریگی اوخ تک قلب زاریمی دلدی
 یار گوزلری سالدی باشیمه بو سوودانسی
 چشمه سار حاری دیر غنچه دهانیندان
 لبلری گول قرمز صورتی گلستانسی
 بیر کنایه حرفی یان دیریب کباب ائتدی
 ماه مصردن درک ائت مقصد زلیخانسی

چوخلاری بو معناده قالدیلار ضالالتده

عارف ایستیری بیلسین نکتسه بو معنانی

میرزا محمدعلی فارسجادا یاخشی - یاخشی شعرلر دئییب و بوقسمتده

ده قدرتلی الی و شیرین دلی و ارایمیش بورادا مداحین بیرفارسی
غزلین اوخویاق :

من عاشق نگارشدم هرچه باد، باد * پیوسته درخمارشدم هرچه باد، باد
مطرب ز عشق یاربگو یک سرود عشق * دلبنده جنگ و تارشدم هرچه باد، باد
رسوای عشق فاش بگویم منم، منم * بی صروبی قرارشدم هرچه باد، باد
هر قدر جهد کردم از این بحر درشوم * من غرقه بحرارشدم هرچه باد، باد
ناصح نصیحت تومرا سود بخش نیست * مجنون کوهسارشدم هرچه باد، باد
غیر از وصال یارمرا چاره نیست نیست * دائم درانتظارشدم هرچه باد، باد
عاشق کجا و صبر کجا؟ این بود محال * تن خسته دل فکارشدم هرچه باد، باد
سربسته شعر بسکه به گفتم ز عشق تو * رسوای روزگارشدم هرچه باد، باد
عمر مرا صفای بهاری رسیده بود * اما خزان یارشدم هرچه باد، باد
هر کس نداند عشق چه باشد و یار کیست * من هم خود اختیارشدم هرچه باد، باد
از جان و دل ثنای همین چارده کنم * "مداح" شهریار شدم هرچه باد، باد
مداحین ال یازما دیوانی سککیزمین بیته قدهر شعره شاملذیرکی،

حرمتملی اوغلو آقای ریحان الله قدیانی یانیندا ساخلانیر. شاعر گؤزلری
ساق اولان وقته جن شعرلرینی اوز خطی ایله یاز بیدیرکی، بوقسمت اونون
دیوانی نین اوچدن بیری اولا بیلر، اما اوتوز ایکی ایل گؤرسوز لکوک
چاغیندا دئییه شعرلری اوز دیریلیگینده اوز گه لر خط لری ایله دیوانینا
کئچیرمیشدیر. آقای عطاء الله قدیانی نین تاپشیردیغینا گؤره، آقای
ریحان الله قدیانی مداحین دیوانیندان فتوکچی گؤتورماغی بیزه اجازه
وئردیلر، سو جهتن او ایکی عزیز قارداشان اوز منت دارلیغیمیزی
بیلدیریریک .

مرحوم مداح هامی نوع شعرده و همچنین بحر طویل ده ده یاخشی

الی وار ایمیش، آشاغیدا گلن بحر طویلی حضرت علی (ع) مدحینده
چوخ گؤزه ل شکل ده و معنی ده سؤیله ییدیر:

* بحر طویل حضرت علی (ع) مدحینده *

اول از حمد خداوند کریم واحد و قادر بکتا و رحیم صمد و عالم

و استاد قدیم و یارادان عرش و هم کرسی و لوح و قلم و طاق نه افلاک

و هم شمس و قمر نجم و کواکب ، او دو تغییر و ثرهن بو شب و روز ، یا -
 رادان شش جهت و چار عناصر ، بعد از آن نعت رسول مدنی و قرشی ، کان
 کرم ، محرم اسرار حرم ، احمد و محمود و محمد شه لولاک ، ابوالقاسم
 امی لقب شاه عرب ، منبع هر علم و ادب ، بشیر ائله دی بیر گشجده
 جمله مقامات و حجاباتی و هم عرش خدانی و هم شق قمر ائله دی تا
 اینکه یثتیردی بیزه قرآن و برهان و دلایل ، بعد مدح ائله ایم او -
 ندان صورا اول پادشه کون و مکان ، سر نهان ، سرور دوران ، جان
 جهان ، بپر بیان ، شیر دمان روح روان ، غنچه دهان ، کیم اودور عین
 الله و باب الله ، او دور سر آلهی ، و اونون زوری ایله دین تا -
 پیب رونق و ترویج ، او دو دوست لرین شاد ائله یین ، دوشمنی نی کور ،
 او دور سرور مسرور ، اگر وصفینی ذکر ائله یه مخلوق سراسر الی اول و
 آخر ، اولایئر یوزو دفتر ، هامی کاتب اولوب ، ثبت ائله یه جن و بشر ،
 جمله ملک لر یا زالار منقبت شیر خدا تا صف محشره کی بیر ذره ای او -
 صاف علی دن ، گئنه گلمیبدی او تقریر بیانه و هم نطق زبانه بو علی
 شیر خدا دیر نئجه کیم حضرت خضری قویوب آواره ، حثیران ، مؤزو اول شه
 خوبان ، گئدیب چشمه حیواندا پنهان اولوبان ، طفل ایکن اژدری مهد
 ایچره بؤلن ، بپر لیف خرما ایله اول دیو سفید الینی باغلیان حیدر ،
 علی قاتل عنتر ، علی فاتح خهبر ، علی شافع محشر ، او دور شیعه لره
 ناصر و یاور ، او دور معرکه رزمده ضرغام مظفر ، اودور شیر غضنفر ،
 اودور ماه منور ، اودور حوزه اسلامده بیر خسرو خاور ، اودور سرور
 ابرار ، اودور سید رهبر ، اودور ساقی کوثر ، اودور میرهنر پرور و گردونفر ،
 امیر دو جهان ، سرور مردان ، بپر آدی قاتل عدوان ، بپر آدی شافع
 عصیان ، بپر آدی ناطق قرآن ، بپر آدی قدرت یزدان ، بپر آدی فارس
 میدان ، بپر آدی قاطع برهان ، بپر آدی قاسم رضوان ، بو شه کون و مکان ،
 سر خدا دیر ، نئجه کیم حضرت سلمانی آلیب سیصدوسی سال ایره لی ، ارژنده
 شیر الیندن ، او زمان فصل بهار ایدی ، آچیلیمیشدی گول یاسمن و نسترون
 سوسن و زنبیق و قرنفل ، گول سرخ و گول نرگس ، گول ریحان ، هامی
 دشت و بیابان گئییب خلعت الوان ، او زمان حضرت سلمان کی ، بپر دسته
 ریحان ، دریبیدیر گتیریب رسم تعارف دئدی ای شاه باغیشلا منی ، بپر
 تحفه یوخومدور سیزه لایق ، بو علی رکن هدایت و هم شاه طریقت و هم
 ماه حقیقت و هم حامی دین رایج اسلام و شریعت ، یازار غزوه خیبرده

کی، چون لشکر اسلامیه کفار مقابل چو دوروب بیر - بیرینه، مثل جهنم له بهشت، کفاردن اول مرحب بد ذات و سوشت، گتیریب مرکبی جولانه، یثتیب صحنه، میدانه، باخیب غیظ ایله هریانه، دؤنوب باغری قیزیل قانه، جهنم کیمی بیر نعره چکیب، غارده دیو سراسیمه اولوبدور، او دهان نجسین آجدی، هم او اوددان دیلینی آجدی بنا ایلدی، لاف ایلمگه، چون بو طرفدن ائشیدیدیر بو سؤزو، تاب گتیرمه ییب ولی الله، اسداله، یدالله، کنار اولدو صف نوردن، مثل چیخیب گون بولود آلتدان صلوا - تین سسی، تکبیر دئیهن صوتی، ملائک لری مات اقتدی، بو شوکت له، بوصولت له، بو عزت له، بو قدرت له، بو قوت له، بو هیبت له، او شه چونکی یثتیب مرحب ایله اولدو مقابل، بویوروب مرحبه ای تابع شیطان، و ای طالب نئیران، داخی ائیلمه طغیان، گل اول ایندی مسلمان، آپاریم ختم پیمبر یانینا، خلعت پیغمبری گئی اگنیوه، اول تابع اسلام وهم قابل جنت، ائشیدیب چون بو سؤزو، یانندی جهنم کیمی، اول مرحب بدکار، او - بیعار، اونا، موعظه شیرخدا ائیلمه دی کار، اوبدکار خطا کار، آتیب ال، یاپیشیب قبضه شمشیری، حواله ائله دی شیرخدا یه، او زمان حضرت مولا سپرین چکدی باشینه، او لعین غیظ ایله، بیر تیغ اوروب، راس مبا - رک یارالاندی، کلیب غیظه او دم شاه ولایت، کی اول شافع امت، قمر برج امامت، گهر بحر کرامت، دُر دریای فتوت، اوروب دولدولونا هئی، او دم حکم خدا اولدو ملائک لره شیریم گلیمش خشمه، اگر تیغ بو هیبت له، بو هیبت له، بو قدرت له، بو قوت له، اورا، عالم اولور زیر و زبیر، حکم خدا اولدو اودم حضرت جبریله، قنادین دؤشه ییب روی زمین اوسته، مقابلده دوروب حضرت عزرائیل و میکائیل و اسرافیل، قولون توتدو او حالیه، او سطوت له، اوصولت له، او حرات له، مهابت له، اوروبدور قیلی - جی مرحبه بؤلدو سیر، مغفرینی، خود - عرقچینی بیچیب، باشه گئچیب، اگله شیب ابرویه، دماغه و دهانه یثتیشیب نحس نحس سینه سینه، چونکی او یئرده واریادی بغض علی، بغض پیمبر، ایلدیریم تک یثتیشیب مرکبه، هم مرکب ایله مرحبی، دؤرد پاره ائدیبدیر، پر جبریلی بیچیب، مرحب اجل جامی ایچیب، گا و ماهی بو شهبین قدرتینه، قوتینه، جراتینه، صولتینه، سطوتینه، هیبتینه، ضربتینه، مات و مبهوت قالیدیر، اوقضا و قدری بهت آپاریب، سؤیله دیلر شمتیوه قربان، علی جان، علی جان، یقتمز اتامه بو عالی نسبین شرحی و هم وصفی وهم مدحی او دورسرخدا،

باب خدا، عین خدا، سیف خدا، دست خدا، شیو خدا، میر ہدی، من نئجہ
 وصفین ائدیم انشاء آہ؟ و افسوس شہی کی، بو جلالتدہ و شوکتدہ، بو
 سطوتدہ، بو صولتدہ، بئلہ قدر و شرافتدہ، بئلہ رحم و مروتدہ، بو احسان
 و سخاوتدہ، بو غیرتدہ، شجاعتدہ، اولاً، بس نہ سزاوار اونون کلفتینی
 شمرا تده دستگیر؟ اورا قیزلزی نین بوینونا زنجیر، اورا خیمہ سینہ
 آتش سوزان، حسینین بدنی، یار و انصاری ایلہ گون قاباقیندا، قالا
 عریان، باجی سی زینب ائدہ. نالہ و افغان، دوشہ مجنون کیمی چؤللرہ
 آوارہ، حثیران، بسدی "مداح" امان، ائتمہ داخی آہ و فغان،
 صدقیوی باغلا سن اول حیدر کرارہ، یا پیش صدق ایلہ مولا اتکیندن

مداح بیر مناجات مضمونلو شعریندہ گؤرون نہ طور اؤز یارادا۔
 نینا النجاء ائدیپ و اونا یالواریر :
 * مناجات *
 ملکا درگہ پاکیندہ ناچیز و تباہم من
 شهنشاہا غبار رھروان بارگاہم من
 کریم، خالقا، پروردگارا، حی و معبودم
 الیم بوشدور، یوزوم قارہ، حقیر و روسیاهم من
 خدایا گاہ کوهہ کوهہ بیر گاہہ باغیشلارسن
 همان کوه عطا و بخشش سن، پر گاہم من
 خطا کارم، جفا کارم، پریشانم، پشیمانم
 خجولم، شرمسارم، اشگریزم، تیرہ آہم من
 گھچیب عمر و بظالتدہ، کسالتدہ، جہالتدہ
 ندامت سود و ثرمز غرق دریای گناہم من
 گدایم، مستمندم، سائلم، درویش درگاہم
 بو فخریم بس گدای پیشگاہ پادشاهم من
 گہی فضلیندہ خرسندم ولی عدلیندہ لرزانم
 زمانی نیز گاہ خشک و چون برگ گیاهم من
 واریمدیر آرزوی مغفرت درگاہ فیضیندہ
 نہ دربند عیال و ملک و مال و عز و جاہم من
 منی تووما قاپیندان نا امید معصیت کارم
 گؤزوم باب کرمده چون سگان شامگاہم من

بحق اولیاء اللہ، بحق انبیای دین
 طریق حقہ وادار ایله بیر گمگشته راهم من
 بحق آدم و نوح و خلیل و عیسی و موسی
 اسیر نفسم و دل بسته، لطف الهم من
 حق جبریل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل
 گنجیب عمروم هدر مشغول روز و سال و ماه من
 بحق چارده معصوم گنج جرم و گناهیمدان
 واریم اقرار اؤز جرم و گناهیمدان گواهم من
 اگرچه مستحق هر عقوباتم گذشت ایلسه
 حسین عشقینده مداحم، غلام دستگاهم من
 فارسجا " جلوہ دیدار من " آدلی شعرینده ده ملاحظه بویورون نه
 گؤزهل بدیع صنعتدن استفادہ ائدبیدیر :

﴿ جلوہ دیدار من ﴾

جلوہ دیدار من، شاهد اقرار من، جلوہ دیدار من * شاهد اقرار من، جلوہ دیدار من
 گله گله، گله گله، نطق گهر بار من، باده گله گله، نطق گهر بار من * نطق گهر بار من، باده گله گله
 رونق بازار من، عکس رخ یار من، عکس رخ بازار من * رونق بازار من، عکس رخ یار من، عکس رخ بازار من
 محرم اسرار من، نقطه پرگار من، محرم اسرار من * نقطه پرگار من، محرم اسرار من، محرم اسرار من
 پیر خریدار من، بیخیر از یار من، پیر خریدار من * بیخیر از یار من، پیر خریدار من، پیر خریدار من
 عاشق دیدار من، کی بود انکار من؟ * عاشق دیدار من، کی بود انکار من؟ عاشق دیدار من
 شهرت اشعار من، مفتی دیدار من * شهرت اشعار من، مفتی دیدار من، شهرت اشعار من
 پرده رخسار من، یافته هشیار من، پرده رخسار من * یافته هشیار من، پرده رخسار من، پرده رخسار من
 بانگ علی حار من، شد بجهان کار من * بانگ علی حار من، شد بجهان کار من، بانگ علی حار من
 شاه مددکار من، یار هوادار من * شاه مددکار من، یار هوادار من، شاه مددکار من
 مادح افکار من، شیر خدایار من * مادح افکار من، شیر خدایار من، مادح افکار من
 مرحوم مداح یا خشی مرثیه دئییب و گؤزهل سس ایله اوخورموش،
 آقای عطاء اللہ قدیانی تعریف ائتدیلر کی، سیر مجلسده مرحوم میرزا محمد
 علی اؤز پیش واقعه لریندن بیر یسینی اوخویاندان صونرا رحمتلی عین
 آبدلی شیخ احمد (داوری) کی، او دا بیر آدلیم و اقتدارلی شاعر
 ایدی و عزیز " وارلیق " محله سینده کتحمیشده اونودا معرفی ائتمیشیک
 چوخ متاثر اولوب اؤزوندن اختیار سیز اولوب مداحین آغزیندن اوپموش -
 دور. ایندی مداح مرثیه لریندن (اولسون) آدلی بیر یسینی محتـرم

اوخوجولارین مبارک نظرلریندن کئچیریریک :

*** اولسون ***

گوگل گلزار شهرینده گرهک دائم قرین اولسون
ولی آختارما غاسرما یه بیر در ثمین اولسون
بلی عاشق گرهک نوش ایلیسین زهر هلاهلدن
مزاج کامینه بو زهر شهد شکرین اولسون
اولور عشق اهلی آواره بلی، بوروزگار ایچره
خوشا اول عاشقه معشوق ایله همنشین اولسون
گوره نده گوللری پزمرده بولبولر چکر ناله
امان اول وقتدن گوللردمی خاره کمین اولسون
اوگون گوللر سارالدی اکبرین باشی قیلجلاندی
صولوب گلشن ورق تؤکدو اگر خلدبرین اولسون
اولوب گلزار بی رونق چکیلدی عطر گوللردن
صفا گئچدی، گلستان آغلا سین بولبول غمین اولسون
گلستان کربلا، اکبر گول و لایلا اولور بولبول
مذمت یوخ، گرقان آغلا سین لایلا حزین اولسون
هانلی لایلا کیمی بولبول؟ هانلی گول عارض اکبر؟
هانلی بولبولده بیله ناله وشور انین اولسون
هانلی اوغلان علی اکبر؟ هانلی لایلا کیمی مادر؟
رضادیر چون اسیر اشقیا و مشرکین اولسون
هانلی بیر گلستانی کربلا گلزاری تک رنگین
هانلی خاری سنین کوفیان قوم کین اولسون
دی کوی حقیده کیمدیر وئره ن اوز اوغلونو قربان
علی اکبر کیمی بیرنوجوان مه حبین اولسون
اولایدی شل الهی منقذین مره، عبسدی
بئله شهلا گولون خاری گرهک بیله لعین اولسون
علی اکبر یارالاندی جگر پاره اولوب لایلا
کیمه دردین دئسین؟ یوخ بیر نفریا رمعین اولسون
شیه گول حمالین ایله ییب رنگین قانیله
کی تاشوق کمال ایله جمالی هم قرین اولسون
دوشوب لایلا علی اکبر دالیجه چوللری گزدی
دئییردی کاش تانا اولسون علی عشقین یقین اولسون

منم عاشق اوشلا گوزلره زحمت قبولومدور
 قولوم زنجیره باغلی شغلوم آه آتشین اولسون
 علی عشقین بیایانه سالیبیدیر بو دل افکاری
 گشچیبیدیر بوینوما عشقین طنا بی همنشین اولسون
 مگر بوداغ سینه مدن گشده رطوی گورمه دین اولدون
 آنان اولسون نه قدری واردی جان بوشوروشین اولسون
 منم بانوی عزت یا علی خوار اولموشام باخ گور
 آچیق باشیم رقیبیم خولی و شمر حصین اولسون
 تمام اولماز علی اکبر غمی لیلا مقالاتی
 تمام ائیله سوزون "مداح" یارین شاه دین اولسون
 مرحوم مداح بیر تریاکی دیلیجه اونون عورتینه خطاب بیر یاخشی
 منظومه دوزه لدوب کی، بوشعین ها میسی اله کلمه یب دیر، نمونه اوچون
 بو شعر دن نچه مصراع آشاغیدا گلیر :

✽ ای عورت ✽

صبح اولوب دور ایاقه ای عورت ✽ کیتیرین آس او جاقه ای عورت
 اسنه یه - اسنه یه چنه میخدی ✽ باخ شیشیق قاش قاباقه ای عورت
 یا تئز اول یا کی، قارنیوی سؤکرم ✽ باخ حبیمده پیچاقه ای عورت
 منقلین یوخ تهی، کولو تۆکولور ✽ قوی نه اوسر طاباقه ای عورت
 امام حسین علیه السلام ایران تورک شیعه شاعر لری نین ان ابسته ک
 لی ممدو خودور، بو جهتن مداحین دیوانیندان بیر (یا حسین) عنوانیندا
 شعری نمونه گؤسته ریریک :

✽ یا حسین ✽

یا حسین ای شواقلم وقار وتمکین ✽ ای سرشتینده اولان عشق خدا ایله عجین
 ای ووران معرکه عشقه خرگاه للال ✽ قووزایان همت ایله پیکره پایه دین
 ای ائدن عالم ذر عه دینه مردانه وفا ✽ ثبت ائدن لوح شهادته شفاعت رقمین
 کیم وئریب دوست رضا سینده باشی دشمنه ✽ هانسی عاشقه گورونموشدو بورسم و آئین؟
 ای شها تشنه باشین کسمگه شرم ایلمه د ✽ اول آنان فاطمه دن، شمرحفا کار لعین
 نچه بس اولما دی پاشیده بوا وضاع فلک ✽ بلشیوی وردوسنا نه چوسنان ازره کین
 باش سرنغیزه ده خورشید کیمی سئیرکن ✽ نعلش پاکی دوشه چون عرش یئرا وزر سنگین
 نچه انصا فیدی آغزینده دیلین و خلدیلار ✽ نچه دیلدا ثم ائدیب حکم شریعت تعلقین؟
 بیرا وزو کدن ساری بجدل کسه بارما قوی آه ✽ کیم وئریب غارته انکشترو انکشت ونگین

ساریان اللریوی کسدی حیا ایلمه دی * دو تماندی قدریوی منظوره ایاشاه مبین
 خون مطلقله گورونموب آلابیر کیمسه وضو * کیم نما زایلدی اعضا سی قانیله رنگین
 کیم وثریب سن کیمی دشمنالینه اهلوعیال * قولوبا غلی چوا سیر حبش ودیلم وچین
 کوفه یه وارد اولان دمده قطار اسراء * دوزولوب جمله سی بیررشته یه چون در ثمین
 اسدالله قیزی بیردوندوبا خیب قارداشینا * نای تک ناله چکیب باشلادی آواز انین
 بیر طرفدن یادینا دوشدو خانم لیق کونلر * بیر طرف باشی آجیق قیرخ حرم زهره جبین
 بیر طرف کوفه نین عورتلری بام اوسته تمام * اوزلرین تازه لباسا یله اشدیب زیوروز
 آه زینبله مواسات ایله "مداح" مدام * رقم گوزیاشی قیل دفتر غمده تزییین
 میرزا محمد علی مداحین هله دیوانینا کتچیر یلمه میش داغیناق شعرلری
 ده اللرده و دیل لدرده چوخ چوخ دورکی، بیر تعدادی توپلانیب و قالانلارینی دا انشاء
 الله توپلاییب، کامل دیوانینی چاپا و ثره جه یک، مقاله میزین آخیریندا
 مداحان بیر اؤگود آدلی شعری ده اوخویاق :

✽ اؤگود ✽

غافلا، بیر آچکینن غفلت گوزین * ای درینغا کتچدی عمرنا زنین
 خواب غفلتدن گوز آچ بیرجه اویان * ای عزیزیم، یا تما کؤچدو کاروان
 گتدی اول کس کی، دئیردی گتتمرم * اولدو اول کس کی، دئیردی اولمرم
 حسرتیله گتدی بیر کام آلمادی * بیر آدی قالدی نشانی قالمادی
 کیم تصرف ایله دی گور مالینی؟ * گت او قبرستانه بیر صور حالینی
 تیرمرگه گورنه طوری توش اولسوب * قاره تُپراقیله هم آغوش اولسوب
 دار دونیاده ائده ردی افتخار * ایندی یولداشی اولوبدو مورومار
 نولدو باخ گور اول جلال و طمطراق * بیرکسی یوخ حالینی آلین سراغ
 بیغدی چوخ- چوخ ملک و مال بی حساب * اولدو حمال مظالم ای جناب
 اوزگه یه قالدی هامی جاه و جلال * اوزو اولدو حامل وزر و وبال
 عورتینه صاحب اولدو اوزگه لیر * اوزگه یه قالدی تمام اول سیم و زر
 اول عمارت لرکی، سالدی زرنگار * اوزگه لر توتدو او قصر ایچره قرار
 ای عزیزیم آچ گوزون بیدار اول * باخ گتدن یولداشیوه هشیار اول
 بیل کمینینده یا تیب گرگ اجل * هایا و یقیدیر ترک قیل سین ال بهال
 گرسنی مغرور اشدیب دارالغرور * آخرتدیر، بیلگینن دارالسرور

بسدیر ای "مداح" قیلما شور و شین
 تا نفس واردیر چاغبر سن یا حسین



مشهد محمد صادق خان چرندابی

﴿ سردسته مجاهدین محله چرنداب ﴾



آیت الله ملکوتی نماینده امام در آذربایجان و امام جمعه تبریز در دیدار اخیر خود با شعرای آذربایجان قول داد که قبرستان چرنداب را که مدفن برخی از شعرای تبریز است احیاء کند. در این گورستان علاوه بر شعراء و فضلاء نام آور آذربایجان، شیر مردان با غیرت و جانبازان نامداری نیز خوابیده اند که زنده کردن یاد و تجلیل از خاطره فراموش نشدنی آنان هم بر هر شخص با وجدانی جزو فرایض محسوب می شود. یکی از این رادمردان محمد صادق خان رئیس مجاهدین محله چرنداب است که بعد از آن همه فداکاری و از خود گذشتگی با هزاران حسرت و افسوس در این گورستان آرمیده است. چرنداب یکی از محله های بسیار قدیمی تبریز است که در جنوب این شهر واقع شده و رخداد های تاریخی بسیاری را دیده و تجربه کرده است. ساکنان این کوی تاریخی در نهضت مشروطیت نیز به ندای تاریخ لبیک گفته و در کنار سایر همشهریان آزادیخواه و حریت طلب خود قیام کرده و پیروزه استبداد را به خاک مذلت مالیدند.

بعد از کودتای ضد خلقی محمدعلیشاه روسوفیل که تبریز قهرمان به پا خاست و آزادی را دوباره به ایران بازگرداند، مجاهدان چرندابی در این مبارزات انقلابی نقش خود را به خوبی ایفاء کرده و در تاریخ انقلاب های رها ئی بخش میهنمان نام خودشان را ثبت کردند. سردسته آنان محمد صادق خان بود که می توان وی را سمبل غیرت و مردانگی دانست.

شاعر درد آشنای همشهریمان آقای حمید سید نقوی (حامد) در منظومه جالب خود "گونول دردی" که در مجله "وارلیق چاپ شده است، آنجا که به محله چرنداب و نام آن مجسمه رشادت و شجاعت می رسد با زبان شیرین طدریمان چنین می گوید :

چرنداب یولی چوخ اوزاق ایدی * اما هر جورودی گفتدیم بیشتیشدیم
قره آغاج قالیر (اما مزادا) دا * (اما مزادا) ایلن گفتدیم اوپوقدوم
(مش مد صادق خان) بو یوک مجاهد * بو محله ده دونیا یا کلیب
امان و ثرمه ییب مستبد لره * گلن قولدورون جگرین ده لیب
روانشاد محمد صادق خان نه تنها سردسته مجاهدان محله چرنداب بود
بلکه یکی از افراد رهبری کننده جنگ نجات بخش وازیاران باوفسای

ستارخان سردار ملی بود.

راقم با استفاده از کتاب با ارزش "قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران" نوشته شادروان طاهرزاده بهزاد که خود وی یکی از مجاهدان این محله و از رزمندگان همسنگر قهرمان داستان ما بود استفاده نموده سعی خواهد کرد این چهره درخشان تاریخ مبارزات آزادی بخش میهنمان تا حد امکان شناخته شود. در کتاب یادشده وی چنین معرفی شده است:

"مرحوم محمدصادق خان در تبریز و محله آق مسجد در میان یک خان - نواده متوسط متولد شده و در سن جوانی به قفقاز رفته بود.

پدر وی استاد احمد بنا بود. این مرد بس که تنومند و قوی بود استاد احمد دیو لقب گرفته بود. برادران وی محمد تقی خان و شاطر محمد حسین نام داشتند.

در پیشانی محمد صادق خان جای زخمی نمایان بود و می گفتند در روسیه سالها در زندان حکومت تزار به سربرده و به قول معروف به سرش داغ زده اند.

محمد صادق خان در شدت جنگ آزادی وارد تبریز شده و مقداری بمب و اسلحه با خود آورده بود. اگرچه قبل از ورود او به محله ما به ضمانت برادر نگارنده و نجف بیک از ارک دولتی تفنگ گرفته و به مجاهدین داده بودند ولی با ورود او به محله چرنداب گروه مجاهدین جان تازه ای گرفت. سازمان آن با انضباط تر و بهتر شد. وی شجاع و دست و دل باز و میهن پرست و با انضباط بود. با این که خوش محض بود در حضور او کسی جرات نداشت که حرکات نامطلوبی از خود نشان دهد و به عبارت دیگر به مجاهدین زیر دست خود کاملاً تسلط داشت (۱)

تلگرافخانه در آن روزها دارای اهمیت ویژه ای بوده و دست هر کدام از طرفین می افتاد مسیر مبارزه را عوض می کرد چنان که خبر به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی چون نخست به دست انجمن ایالتی آذربایجان رسید پیش از آن که مستبدین تبریز از این فاجعه آگاه شوند مجاهدین خودشان را برای هرگونه دفاع آماده ساختند.

انجمن ایالتی و مجاهدین از این وسیله ارتباطی استفاده های زیادی می کردند از جمله رویدادهای تهران و سایر نقاط کشور آگاه شده و عکس

(۱) طاهرزاده بهزاد - قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران - ص ۴۵۸

العمل لازم را نشان می دادند و چون انجمن بعد از انحلال مجلس خود را جا - نشین پارلمان ایران می دانست دستورات لازم را با استفاده از تلگراف به کلیه نقاط مملکت می رسانید. و حتی با انجمن سعادت که توسط چند نفر از مبارزان و روشنفکران آذربایجانی در شهر استانبول تشکیل شده بود در تماس بود و با رساندن اخبار و دستورات العمل های لازم به انجمن سعادت مردم دنیا از حوادث و رخداد های میهنمان آگاه می شدند. علماء و مراجع تقلید شیعیان در نجف نیز توسط انجمن سعادت در جریان آن رویدادها قرار گرفته و تصمیمات لازم را می گرفتند. بنابراین هر روز مخابراتی بین تبریز و سایر نقاط درون مرزی و بیرون مرزی میهنمان انجام می شد و مردم دسته دسته در آنجا گردهم آمده و رهبران نهضت و ناطقان معروف نیز برای آنان صحبت می کردند و چون مستبدین سعی داشتند که وسائل مخابراتی را به چنگ آورده و انقلابیون را از این امکانات ارزنده ارتباطی محروم سازند. لذا اهمیت در تصرف داشتن وسایل یا دشده سبب شده بود که مقرر تلگرافخانه به شدیدترین جبهه جنگ تبدیل شود. بنا به نوشته طاهرزاده بهزاد "محل تلگرافخانه در سمت جنوبی باغ عالی قاپو واقع شده بود و از نقطه نظر جنگ حفظ آنجا اشکالات فراوان داشت و از این نقطه نظر بود که یکی از رشیدترین سردسته های مجاهدین یعنی محمد صادق خان برای حفظ آنجا انتخاب شده بود. این روزها خطرناک ترین و پرهیجان ترین و سخت ترین روزهای تبریز بود. مغا - زه های مجیدالملک و کلیه بناهای سمت شرقی باغ عالی قاپو در دست سواره های شجاع نظام و ضراغام و تفنگچی های انجمن اسلامیه بود و همیشه هم پیشرو جنگ ضراغام بود و قبل از همه صدای ده تیراوشنیده می شد (۱)"

یکی از خدمات مهم و متهورانه زنده یاد مشهد محمد صادق خان آزادسا - زی محله اهراب و از میان برداشتن نایب محمد و نایب علی اهرابی بود. این دو برادر کوی اهراب را دژی برای ضد انقلاب ساخته بودند و هر روز مزاحم مجاهدین شده و موانع زیادی بر سر راه انقلاب ایجاد می کردند. بنا به علی ستارخان سردار ملی با آنان مدارا می کرد ولیکن کار به جایی رسید که کاسه مجاهدین لبریز شده و به سردار شکایت کردند. سردار نیز به آن دو برادر تمام

۱) در این کتاب دشواری دفاع از این ساختمان و ایثار و از جان گذشتگی و غیرت و مردانگی مجاهدان مدافع به ویژه محمد صادق خان به تفصیل نوشته شده است. علاقمندان برای آگاهی از آن حماسه های غرور آفرین می توانند به صفحه ۱۴ به بعد این کتاب مراجعه کنند.

حجت کرد ولی آن ها نه تنها ترتیب اثر ندادند بلکه این اخطار را مورد تمسخر نیز قرار دادند. بهتر است دنباله ما جارا از زبان طاهرزاده بهزاد بشنویم " وقتی که این خبر را به انجمن آوردند در میان مجاهدین غوغا بلند شده و رشته صبر و شکیبائی به کلی گسیخته گردید و صلاح در این دیدند قبل از اینکه رحیم خان دوباره نیرو تهیه کرده و به تبریز هجوم آورد نایب محمدرضا از میان بردارند، چرا که هیچ بعید نبود نایب محمد هم به کمک رحیم خان دست به کار شود. گزارش های قبلی هم ارتباط او را با اسلامیه نشینان و حتی محمد علی شاه تایید کرده بود. بنا بر این تصمیم قطعی گرفته شد.

ستارخان پرسید برای کندن این ریشه فساد داوطلب کیست. این پرسش ایجاد سکوت کرده و هر کس به کس دیگر نگاه می کرد، البته حق هم داشتند زیرا مردم آن رعب و هراسی که در روزهای گذشته از نایب محمد داشتند یک قدم آن را از پسر رحیم خان و از خود رحیم خان و از ضرغام و محسن خان معروف به گوژپشت و از صمدخان شجاع الدوله و از شکرالله خان شجاع نظام و خلاصه از نایب کاظم معروف به دواتگر و نایب اصغر معروف به گوش بریده و امثال آن ها نداشتند و معروف است وقتی که نایب خلیل معروف به ایت خلیل که رشیدترین و پرتهورترین لوطیان آن عصر بود ما موریت پیدا کرده بود که نایب علی را به اداره نظمیّه جلب کند با او روبرو شده بود بایک کشیده نایب علی از پا در آمده و بیهوش شده و وقتی چشمانش را باز کرده بود خودش را در اداره نظمیّه یافته بود که همه از اسم این دو برادر می ترسیدند و در مقابل پرسش ستارخان همه مهر خا موشی بر لب زدند.

در این میان مرد خوش قیافه ای با قامت رشید آغا زسخن کرده و گفت: اگر بنا بود یک خلعتی به نایب محمد اهداء شود داوطلبان همه سرودست همدیگر را می شکستند اما حالا همه انتظار دارند که به جنگ نایب محمد کس دیگری برود. ما عادت کرده ایم همه وقت خطر را استقبال کرده و فداکاری را برای آزادی ضروری پنداشته و از تظاهر دوری کنیم. اینک من داوطلب این ما موریت هستم. این شخص محمد صادق خان چرندابی بود. حضار آفرین خوا-
ندند. این مرد فولادین گفت فردا محله اهراب را به شما تسلیم می کنم. با ادای این مطلب گفتگو پایان یافت.

محمد صادق خان که سال های سال در روسیه ساکن بود دوباره دچار خطر استبداد حکومت تزاری شده بود. دارای تجربیات فراوانی بوده و در پردلی و تهور کم نظیر بود و همان مرد رشید بود که مدت مدیدی تلگرافخانه را حفظ

کرده و در نتیجه ارتباط تلگرافی تهران تبریز با برجا مانده بود و با زهان مجاهد با تدبیر بود که حفظ سنگرهای لیل آباد تا باغ عین الدوله به او سپرده شده و هر وقت هم در امیرخیز و یا خیابان و یا سایر میادین جنگ دشمن به شدت خود می افزود او را به کمک می طلبیدند تا میرده با کمال رشادت و میهن پرستی با مجاهدین خود این تقاضا را اجابت و مردانه جلوه دشمن را می گرفت . اینک نقشه هجوم را تهیه کرده و مجاهدین را به دسته های معین قسمت و ما موریت هر قسمت را مشخص کرده و تصمیم گرفته شد تا هوا روشن نشده محاصره محله اهراب عملی شود . هر موقع که ده تیرا و پی در پی ده بار صدا کرد هجوم از هر طرف آغاز شود .

خط محاصره کامل شده و مطابق نقشه هجوم شروع شده صدای تیر مجاهدین دو برادر رشید ولی خالی از ذهن را از خواب بیدار کرده هر دو با زیردستان خود مثل ببر خشمناک به دفاع پرداختند . جنگ چندین ساعت طول کشید . وقتی که نا مبردگان احساس کردند کلیه نقاط محله اهراب محاصره شده است فهمیدند و افسوس روز زندگی آن هاست بنا براین به شدت و رشادت جنگیدند . به هر طرف که حمله می کردند عده ای از مجاهدین تلف می شدند و از تنگ داران نایب محمد هم عده ای کشته شدند تا عده ای از پیشقراولان مجاهدین خود را به خانه نایب محمد رسانیده وارد منزل شدند . در این دقیق دیگر جنگ نبود بلکه کشتار بود .

نایب محمد در یک اتاق محاصره شده بود ، دو مرد دلیر با هم روبرو شدند . محمد صادق خان با فریاد بلند به نایب محمد اخطار کرد که ایستادگی فایده ندارد تسلیم شود . سپس وارد اتاق شد . چند دقیقه دو حریف شیردل مثل دو پلنگ درنده به همدیگر نظر انداختند مثل این است که با نگاه با هم از گذشته و حال گفتگو می کنند .

نایب محمد سکوت را شکسته و گفت مقدر بوده است که من در دست یک نفر رشید مثل شما اسیر شوم ، خواستارم که شکیبائی داشته مرا نکشید و به من قول دهید که مرا زنده پیش ستارخان ببرید .

محمد صادق خان پاسخ داد که ما ماها صبر و حوصله را پیشه خود کرده و انتظار داشتیم که شما تنبه حاصل کرده و از راه کج برگردید ولی غرور چشمان شما را گرفته بود و حالا این درخواست خیلی دیر شده و اگر وصیبتی دارید بکنید . نایب محمد گفت خواستارم افراد عاقله ما در امان باشند . محمد صادق گفت آنان مثل افراد عاقله مجاهدین در امان خواهند بود و

این بگفت و ماشه ده تیرتکان خورد و سایر مجاهدین هم همان کار را کردند و آن مرد رشید مردانه بدون ضجه و ناله جان داد. نایب علی در اتاق دیگر در همان دقایق که می خواست فرار کند کشته شد.

بدین وسیله محله اهراب مصونیت خودش را از دست داد و کلیه بست نشینان که از معروف ترین مستبدین بودند دستگیر و چندین صد قبضه تفنگ و سایر اسلحه های کمتری که از انجمن اسلامی و از مجاهدین گرفته بودند به دست مجاهدین افتاد. تفنگ نایب محمد همه وقت در دست محمد صادق خان بود. وی در همه جا می گفت که نایب محمد را کشته و تفنگش را گرفته ام و هر کس بتواند مرا بکشد می تواند این تفنگ را بگیرد و حالا هر دو زیر خاک خوابیده اند (۱) "

شادروان محمد صادق خان در راه رسیدن به هدفش که همان آزادی و بهزیستی هموطنانش بود شب و روز نمی شناسد و در هر جنبه و سنگری به مبارزه خود ادامه می دهد تا این که در جنگ "یانیق داغی" از زانویش زخمی شده و تا آخر عمرش فلج می شود. همزمش ما جرارا چنین توصیف می کند :

" این جنگ تا شش بعد از ظهر ادامه داشت. ساعت شش بعد از ظهر مشاهده

شد که یک نفر زخمی راعده زیاد از مجاهدین از سنگر بیرون بردند. به زودی خبر رسید که محمد صادق خان زخمی شده است. در این موقع سواران هم که تیر خوردن یک نفر شخص ناشناس را فهمیده بودند از سنگرهای خود خارج و هلله کنان دست به هجوم شدیدی زدند. اگرچه این تغییر نحوه جنگ برای تمام مجاهدین ایجادگرانی کرد ولی دلیرانه پاسداری کرده و تا شب زد و خورد ادامه پیدا کرد و با رسیدن تاریکی شب طرفین دست از جنگ کشیدند.

وقتی که به شهر برگشتیم خبر دادند که محمد صادق خان را به مریضانیه برده اند با کمال فرسودگی به سمت بیمارستان شتافته و در کنار او صف کشیده شنیدیم که محمد صادق خان به جراح ارمنی به زبان ترکی گفت: "دکتر ترا قسم به مذهب اگر تشخیص می دهی که پای من قطع خواهد شد و یا من چسلاق مانده نان گدائی خواهم خورد، مراد ما ممکن بگذاریم" این حرف او همه را متأثر کرد و حتی جراح هم متأثر شد ولی دلداری داده قول داد که بهبودی پیدا خواهد کرد معذرتاً تشخیص مردمی بهن پرست صحیح بود، تیرکاسه زانوی او را متلاشی کرده و معالجه نتیجه ای نداد و این مرد آهنین تا آخر عمر با چوب زیر بغل راه می رفت و بعد از این رویداد تا اثر او و هر وقت صدای تیر اندازی شدت می یافت رنگ او از شدت تأثر و تهور سیاه شده و می دانست اگر

دشمن دست‌یاب‌زنده نخواهند گذاشت، با مرور زمان آن جوان رشید و خوش‌قیافه سلامت خود را از دست داد. چهرهٔ زرد و چشمانی گودرفته و گونه‌های فرو رفته او نشانهٔ مرگ او بود.

بزرگترین آرزوی او این بود که قبل از تسلط جلاد پیرشجاع الدوله که تشنهٔ خون او بود با اجل خود این دنیای فانی را وداع گوید و همین‌طور هم شد (ومی گویند صمدخان پافشاری می‌کرده که مردهٔ او را از قبر بیرون آورده آتش بزند). (۱)

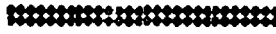
این مجاهد نستوه بقدری ایمانش قوی و روحیه‌اش پولادین بود که حتی بعد از فلج شدن نیز از مبارزه با زمانه و در روندانقلاب یا رویا و رانجمن ایالتی آذربایجان و مجاهدین بودبه طوری که بعد از سقوط انجمن اسلامی و فرار مستبدین از شهر رهبران انقلاب که تصمیم می‌گیرند ادارات دولتی را مجدداً از روی تشکیلات صحیح باسازی کنند هریک از سر دستهٔ مجاهدین را برای تصدی هریک از آن‌ها مامور می‌کنند و "مرحوم محمدصادق خان که از زانو تیرخورده و در نتیجه متلاشی شدن کاسهٔ زانو با چوب‌های زیربغلی راه می‌رفت و به عبارت دیگر این مرد رشید و شیردل علیل و زمین گیر شد برای ریاست کل زندان انتخاب گردید" (۲)

شماه از شرح زندگی افتخارآمیز زنده‌یاد محمدصادق خان را مرور کردیم و دیدیم که این شیرمرد آزاده و سرمجاهد جانبا چگونه با ایثار و از جان گذشتگی در راه انقلاب و گسستن زنجیرهای بیداد فداکاری کرده و زندگی‌اش را در این راه پرافتخار فدا نمود. وی با وجود آن همه قدرت و نفوذ که می‌توانست صاحب ثروت و مکننت زیادی شود ولی به قول طاهرزاده بهزاد: "وی با داشتن فرصت‌های فراوانی جهت سوء استفاده اندوخته‌های نداشت، و حتی قادر نبود که زخم پای خودش را علاج کند و در نتیجه عدم معالجه هم‌دنیار او وداع گفت. برادر او مرحوم شاطر محمد حسین هم در جنگ شنب‌غازان شربت شهادت نوشید. خانواده استاد احمد مثل هزاران خانوادهٔ آزادیخواهان دیگر در راه آزادی و مشروطیت به کلی محو نابود شدند.

روانت شادای مرد رشیدی که هستی و جان خود را در راه مشروطیت ایران فدا کرده و با چشم‌انتظار به اقدامات نسل‌آینده در قبرستان چرنداب خفتی" (۲) ۹۱

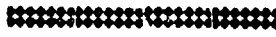
سیگار کشیدن

برای همه و در همه جا مضر است



سیگار چکمک

هامویا و هر یئرده ضررلی در



التدخين لجميع الناس وفي كل الازمنة

وكل مكان مضر للفرد والمجتمع



SMOKING IS HARMFUL
FOR
EVERYBODY & EVERY WHERE

توجه

۱ - از مشترکین محترم تقاضا دارد وجه آبونمان یکساله (یکهزار ریال) را در نزدیکترین شعبه هریک از بانکها بحساب شماره ۲۱۶۳ بانک ملی ایران (شعبه داریوش خیابان بهار) واریز و رسید آنرا بضمیمه نشانی خود بآدرس مجله ارسال نمایند تا در ارسال مجله برای آنها وقفه‌ای روی ندهد.

۲- شماره‌های گذشته مجله واریق را می‌توانید از دفتر مجله تهیه نمایید.

۳- جلد اول تاریخ ادبیات آذربایجان از قرن ۱۳ تا آخر قرن ۱۹ میلادی تحت عنوان «آذربایجان ادبیات تاریخیه بیرباخیش» از چاپ خارج شد همشهریهای علاقمند میتوانند از انتشارات فرزانه و یا انتشارات دنیا مقابل دانشگاه خریداری و یا با پرداخت ۳۰۰ ریال توسط آدرس بانکی مجله و ارسال رسید آن بدفتر مجله یک جلد از این کتاب را تهیه نمایند.

۴- آذربایجان ادبیات تاریخی نین ۲۰- نجی عصر فصلینی بازماقلا مشغول اوندو- غوموز اوچون بو عصرده کی یوردوموز آذربایجانین شاعرو یازچییلاری نین ترجمه حال و اثرلرینه احتیاجیمیز واردیر. بوتون شاعرو یازچی و آنادیلی ادبیاتیله مار اقلانان همشهریلر- یمیزدن بو بارهده بیزه یاردیمچی اولماقلا رینی و اؤز ترجمه‌ی حال و اثرلریندن نمونه لرله برابره انیدیقلا ری دیگر شاعر لریمیزین ده ترجمه‌ی حال و اثرلریندن نمونه لر گؤنדרمه لرینی خواهش ائدیریک «واریق».

واریق

مجله ماهانه فرهنگی، ادبی و هنری

(به زبانهای فارسی و ترکی)

تحت نظر هیئت تحریریه

صاحب امتیاز و مدیر: دکتر جواد هیئت

محل اداره: تهران، خیابان ولی عصر، کوچه بیدی شماره ۱۷

تلفن } ۶۴۵۱۱۷
} ۷۶۱۸۳۶

چاپ کاویان - میدان بهارستان

قیمت ۱۵۰ ریال